



# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ  
وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَانِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تَشْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا»

**مبلغان**

۱۹۹

ماهنامه اطلاع رسانی، پژوهشی، آموزشی

جمادی الأولى ۱۴۳۷ ق

بهمن - اسفند ۱۳۹۴ ش

■ صاحب امتیاز: معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه‌های علمیه  
اداره کل امور رسانه‌ها

■ مدیر مسئول: محمد حسن نبوی

■ سر دبیر: محمد علی قربانی

■ هیئت تحریریه: محمدحسن نبوی، اکبر اسدعلیزاده، عبدالکریم پاک‌نیا،  
سید جواد حسینی، محمدغلامرضائی، محمدمهدی ماندگاری، علی مختاری،  
حسین ملاطوری، محمود مهدی پور، ابوالفضل هادی‌منش

■ امور اجرایی: مجید خلیلی

■ امور مشترکین: میثم ابراهیمی‌منش

■ تیراژ: ۶۰۰۰ نسخه

■ قیمت: ۴۰۰۰ تومان

یادآوری:

- ✓ مطالب «مبلغان» ویژه تبلیغ و مبلغان است.
- ✓ مسئولیت مقالات و نوشته‌ها بر عهده نویسندگان آن است.
- ✓ حجم مقالات از ۱۲ صفحه دست‌نویس فراتر نرود.
- ✓ مقالات همه نویسندگان به شرط برخورداری از موازین علمی - پژوهشی، منتشر می‌شود.
- ✓ نقل مطالب با ذکر مأخذ، مجاز است.

نشانی: قم، ۴۵متری صدوق، ۲۰متری فجر، خیابان دانش، مرکز آموزشهای تخصصی تبلیغ،  
معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه‌های علمیه، اداره کل امور رسانه‌ها، دفتر مجله مبلغان.

صندوق پستی: ۳۷۱۸۵ / ۸۶۸      تلفن: ۳۳۹۳۳۱۹۰      شماره: ۳۳۹۱۴۴۶۶



## فهرست مطالب

رهنمود ولایت ..... ۳

### سرمقاله

\* آزمون دیگر فراروی ملت ..... محمدحسن نبوی ..... ۴

### تاریخ و سیره

\* از زهرا اطهر علیها السلام بیاموزیم ..... محمود مهدی پور ..... ۱۱

\* سیمای فاطمه علیها السلام از دیدگاه قرآن ..... محمداسماعیل نوری زنجانی ..... ۱۷

\* خودی و غیر خودی در مکتب اهل بیت علیهم السلام (۳) ..... عبدالله رضوانشهری ..... ۲۹

### سیاست و اجتماع

\* زن، اصلی ترین قربانی ورود ماهواره به خانه ..... جواد احمدی ..... ۳۶

\* فضای مجازی، فرصتها و آسیبها (۲) ..... محمدمهدی فجرى ..... ۴۱

### سوژه سخن

\* فلسفه پایبندی به اخلاق و مهرورزی از منظر اسلام ..... علی ملکوتی نیا ..... ۵۵

### فرق و ادیان

\* جایگاه عقل در اندیشه اسلامی و داعشی ..... قادر سعادتى ..... ۶۶

\* حامیان داعش ..... پیام عبدالملکی ..... ۷۳

### گلشن احکام

\* شرایط امر به معروف و نهی از منکر (۵) ..... سید جعفر ربانی ..... ۸۱

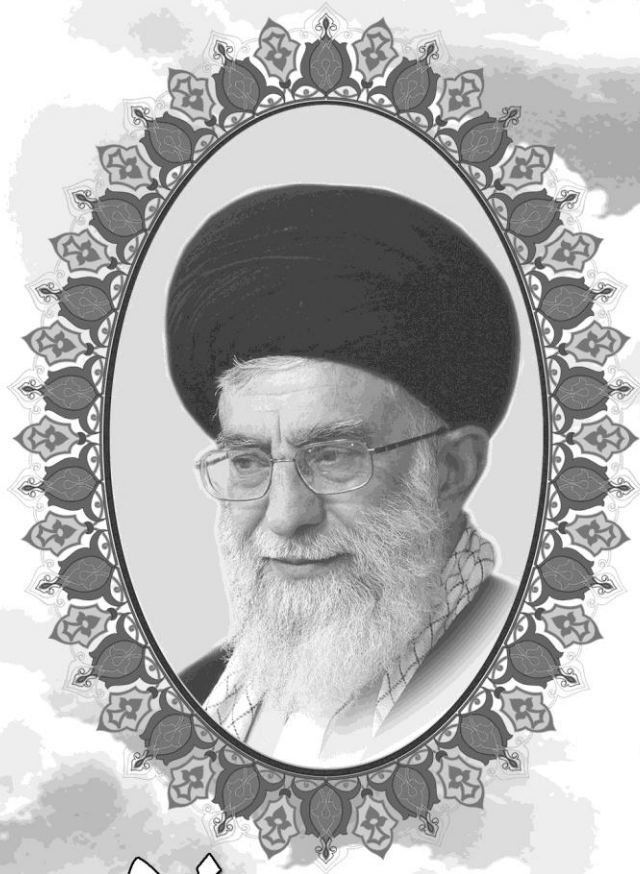
### رهنمودها و خبرها

\* پرسش از شما، پاسخ از مقام معظم رهبری علیه السلام / مسئله «نفوذ» ..... ستار مالمیر ..... ۸۸

\* خبرها و هشدارها ..... ۱۰۱

### کوناگون

\* پرسشنامه ..... ۱۱۴



# ره‌نمود ولایت

«آمریکای دوران ریگان و آمریکای دوران بوش با آمریکای امروز هیچ فرقی ندارند، هیچ تفاوتی ندارند. همچنان‌که آمریکای دوران ریگان یک‌وقتی لازم دانست و مناطق ما را در خلیج فارس، از روی حقد و غضب بمباران کرد، امروز هم [اگر] بتوانند همین کار را می‌کنند. آمریکا تفاوتی نکرده؛ سیاستهای آمریکا در مقابل اسلام و در مقابل جمهوری اسلامی، سیاستهای ثابتی بوده. البته روشهایشان متفاوت است؛ یکی این روش را دنبال می‌کند، یکی آن روش را دنبال می‌کند، اما هدفشان یک چیز است؛ این را باید همه متوجه باشند. لذا اهل خدعه‌اند و خدعه می‌کنند. مراقب خدعه کردن [آنها] باشند.»

# آزمونی دیگر

## فرا روی ملت



محمدحسن نبوی

با در حد امکان، در مسیر نظام جمهوری اسلامی ایران خلل ایجاد کنند؛ این افراد شیفته بیگانگانند و اهداف دشمنان را در کشور دنبال می کنند . فرماندهان داخلی این افراد از بیگانگان فرمان گرفته با دستور آنان و در زمین آنان و به اراده آنان بازی می کنند. همه ملتها چنین افرادی را خائن شناخته و به اشد مجازات می رسانند، لیکن در فضای باز سیاسی ایران، اینان همواره در نقش طلبکار از نظام اسلامی عمل کرده و از افراد نا آگاه به عنوان پیاده نظام خود بهره می جویند.

دسته سوم : افرادی هستند که در انتخابات شرکت می کنند تا از مواضع انقلابی کشور و ارزشهای ناب دینی حمایت کنند و در صف

انحسب که در اسبابه انتخابات مجلس خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی قرار داریم، هر کس حق دارد با هرگونه انگیزه ای به عنوان یک شهروند ایرانی در این انتخابات شرکت کند و به کاندیدای مورد نظر خود رأی دهد . افرادی که در این حماسه بزرگ شرکت می کنند، به چند دسته تقسیم می شوند:

دسته اول: عده ای که با انگیزه بهبود وضعیت کشور در این انتخابات شرکت می کنند؛ این افراد ممکن است هیچ گونه علاقه ای به ارزشهای دینی نداشته باشند، لیکن به کشور خود علاقه مند بوده و این حرکت را موجب ثبات، امنیت و حفظ کشور در برابر بیگانگان تلقی می کنند.

دسته دوم : برخی در انتخابات شرکت می کنند

مدافعان ولایت و پاسداران حریم دین و اسلام باشند؛ این افراد که از ایمان و صلابتی ستودنی برخوردارند، از دوران دیکتاتوری شاهنشاهی تا پیروزی انقلاب و پس از آن، عمده مشکلات را بر دوش داشتند و سکانداران کشتی انقلاب بوده اند؛ آنان هشت سال دفاع مقدس را مردانه و به عشق امام حسین (ع) اداره کردند و همواره سنگ زیرین آسیاب انقلاب اسلامی ایران در سختی ها و بحرانها بودند و سعی دارند فعالیت های خود را بر اساس ارزشهای دینی دنبال کنند.

هر کدام از گروه ها و احزابی که در کشور ایران فعالند، در یکی از دسته ها قرار می گیرند و نمایندگی طیفی از جامعه را برعهده دارند.

### انسان و تعارض

تعارض و درگیری بین جریان حق و باطل همواره در تاریخ بشر با فراز فرودها و نوسانات بسیار وجود داشته و فرماندهی پارسایان را پیامبران الهی برعهده گرفته اند. آنان با کمک گرفتن از معارف الهی و

دینی، سعی در هدایت انسانها و نجات بشر از فریبکاری ها و گمراهی ها داشته اند. در برابر این جریان پاک، طرفداران گمراهی هم بیکار نبوده، با دریافت دستور از جانب شیطان، فعالیت های زیادی داشته و در هر زمان عده ای را به دنبال خود کشانده و گمراه کرده اند.

زمان ما نیز از این قاعده مستثنی نبوده؛ این دو جریان به اشکال مختلف در برابر هم صف آرائی نموده و هر زمان این جدال و درگیری به شکلی بروز کرده که در نهایت به رشد و تعالی پارسایان و ضلالت بیش تر گمراهان خواهد انجامید.

### انقلابیون و ارزشها

مردم ما از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ناچار در برابر گمراهان بین المللی از شیطان بزرگ و کوچک تا ناآگاهان داخلی، ایستادگی و مقاومت کردند و در این راه مشکلات فراوانی را تجربه نمودند. ملت ایران با استعانت از امدادهای الهی، همواره پیروز معرکه ها بوده اند؛ گرچه در طول زمان و بر اثر مواجهه با

این منازعات، خسارتهائی را تحمل کرده، اما در نهایت توانسته اند مقابل همه این توطئه ها بایستند. مبلغان دینی در طول دوران انقلاب اسلامی و پس از آن به عنوان امانتداران رسالت (انبیاء)، سعی کرده اند مردم را به مسیر پیامبران الهی سوق دهند و در رویارویی ارزشها و ضدارزشها، آحاد جامعه را در ابعاد مختلف کمک و از افتادن در بیراهه ها حفظ کنند.

در طول انقلاب برای موضوعات مهمی مانند قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی، مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شوراهای اسلامی شهر و روستا و ... به طور مکرر انتخابات برگزار شده و در همه مراحل، مردم ما با هوشمندی و ظرفیت بالای سیاسی، نتایج را پذیرفته و در موارد متعدد قدرت در بین احزاب و اشخاص مختلف در لایه های گوناگون جابجا شده است، و با کمترین حادثه این جابجائی انجام می شد؛ اما در انتخابات سال ۱۳۸۸ پدیده جدیدی

اتفاق افتاد که بسیار تأمل برانگیز و برای کشور خسارت بار بود. در این انتخابات، به خلاف رویه های پیشین، چند اتفاق عجیب، شکننده، برنامه ریزی شده و بی سابقه رخ داد که فهرست وار به مواردی اشاره می کنیم:

۱. تبلیغات سوء اجانب و دشمنان در راستای کم رنگ کردن حضور مردم در عرصه انتخابات و استفاده از حربۀ تحریم جهت ممانعت از حضور آحاد ملت؛

۲. آموزش افراد و آماده سازی آنها در خارج از کشور جهت ایجاد آشوب در داخل به بهانه نتایج انتخابات و در پی نشر شایعۀ تقلب؛

۳. تمرکز دشمنان و ایادی آنان بر دفاع از یک کاندیدا و هماهنگ ساختن کلیۀ گروه های ضد انقلاب جهت یکپارچه ساختن حمایتها و هدایتها و فکر منسجم در کشور فرانسه؛

۴. ایجاد هماهنگی در بین کلیۀ شبکه های ماهواره ای و رسانه های جمعی که همسو با اهداف آنان بودند در جهت خط دهی به عوامل داخلی و یکپارچه ساختن حمایتها و برنامه ریزی

ها؛

۵. مدیریت کردن همهٔ جریان‌ات و گروه‌های سیاسی داخل کشور (اعم از گروه‌های مخالف و معاند) از خارج مرزها و القاء اندیشه‌ها و افکار مخرب بر بدنهٔ جامعه از طریق این گروه‌ها؛

۶. ورود به فاز دوم برنامه‌ها و پیگیری شکستن رأی و خواست ملت و ایجاد اغتشاش در پی القاء شایعات با انسجام کامل و بی‌سابقه و استفاده از تمامی ظرفیتها و عناصری که در اختیار داشتند (همچون ماهواره‌ها و فضای مجازی)؛

۷. همراه نمودن عده‌ای از نیروهای مردی که از توطئه آنان بی‌خبر بودند، جهت استفاده از ظرفیتهای اجتماعی. هرچند در مسیر راه، اکثر افراد غیر مطلع، از مسیر انحراف و فتنه فاصله گرفتند و بسیاری از توطئه‌های دشمنان نقش بر آب شد؛

۸. نادیده گرفتن نقش بی‌بدیل ولایت فقیه و شخص مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای > در مدیریت این بحران بزرگ بین المللی که نه تنها

برای مخالفان و معاندان، بلکه برای برخی از مردم و خواص جامعه نیز پوشیده مانده بود؛

۹. نادیده گرفتن نقش عده‌ای از سیاسیون مذهبی و روحانیون که از نیت خائنانه گردانندگان این جریان با خبر شدند و به آگاه‌سازی اقشار مختلف اجتماعی پرداختند.

امروز نیز ماهواره‌ها رسانه‌های بیگانه از طیفهای همسو حمایت کرده و به شکل‌های گوناگون، سعی در تضعیف نیروها و ارزشهای انقلاب اسلامی ایران دارند؛ از این رو شایسته است روحانیون و مبلغان دینی، مردم را در انتخاب نیروهای صالح برای مجلس خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی کمک کنند تا بتوان در هدایت نظام و تصویب قوانین ارزشمند بر اساس دستورات دینی امیدوار بود.

**کلیدی‌ترین ملاک‌کاندیدای صالح**

در شرائط فعلی کشور ایران، یکی از کلیدی‌ترین ملاکهای شناخت کاندیدای صالح، شناخت خط اصلی تفکرات او و شناخت گرایش کلان آن کاندیدا می‌باشد؛ بدین

معنا که آیا او برای ارزشهای دینی، دغدغه مند است یا همیشه نگران جلب رضایت بیگانگان و کفار است؟ عده ای در سالهای اخیر اسرار درونی خویش را بر ملا کرده اند و از گفتار و عملکردشان به خوبی روشن می شود که به سمت افکار و اندیشه های بیگانگان، مخالفین و معاندین نظام گرایش و تمایل دارند؛ آنان تنها راه نجات کشور را در دوستی با کفار و عدم ایستادگی و استقامت بر ارزشهای دینی می پندارند و این مطلب را به شکلهای مختلف بیان می کنند؛ هرچند مقام معظم رهبری > در موارد متعددی بر تکیه به توانمندیهای داخلی سفارش کرده اند، اما آنان به هنگام عمل، همچنان بر مواضع خود (اتکاء به خارج از کشور) پای می فشارند و در برابر نیروهای مؤمن داخلی، شدیدترین برخوردها و در برابر دشمنان حداکثر انعطاف را بروز می دهند. در مقابل گروه مذکور، بخش عمده ای از مدیران و سیاست مداران دلسوز و زحمت کش قرار

دارند که به ارزشهای دینی علاقه مند بوده به دنبال تقویت اسلام هستند. این افراد در این سالهای اخیر با گفتار و عملکرد خویش، اعتقادات و اندیشه های خود را به منصفه ظهور رساند و ضمن آنکه اهل تعامل با کشورهای دیگر هستند، در مقابل دشمن به هیچ وجه وا دادگی نشان نمی دهند. از اینرو به درستی می توان گفت اندیشه و افکار نامزدهای انتخاباتی در موضوع «نحوه تعامل با کشورها به ویژه کشورهای استعماری» از شاخصه های مهم در شناخت آنان می باشد؛ مبلغان گرامی و مؤمنین می توانند با توجه و لحاظ همین شاخص، سره را از ناسره تشخیص داده و با انتخاب دقیق و هوشمندانه خود، در انجام وظیفه دینی که حمایت از اسلام است، موفق باشند. قرآن مجید می فرماید: [لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرْكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ]؛<sup>۱</sup> «مؤمنان نباید کافران

۱. آل عمران / ۲۸.



را- به جای مؤمنان- به دوستی برگزینند و هر کس چنین کند، هیچ رابطه ای با خدا ندارد، مگر اینکه از آنان به نوعی تقیّه کنید و خداوند، شما را از [عقوبت] خود می ترساند، و بازگشت [همه] به سوی خداست.» در فرهنگ قرآن، کسانی که سرپرستی دشمنان را بپذیرند و یا با آنان از در دوستی در آیند، نزد خداوند بی ارزش خواهند بود، مگر اینکه در مقام تقیّه باشند؛ و حال که بعضی از سیاست مداران، عزّت و عظمت خود را در پیروی از بیگانگان طلب می کنند و خود را در مقابل آنان ناتوان می پندارند؛ گرچه در مورد شخص خودشان اگر چنین خیالی داشته باشند، شاید بجا باشد، لیکن اگر بخواهند این روحیه را به نمایندگی از ملّتی برای همه کشور اعمال کنند، بسیار خسارت بار خواهد بود. قرآن ع زیز در جای دیگری می فرماید: [الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا]؛<sup>۱</sup> «کسانی که

کافران را به جای مؤمنان سرپرست و دوست خود می گیرند، آیا عزّت و قدرت را نزد آنان می طلبند؟ یقیناً عزّت [و قدرت] همگی فقط برای خداست.»

### آموزه های وحیانی

در اینجا با توجه آموزه های اسلام و آیات شریفه قرآن چند دستورالعمل و توصیه دینی را ارائه می کنیم، امید آنکه مورد توجه همگان به ویژه کسانی که از ارزشهای دینی فاصله گرفته اند و دچار خودباختگی، خودفراموشی و بیگانه گرایی قرار گیرد.

#### ۱. تکیه بر ستمگران

گاهی دیده می شود که عده ای برای رسیدن به اهداف سیاسی خود، از نظام های استعماری و ستمگران کمک گرفته و با تکیه بر توانمندیهای آنان می خواهند به موفقیت دست یابند؛ این افراد دنیا و آخرت خود را خراب و به دوزخ وارد خواهند شد.

قرآن مجید در این

باره می فرماید: [وَلَا مَسَئِلَ تَرْكُونَا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ]؛<sup>۲</sup> بر ظالمان

تکیه ننمایید، که موجب می شود آتش شما را فرا گرفته؛ و در آن حال، هیچ ولی و سرپرستی جز خدا نخواهید داشت؛ و یاری نمی شوید.»  
**۲. نشانه کینه توزی**

اگر به سخنان دشمنان ایران اسلامی توجه کنیم، عداوت و کینه توزی خود را در مواردی به ناچار آشکار می کنند که افراد تیزبین به درستی می دانند عمق عداوت آنان خیلی بیش تر و توطئه های آنان بسیار پیچیده تر و گسترده تر است. قرآن مجید به شایستگی از رویه آنان پرده برداشته و می فرماید:

[یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا بطانته من دُونِكُمْ لا یألوَنکُمْ حَبَالاً وَذُوا ما عینکم قد بدت البغضاء من أخواهم و ما تحفی صدورهم اکبر قد بینا لکم الآيات إن کنتم

تَعْمَلُونَ]؛<sup>۱</sup> «ای اهل ایمان! از غیر خودتان برای خود محرم راز نگیرید آنان از هیچ توطئه و فسادى درباره شما کوتاهی نمی کنند شدت گرفتاری و رنج و زیان شما را دوست دارند تحقیقاً دشمنی از لابلای سخنانشان پدیدار است و آنچه در سینه هایشان

پنهان می دارد بزرگ تر است. نشانه هائی را برای شما روشن ساختیم.»

**۳. اهانت به فرمان خداوند**  
 دنیای فریبنده غرب به دنبال سلطه فرهنگ وحشی خود، تمام انسانها و فرهنگها را به ریشخند گرفته و آنان را تحقیر می کنند؛ مسلمانان نیز بایستی در مقابل آنان ایستاده و فرهنگ لجام گسیخته آنان را به هیچ گیرند؛ نه آنکه تحت تأثیر تبلیغات آنان از فرهنگ غنی دینی خویش فاصله گیرند.

قرآن مجید می فرماید: [یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا الذین اتخ ذوا دینکم هزواً و لعباً من الذین اوتوا الکتاب من قبلكم و الکفار اولیاء و اتقوا الله إن کنتم مؤمنین]؛<sup>۲</sup> «ای کسانی که ایمان آورده اید! افرادی که آیین شما را به باد استهزاء و بازی می گیرند (از اهل کتاب و مشرکان) دوست و سرپرست خود انتخاب نکنید و از خدا بپرهیزید اگر ایمان دارید!»

**۴. اهتمام به ملاک ایمان**  
 ما بعنوان شیعه چگونه می توانیم با کسانی که دستورات دینی و حتی پیامبر ما را به

استهزاء می‌گیرند، طرح دوستی بریزیم! دوستی در کانون دین تا آنجا در فرهنگ قرآن دارای اهمیت است که اگر نزدیک ترین افراد به انسان، کفر را بر ایمان ترجیح دادند، نباید به عنوان دوست برگزینید. قرآن مجید می‌فرماید: [يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَ إِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ]؛<sup>۱</sup> «ای کسانی که ایمان آورده اید، پدران و برادران خود را، اگر کفر را بر ایمان برگزیدند، دوست و سرپرست مگیرید؛ پس هر که از شما آنها را دوست و سرپرست بگیرد، همانا آنان ستمکاران اند.»

۵. ارزش مخالفت با دشمن کسانی که در عملکرد و رفتار خود به گونه ای عمل کنند که کفار ناراحت شوند، عمل آنان به عنوان عمل صالح ثبت خواهد شد. مردم ایران اسلامی می‌توانند با حضور در راهپیمایی ایام الله دهه فجر یا مناسبت‌های دیگر و یا با انتخاب نیروهای ارزشی برای مجلس خبرگان و مجلس شو رای

اسلامی، دشمنان را ناراحت و برای خود عمل صالح ذخیره کنند. باید برای مردم بیان کرد که نیروی ارزشی و مؤمن نباید به دنبال انتخاب افراد بر اساس ملاک مادی باشد و افراد را با توجه به وعده های دنیوی برگزینند؛ بلکه باید به دنبال نیروهایی باشد که با صلابت تمام حفظ ارزشهای دینی را اولویت خویش اعلان کنند، زیرا بر مبنای آیات قرآن اگر کسی با انتخاب نماینده ارزشی و فعالیت در مقابل دشمنان و کفار، آنان را به خشم آورد، همه آنها به عنوان عمل صالح برای آنان ثبت خواهد شد. چنانکه قرآن مجید می‌فرماید: [مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدْيَنَةِ وَ مَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَ لَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَ لَا نَصَبٌ وَ لَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَطَؤُونَ مَوْطِنًا يَغِيظُ الْكُفْرًا وَ لَا يَبْأَلُونَ مِنْ عَدُوِّ تَبَلًا إِلَّا كُنْتُمْ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِعُّ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ]؛<sup>۲</sup> «برای اهل مدینه و هر که از اعراب در پیرامون ایشان هستند (روای نیست که از (فرمان)

فرستاده خدا تخلف کنند  
و به خاطر جانهای خود  
از او رو گردان شوند .  
این بدان سبب است که  
در راه خدا تشنگی و  
رنج و گرسنگی به آنها  
نمی رسد و در جایی پا  
نمی گذارند که کافران  
را به خشم آورد، و از  
دشمن چیزی بدست نمی  
آورند، مگر به سبب آن،  
بر ایشان عمل صالح  
نوشته شود، بی گمان  
خدا پاداش نیکوکاران  
را ضایع نمی کند.»



# از زهرای اطهر ﷺ پیاموزیم

محمود مهدی پور

فعالیت‌های حضرت صدیقه طاهره (س) را در چهار بخش مهم می توان دسته بندی کرد.

۱. فعالیت‌های عبادی؛
۲. فعالیت‌های فرهنگی؛
۳. فعالیت‌های اقتصادی؛
۴. فعالیت‌های سیاسی.

در زندگی اولیای الهی و انسانهای برجسته، «عبادت» و «اقتصاد» و «فرهنگ» و «سیاست» از هم جدا نیست؛ آنان در تمام فعالیت‌های زندگی، قصد و غرضی جز کسب رضای الهی و خدمت رسانی به بندگان خدا نداشته و ندارند و تنها روزه و نماز آنان عبادت نیست؛ بلکه تمامی زندگی ایشان عبادت است. اینگونه زندگی راه و رسم ابراهیم خلیل (ع) است که در هیچ بخشی از زندگی او شرک راه

بانوی دو عالم حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا (س) سرشار از درسها و آموزه های متعالی است که توجه و عمل به آنها، زندگی انسان را تعالی بخشیده و حیات مادی و معنوی او را تصحیح و تکمیل می نماید.

این آموزه ها هرچند در زندگی به ظاهر کوتاه مدت آن بانوی با عظمت به مرحله ظهور و بروز رسیدند، لکن ماندگاری و تطابق آنها با آموزه های وحیانی، از عمر طولانی این آموزه ها به بلندای حیات دین مبین اسلام حکایت دارد.

در این نوشتار، با توجه به فرصت موجود و مقتضیات زمان، بخشیهایی از این آموزه ها و درسها اشاره می کنیم. درس اول: اهتمام به رضای

نیافت و تمام تلاش های وی برخاسته از عشق الهی و اخلاص و قصد تقرب به آستان قدس ربوبی بود. قرآن کریم خطاب به رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: **إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**<sup>۱</sup>؛ «بگو به درستی که نمازم و عباداتم و [روش] زندگی و مرگم از آن خداست که پروردگار جهانیان است.»

قرآن کریم این «سبک زندگی» را «صراط مستقیم» ابراهیمی و محمدی (ص) و زندگی الهی می‌شمارد.<sup>۲</sup>

### درس دوم: اهتمام به ارزشهای آسمانی

سؤالی که گاهی اذهان را به خود مشغول می‌سازد این است که «راز عظمت زهرای اطهر (س) در چیست؟»

در پاسخ به آن باید گفت: عظمت و ارزش هر کس، محصول اندیشه‌ها و اخلاق و رفتار اوست. به عبارتی دقیق تر امور زیر در ارزشمندی و تعالی یافتن افراد مؤثر است:

۱. انعام / ۱۶۲.  
 ۲. **إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ**؛ «بگو: «آری! پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده است: دینی پایدار، آیین ابراهیم حق‌گرای! و او از مشرکان نبود.» انعام / ۱۶۱»

۱. چگونه می‌اندیشد؟  
 توحیدی یا شرک‌آمیز؟  
 ۲. چه آرزوهایی دارد؟ آرزوهای شخصی و حقیر، یا آرزوهای جهانی و بزرگ؟  
 ۳. چگونه کارنامه‌ای دارد؟ سیاه یا سپید؟  
 امیر المؤمنین علی (ع) در مورد روش ارزشیابی انسانها، چنین می‌فرماید: **«قِيَمَةُ كُلِّ امْرِءٍ مَا يُحْسِنُهُ»**<sup>۳</sup> ارزش هر کس به چیزه‌ایی است که آن را خوب می‌شمارد».

در حقیقت انسان مجموعه‌ای از اندیشه‌ها، آرمانها و فعالیت‌های مثبت و منفی و ایجابی و سلبی است که مجموعه رفتار و گفتار و عملکرد او اعم از داشته و نداشته‌ها، گفته‌ها و نگفته‌ها و فریادها و سکوتها، خدمتها و خیانتها و بی‌عملی‌ها، عشقها و کینه‌ها و... در ارزیابی او لحاظ می‌شود و به تعبیر دیگر دانشها و ارزشهای هر کس، ترازوی ارزیابی خود اوست.

هر کس که بزرگان را بزرگ می‌شمارد، بزرگی خود را نشان می‌دهد؛ هر کس به پلیدان و پلیدی‌ها عشق می‌ورزد،

۳. نهج البلاغه، سید رضی، دار الثقلین، قم، حکمت ۸، ص ۵۱۲.

کوچکی و پلیدی خویش را به نمایش می‌گذارد. باید دید چه کسانی و چه اموری را بزرگ و مهم می‌شمارد و محبوبها و منفورهای او کیانند و به کدام بایدها و نبایدها، پای‌بند است و در راه دفاع از ارزشها چه میزان صبور است و استقامت دارد. این امور عوامل مؤثر در ارزیابی و سنجش عظمت و بزرگی انسانها است.

فاطمه زهرا (س) الگوی خداواری، قیامت باوری، تمسک به قرآن و تندیس اقدام در مدار ولایت الهی و ولایت نبوی و دفاع و ایثار برای ولایت علوی و خدمت به محرومان جامعه است او عروة الوثقی و رهایی و فلاح و نجات جامعه بشری است. او بانویی بزرگ و معصوم است که از سلطه سه آفت بزرگ جوامع انسانی رهایی یافته است: ۱. رهایی از سلطه هوسهای مادی و حیوانی؛ ۲. رهایی از حاکمیت شیطان و اندیشه های شرک‌آمیز؛ ۳. رهایی از سلطه سلاطین بیدارگر.

فاطمه (س) طاهر و مطهر و محور آیه شریفه تطهیر است که پاکی از هر آلودگی اخلاقی و

اعتقادی و رفتاری را نشان می‌دهد. فاطمه لیلۃ القدر است که از هزار ماه برتر است و زنجیرهای زور، وزر و تزویر هزار ماهه به برکت او و فرزندان او از دست و پای بشریت گشوده می‌شود.

**درس سوم: اهتمام به ولایت در اندیشه، گفتار و رفتار**  
سؤال دیگری که ممکن است پیش آید این است که فاطمه زهرا (س) در دفاع از امامت چه گامهایی برداشت؟ برای شناخت

فعالیت‌های حضرت زهرا (س) در زمینه دفاع از امام و امامت سه موضوع باید مورد بررسی قرار گیرد.

۱. امامت در اندیشه‌های فاطمی (س)؛
۲. امامت در گفتار زهرایی (س)؛
۳. امامت در سیره و رفتار صدیقه کبری (س). آن حضرت نسبت به سه مورد مذکور (دفاع از ولایت در اندیشه، گفتار و رفتار) بالاترین مرتبه و والاترین نقطه عملکرد قرار دارد؛ اندیشه و گفتار و رفتار آن بانوی دو عالم در موضوع «ولایت» سرلوحه تمامی تلاشها و کوششهای بزرگان و نام آوران عرصه دین و دینداری

- است. ده گام بلند دختر خورشید در دفاع از توحید و امامت بدین شرح است:
۱. پرورش دو امام بزرگوار که دو سبط گرامی رسول اعظم (ص) و دو الگوی جوانان بهشتی هستند و نیز پرورش دو بانوی مجاهد اسلام؛ حضرت زینب و ام کلثوم)، یکی از خدمات تربیتی فاطمه (س) به امام و امت است.
۲. بیعت با امیرالمؤمنین علی (ع) در جریان غدیر و نقل و بازگویی حدیث غدیر به عنوان شیرین ترین خاطره صدیقه کبری (س) از دیگر خدمات آن حضرت است.
۳. تکریم امام در تمامی صحنه های سخت و دشوار زندگی، نشان بانوی بی نشان و مظلوم تاریخ است.
۴. ایفای نقش سخن گویی امام در روزهایی که امیر المؤمنین (ع) مأمور به سکوت بود، شجاعت و عصمت او را نشان می دهد.
۵. دفاع از امام در برابر یورش به خانه امیرالمؤمنین (ع) در روزهای پس از رحلت رسول اعظم (ص)، قصه های غم انگیز در تاریخ اسلام است.
۶. تسلیم در برابر امام در کل تصمیمهای درون و برون خانواده، رسالت صفحه ای دیگر از کتاب اخلاق و سیره او است.
۷. محبت عمیق و مداوم مولا و زهرای مرضیه (س) به طور متقابل در سراسر زندگی از ولادت تا شهادت، برگ زرین دیگری از زندگی با عظمت آن حضرت است.
۸. یاری رسول گرامی (ص) و امیرالمؤمنین (ع) در تمام صحنه ها در برابر مشرکان خا رجی و منافقان داخلی، گوشه ای از کارنامه نورانی فاطمه (س) است.
۹. افشای طاغوتهایی که در عصر رسالت و امامت در برابر رسول گرامی (ص) و امام منصوب رسول خدا توطئه می کردند، شواهد متعدد در زندگی زهرای مطهر دارد.
۱۰. و سرانجام دست یابی این بانوی بزرگ به مدال شهادت و همسر شهید محراب و مادر شهیدانی چون سبط اکبر رسول خدا (ص) امام حسن (ع) و حضرت سالار شهیدان (ع) و مادر بزرگ ده ها شهید کربلای معلی، گواهی بزرگی بر ولایتمداری و ایثار و



فداکاری فاطمه (س) است.

حضرت زهرا (س) با خطبه روشنگر خود در مسجد شریف نبوی (ص)، با بیان فلسفه وحدت بخش امامت در آن خطبه، با تربیت دو امام معصوم و دو بانوی مجاهد و یاران آن دو بزرگوار، با معرفی امامان در لوح جابر، با نقل حدیث غدیر، با تدوین مصحفی حاوی حوادث مربوط به جریان امامت در آینده تاریخ، با افشای مدعیان فاقد صلاحیت و با تلاش برای بازگرداندن فدک، وظیفه دفاع از رهبر الهی را به خوبی انجام داد.

توحیدمحوی و ولایتمداری فاطمه (س) ریشه در خلقت و طینت پاک و آسمانی او دارد. شیخ صدوق در توصیف چگونگی ولادت فاطمه (س) از امام باقر (ع) نقل می کند: روزی که زهرای اطهر (س) به دنیا آمد، لب به سخن گشود و چنین فرمود: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَنَّ بَعْلِي سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَ وَوَلَدِي سَادَةُ الْأَسْبَاطِ»<sup>۱</sup> گواهی می دهم که خدایی جز خدای یگانه نیست و گواهی می دهم که پدرم سالار پیامبران

است و همسرم سرور اوصیای آنان و فرزندان من آقای نوادگان رسول گرامی (ص) است.»  
از زهرای مرضیه (س) چهار گفتار و سخنرانی در دفاع از ولایت نقل شده است:

۱. سخنرانی در مسجد مدینه؛
۲. سخنرانی در جمع زنان مهاجر و انصار؛
۳. گفتار در میان مردم در کوچه بنی هاشم؛
۴. سخنانی در سرزنش پیمان شکنان.

متن این فریادهای بیدادگر فاطمی (س) در منابع تاریخی همچون «عوامل العلوم» و «نهج الحیاة» آمده است که حکایت از اوج دفاع آن حضرت از «ولایت» و «امامت» دارد؛ ولی مهم تر از دفاع از ولایت و رهبری آسمانی، انگیزه های الهی و آسمانی فاطمه زهرا (س) در دفاع از ولایت است؛ چرا که انگیزه های افراد در دفاع از پیامبر (ص) و امام و ولی فقیه بسیار متفاوت است؛ گاهی به انگیزه «مقام طلبی و کسب منصبهای اجتماعی» است؛ پاره ای از مواقع به نیت «رفاه طلبی شخصی» و در برخی موارد به «انگیزه های الهی و معنوی». در این نوع

۱. عوالم العلوم، بحرانی، مؤسسه الامام المهدي (عج)، قم، ۱۳۸۲ش، ج ۱۱، ص ۴۴.

سوم است که انسان پیش مرگ پیامبر و امام و ولیّ الهی می شود؛ اما در دو نوع اول و دوم، ولیّ الهی را برای دنیای خویش می خواهیم. خود را قربانی توحید و امامت نمی کنیم، امام را برای دنیای خویش می خواهیم.

اصولاً انسانها نسبت به جریان «رهبری حق و عدل» سه گونه وظیفه دارند:

۱. همراهی و هماهنگی با امامت در اعتقاد.
۲. اقتدا به امام در عبادت و پشت سر او قرار گرفتن.
۳. پیشگامی و پیش مرگی در دفاع از امام و رهبری.

زهرای مرضیه (س) در کل زندگی از مواضع ولیّ عصر خویش جانانه حمایت می کند و از این حمایت جز رنج و محر و میّت و فشار اجتماعی سهمی نمی برد.

همانگونه که «عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ» است، فاطمه (س) نیز با حق است و حق با فاطمه است و ترازوی ارزیابی فرق و مذاهب اسلامی و اشخاص و احزاب گوناگون، مواضع آنان نسبت به این خاندان نبوت و امامت است.

«شن اخت» راه و رسم علوی و فاطمی، «عشق و

مودّت» به خاندان نبوی و «اتباع و اطاعت» از این خانواده، پیش نیاز حرکت در مسیر و مدار مسلمانی و شرط رهایی از رهنان پیدا و پنهان جوامع انسانی است.

ایمان و پارسایی و هجرت و جهاد و صبوری در راه حق، گامهای بلند تکامل انسان است که از معرفت و عشق الهی پدید می آید و زهرای بزرگ عصاره همه این ارزشها است.

در پایان دو حدیث معرفت آموز فاطمی را به خوانندگان گرامی تقدیم می داریم.

۱. در مسند احمد از ابن عباس نقل شده که می گوید: «روزی رسول گرامی (ص) چهار خط بر زمین کشید و رو به اصحاب کرده پرسید: می دانید این خطوط چیست؟

یاران حضرت گفتند: خدا و رسول او داناترند.

حضرت فرمود: «أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْاَلْحَةِ خَدِيْجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ (ص)، وَ اَسِيْبَةُ بِنْتُ مَزَاحِمٍ اَمْرَاةٌ فِرْعَوْنُ وَ مَرِيْمُ ابْنَةُ عِمْرَانَ؛<sup>۱</sup> برترین زنان بهشتی خدیجه دختر خویلد، فاطمه (س) دختر

۱. عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۱۰۸.

السَّلَامُ؛<sup>۱</sup> به درستی که خداوند سلام (و سلامتی) است و سلام (و سلامتی) از او و به سوی اوست.» والسلام

محمّد (ص)، و آسیه دختر مزاحم همسر فرعون و مریم دختر عمران هستند.»

این حدیث که با عبارات مختلف در ده ها منبع حدیثی شیعه و اهل سنت آمده است، نشان می‌دهد. بانوانی در صدر زنان بهشتی قرار دارند که در حفاظت و پرورش و ایفای نقش مادری برای اولیای الهی و پیشوایان و رهبران آسمانی نقشی برجسته ایفا می‌کنند.

خدیجه (س)، مادر بانویی بزرگ مثل فاطمه (س) و محافظ جان و زندگی رسول اعظم (ص) است.

فاطمه (س) مادر ۱۱ خورشید و مراقب جان و زندگی پدر و همسر است که رسالت و امامت را نگرهبانی می‌کند.

آسیه، نجات دهنده جان موسای کلیم و اسوه صبوری و استقامت در ایمان است.

و مریم اسوه عبادت و صبوری و مادری برای پیامبری بزرگ چون عیسی مسیح و در این میان فاطمه (س) بانوی برتر دو جهان و سیّده نساء العالمین است.

۲. فاطمة زهرا (س) می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ، وَ مِنْهُ السَّلَامُ، وَ إِلَيْهِ

۱. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۲۸.



خواهد شد.  
آیات مرتبط با حضرت زهرا  
(س) :

در قرآن کریم آیات بسیاری وجود دارد که طبق روایات معصومین و نظر برخی مفسران، هر کدام به نوعی (با تنزیل یا تأویل) با وجود مقدس فاطمه زهرا (س) ارتباط دارد که مطالعه آنها، عظمت مقام و علو شأن آن حضرت را روشن می‌گرداند.<sup>۲</sup>

تاکنون در این سلسله مقالات آیات مرتبط با رخدادها به چهارده مورد از آیات مرتبط به آن حضرت اشاره شده است که اینک به برخی دیگر از این نوع آیات، در ادامه آیات قبلی اشاره

۲. لازم به ذکر است آیات مرتبط با آن حضرت که در اینجا ذکر می‌شود، دو دسته هستند: دسته اول فقط به ایشان ارتباط دارد و دسته دوم به حضرت علی<sup>ع</sup> یا به بقیه معصومین نیز ارتباط دارد.

ماه‌های جمادی الأولى و جمادی الثانية رنگ و بوی فاطمی دارند؛ زیرا شهادت بانوی بزرگ اسلام، حضرت فاطمه زهرا (س) در سیزدهم جمادی الأولى یا سوم جمادی الثانية واقع شده و ولادتش نیز در بیستم جمادی الثانية بوده است.<sup>۱</sup>

از این رو، در دو مقاله از مقالات «آیات مرتبط با رخدادها» که در این دو ماه منتشر می‌شود، برخی از آیات

۱. ر.ک: تقویم شیعه، عبد الحسین نیشابوری، دلیل ما، قم، چاپ نهم، ۱۳۸۸ ش، ص ۱۵۳ و ۱۶۱ و ۱۷۰؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۲، ص ۶، ج ۷ و ص ۸، ح ۱۲، و ص ۱۹۶، ج ۲۶؛ مسار، ص ۳۱ (۶۷) الشیعه، شیخ مفید، ص ۳۱ (۶۷) و توضیح المقاصد، شیخ بهایی، صص ۱۳ و ۱۴ (۵۲۵ و ۵۲۶) هر دو کتاب در ضمن مجموعه نفیسه، مکتبه بصیرتی، قم، ۱۳۹۶ ق؛ الکافی، شیخ کلینی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۴۴۱، ج ۵، و ص ۵۸، و ج ۳، ص ۲۲۸، و ج ۴، ص ۵۶۱، ج ۳.

می‌شود.<sup>۱</sup>

۱۵. در سوره نور،  
آیه ۶۳ می‌فرماید: [لَا  
تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ  
بَعْضِكُمْ بَعْضًا]؛ «صدا کردن  
پیامبر را در میان  
خود، مانند صدا کردن  
یکدیگر قرار ندهید.»<sup>۲</sup>  
در تفسیر این آیه از  
امام حسین (ع) روایت  
شده که از مادرش فاطمه  
(س) نقل کرده است:  
«هنگامی که این آیه  
نازل شد، من دیگر "یا  
أَبَتُ = ای پدر، پدرجان"  
نمی‌گفتم، من هم مثل  
دیگران: "يَا رَسُولَ اللَّهِ"  
می‌گفتم، یک روز پدرم به  
من توجه کرد و فرمود

«يَا بُنَيَّةُ، لَمْ تَنْزِلْ فِيكَ وَ لَا فِي  
أَهْلِكَ مِنْ قَبْلُ، قَالَ: أَنْتِ مَنِّي، وَ أَنَا  
مِنْكَ، وَ إِنَّمَا نَزَلَتْ فِي أَهْلِ الْجَعَاءِ، وَ  
إِنَّ قَوْلَكَ: يَا أَبَاهُ، أَحَبُّ إِلَيَّ قَلْبِي، وَ  
أَرْضِي لِلرَّبِّ؛ دخترم! آن  
آیه در حق تو و  
خانواده ات نازل نشده،  
تو از منی و من از تو  
هستم و آیه درباره اهل  
جفا (دیگران) نازل شده  
است، و پدر (پدرجان)

۱. جهت اطلاع از آیات مذکور به  
ماهنامه «مبلغان»، شماره ۱۷۵،  
مقاله «سیمای فاطمه & از  
دیدگاه قرآن» مراجعه شود.  
۲. طبق روایت امام باقر  
«مقصود آیه شریفه این است که  
«يَا مُحَمَّدُ» و «يَا أَبَا الْقَاسِمِ»  
نگوید، بلکه «يَا نَبِيَّ اللَّهِ» و «يَا  
رَسُولَ اللَّهِ» بگوید» (تفسیر نور  
القلوب، عبد علی حویزی،  
انتشارات اسماعیلیان، قم، چاپ  
چهارم، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۶۲۸، ح  
۲۶۶).

گفتن تو برای قلب من  
محبوب‌تر [و مایه حیات  
دل] و موجب رضایت  
پروردگار است» حضرت  
زهرا (س) در ادامه  
فرمود: پیامبر خدا  
فرمودند: «أَنْتِ نِعْمَ الْوَالِدِ، وَ  
قَبْلَ وَجْهِ، وَ مَسْحَنِي مِنْ رِيْقِهِ، فَمَا  
اِحْتَجْتُ إِلَى طِيبٍ بَعْدَهُ؛ تو خوب  
فرزندی هستی! و بر  
صورت‌م بوسه زد و از آب  
دهنش مالید (چنان معطر  
بود که) پس از آن هرگز  
به عطر (دنیا) نیازمند  
نشدم».<sup>۳</sup>

نظیر این روایت [با  
تفاوت مختصر] از امام  
صادق (ع) نیز نقل شده  
است که او نیز از زبان  
فاطمه زهرا (س) نقل  
کرده است.

۱۶. در سوره نور،

آیه ۳۵ می‌فرماید: [اللَّهُ  
نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ  
كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي  
زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ  
يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا  
شَرْقِيَّةٍ وَ لَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ  
وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ  
يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَضْرِبُ  
اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ  
عَلِيمٌ]؛ «خداوند نور  
آسمانها و زمین است  
مثل نور خداوند همانند

۳. البرهان فی تفسیر القرآن،  
سید هاشم بحرانی، بنیاد بعثت،  
تهران، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق، ج ۴،  
ص ۱۰۴؛ القرآن و فضائل اهل  
البیت، محمد صالح اندیمشکی،  
انتشارات ذوی القربی، قم، چاپ  
اول، ۱۳۸۳ ش، ص ۳۵۹.

چراغدانی است که در آن چراغی (پرفروغ) باشد، آن چراغ در حبابی قرار گیرد، حبابی شفاف و درخشنده همچون یک ستاره فروزان، این چراغ با روغنی افروخته می‌شود که از درخت پربرکت زیتونی گرفته شده که نه شرقی است و نه غربی (روغنش آن چنان صاف و خالص است که) نزدیک است بدون تماس با آتش شعله ور شود، نوری است بر فراز نوری و خدا هر کس را بخواهد به نور خود هدایت می‌کند، خداوند برای مردم مثلها می‌زند و خداوند به هر چیزی داناست.»

در تفسیر این آیه شریفه که به عنوان «آیه نور» معروف شده، سخن بسیار است؛ مفسران، فلاسفه و عرفای اسلامی هر کدام بحث‌های فراوان دارند، و در روایات متعدد نیز مصادیق مختلف برای کلمات «مشکاة» و «مصباح» و «زجاجه» و «کوکب درّی» بیان شده است.

در روایتی از امام صادق (ع) «مشکاة» و «کوکب درّی» به فاطمه (س) تفسیر شده که بخشی از آن روایت را در

اینجا نقل می‌کنیم: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي قَوْلِ اللَّهِ

تعالی : [اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ] مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فَاطِمَةٌ (س) [فِيهَا مِصْبَاحٌ] [الْحَسَنُ] [الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ] [الْحُسَيْنُ] [الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ] فَاطِمَةٌ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ بَيْنَ نِسَاءِ أَهْلِ الدُّنْيَا [يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مَبِ ارَكَةٍ] [إِبْرَاهِيمُ] (ع) [زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ] لَا يَهُودِيَّةٍ وَلَا نَصْرَانِيَّةٍ [يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ] [يَكَادُ الْعِلْمُ يَنْعَجِرُ بِهَا] [وَلَوْ لَمْ تَمَسَّهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ] [إِمَامٌ مِنْهَا بَعْدَ إِمَامٍ] [كَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ] [يَهْدِي اللَّهُ لِلْأَيِّمَةِ مَنْ يَشَاءُ] ؛<sup>۱</sup>

امام صادق (ع) در تفسیر کلام خدای تعالی [اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... ] فرمود: منظور از "مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ" فاطمه (س) است، منظور از "فِيهَا مِصْبَاحٌ" [امام] حسن (ع) است و مقصود از "الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ" [امام] حسین (ع) است و مفهوم "الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ" این است که فاطمه (س) ستاره فروزانی است در میان زنان جهان، مراد از "يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مَبَارَكَةٍ" [حضرت] ابراهیم (ع) است و مفهوم "زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ" این است

۱. اصول کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۱۹۵، ح ۵؛ مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، علی بن جعفر عریضی (فرزند امام صادق (%))، مؤسسه آل البیت، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق، ص ۳۱۶ و ۳۱۷، ح ۷۹۵؛ نور الثقلین، حویزی، ج ۳، ص ۶۰۲، ح ۱۶۹.

که ابراهیم (ع) نه  
 یهودی بود و نه نصرانی  
 و منظور از "يَكَادُ زَيْتَهَا  
 يُضِيءُ" این است که  
 نزدیک است علم این  
 خانواده منفجر و در  
 جهان منتشر گردد و  
 مقصود از "وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ  
 نُورٌ عَلَى نُورٍ" این است که  
 امامان از این خانواده  
 یکی پس از دیگری  
 عهده دار وظیفه امامت  
 می‌باشند و معنی "يَهْدِي اللَّهُ  
 لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ" چنین است  
 که خدا هر کس را  
 بخواهد برای معرفت  
 امامان (هدایت و  
 راهنمایی می‌کند.»

۱۷. در سوره نور آیه  
 ۳۶ و ۳۷ می‌فرماید: [فِي  
 بُيُوتِ اٰذِنِ اللّٰهِ اَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا  
 اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ  
 \* رَجَالٌ لَا تُلْهِيمُهُمْ تِجَارَةً وَّ لَا بَيْعًا عَن  
 ذِكْرِ اللّٰهِ وَ اِقَامِ الصَّلَاةِ وَ اِيتَاءِ الزَّكَاةِ  
 يَخَافُوْنَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ  
 الْاَبْصَارُ]؛ «(این چراغ  
 پرفروغ) در خانه هایی  
 قرار دارد که خدا اذن  
 فرموده دیوارهای آن را  
 بالا برند (تا از  
 دستبرد شیاطین و  
 هوسبازان در امان  
 باشد)؛ خانه هایی که  
 نام خدا در آنها برده  
 می‌شود، و صبح و شام در  
 آنها تسبیح می‌گویند؛  
 مردانی که نه تجارت و  
 نه معامله ای آنان را

از یاد خدا و برپا  
 داشتن نماز و ادای  
 زکات غافل نمی‌کند،  
 آنها از روزی می‌ترسند  
 که در آن، دلها و  
 چشمها زیر و رو  
 می‌شود.»

با توجه به  
 نشانه هایی که در این  
 دو آیه برای «بیوت =  
 خانه ها» بیان شده،  
 معلوم می‌شود آن  
 خانه‌ها، به خاطر شرافت  
 اهلشان از فضیلت خاصی  
 برخوردارند؛ از قبیل  
 خانه‌ها و حریمهای  
 پیامبران و امامان و  
 اولیای خدا و مساجد و  
 هر جایی که محل عبادت  
 خدا و بیان احکام الهی  
 باشد.

دو نفر از اصحاب  
 پیامبر (ص) به نام  
 «أنس» و «بریده» نقل  
 کرده‌اند: هنگامی که  
 رسول خدا (ص) این آیه  
 را تلاوت کرد، مردی  
 بلند شد و عرض کرد: یا  
 رسول الله! این خانه‌ها  
 کدامند؟ فرمود: «بُيُوتُ  
 الْأَنْبِيَاءِ؛ خانه های  
 پیامبران» در اینجا  
 خلیفه اول اشاره به  
 خانه علی و فاطمه کرد  
 و گفت: «هَذَا الْبَيْتُ مِنْهَا؟؛  
 آیا این خانه نیز از  
 آنهاست؟» فرمود: «نَعَمْ، مِنْ  
 أَفْضَلِهَا؛ آری [این خانه]

از برترین آنهاست»<sup>۱</sup>  
 از این حدیث معلوم می‌شود که «بُئُوت» مفهومی وسیع دارد و شامل همه مکانهای مقدس می‌شود، ولی همه آنها در شرافت یکسان نیستند؛ بلکه درجات مختلف دارند که برخی شریف و برخی شریف تر است و خانه علی و فاطمه ۳ جزء شریف ترها می‌باشد.

۱۸. در سوره احزاب، آیه ۵۷ و ۵۸ می‌فرماید: [إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا\* وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ]؛ «آنها که خدا و پیامبرش را آزار می‌دهند، خدا آنان را از رحمت خود در دنیا و آخرت دور ساخته، و برای آنها عذاب خوار کننده ای آماده کرده است؛ و آنان که مردان و زنان با ایمان را به خاطر کاری که انجام نداده‌اند، آزار می‌دهند، بار بهتان و گناه آشکاری را به دوش کشیده‌اند.»

علامه طباطبایی ( در تفسیر این آیه می‌نویسد: «بدیهی است که خدای سبحان، منزّه از این است که مورد اذیت و آزار قرار گیرد و نقصی به ساحت مقدس او راه یابد، لذا از ذکر نام خدا همراه پیامبر و شریک کردن هر دو در اذیت شدن در این آیه، معلوم می‌شود این نوع تعبیر برای احترام به پیامبر و بیان شرافت اوست و اشاره بر این است که هر کس قصد سوئی نسبت به پیامبر کند به خدا کرده است، چون رسول خدا از آن جهت که رسول است، هدفی جز خداوند ندارد، پس هر کس که او را قصد کند (به خیر یا شر) در واقع خدا را قصد کرده است.»<sup>۲</sup>

علی بن ابراهیم قمی) در تفسیر آیه اول می‌گوید: این آیه درباره کسانی نازل شده است که حق علی (ع) را غصب نموده و حق فاطمه (س) را گرفته و اذیتش کرده‌اند؛ زیرا رسول خدا (ص) فرموده است: «مَنْ أَدَاهَا فِي حَيَاتِي ، كَمَنْ أَدَاهَا بَعْدَ مَوْتِي وَ مَنْ أَدَاهَا بَعْدَ مَوْتِي كَمَنْ أَدَاهَا

۱. تفسیر فرات کوفی، فرات بن ابراهیم، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق، ص ۲۷۶ و ۲۷۷؛ مجمع البیان، طبرسی، انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق، ج ۷، ص ۲۲۷؛ القرآن و فضائل اهل البيت، صالحی، ص ۳۵۴.

۲. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبایی، مترجم سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۶، ص ۳۳۸.



فِي حَيَاتِي وَ مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَ مَنْ  
 آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ [إِنَّ  
 الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ] <sup>۱</sup> الْآيَةُ <sup>۲</sup>؛  
 کسی که در حیات من او  
 (فاطمه) را اذیت کند،  
 مثل کسی است که پس از  
 مرگ من او را اذیت کرده  
 است و کسی که پس از مرگ  
 من او را اذیت کند، مثل  
 کسی است که در حال حیات  
 من او را اذیت کرده است  
 و کسی که به او اذیت  
 کند به من اذیت کرده  
 است و کسی که به من  
 اذیت کند به خدا اذیت  
 کرده است و این است  
 (مضمون) کلام خدا [که  
 فرمود: ] [إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَ  
 رَسُولَهُ] تا آخر آیه».

ایشان (قمی) در  
 تفسیر آیه بعدی نیز  
 می‌گوید: «وَ قَوْلُهُ [إِنَّ الَّذِينَ  
 يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ] یعنی  
 عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ؛ مقصود از  
 "مؤمنین و مؤمنات" در  
 این آیه، علی و فاطمه <sup>۳</sup>  
 است.» سپس می‌گوید: «وَ  
 هِيَ جَارِيَةٌ فِي النَّاسِ كُلِّهِمْ؛ این  
 آیه درباره همه مردم  
 (مؤمن و مؤمنه) جریان  
 دارد.» <sup>۴</sup>

از سخن این مفسر  
 بزرگ معلوم می‌شود که  
 مفهوم این آیه وسیع

است و شامل همه مؤمنین  
 و مؤمنات می‌شود. یعنی  
 هر کسی در هر زمان،  
 مرد یا زن مؤمن  
 بی‌تقصیر را اذیت کند،  
 همان گناهی که در این  
 آیه وعده داده شده،  
 دامنگیرش می‌شود.

با سندهای متعدد از  
 پیامبر اکرم (ص) روایت  
 شده که فرموده است: «يَا  
 فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضَبُ لِعِغْصِكَ وَ  
 يَرْضَى لِرِضَاكِ؛ ای فاطمه!

به درستی که خداوند  
 برای غضب تو، غضب میکند  
 و به خاطر رضای تو،  
 راضی می‌شود.» شخصی به  
 نام «سَنْدَلُ» درباره همین  
 روایت از امام صادق (ع)  
 توضیحی خواست (چطور  
 ممکن است که رضایت و  
 غضب فاطمه (س) موجب  
 رضایت و غضب خدا  
 باشد؟! امام در پاسخ

او فرمود: «يَا سَنْدَلُ أَلَسْتُمْ  
 رُؤْيَيْتُمْ فِيمَا تَرَوُونَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى  
 يَغْضَبُ لِعِغْصِ عِبْدِهِ الْمُؤْمِنِ وَ يَرْضَى  
 لِرِضَاةِ؟ قَالَ: بَلَى. قَالَ: فَمَا تُتَكْرَرُ أَنْ  
 تَكُونَ فَاطِمَةَ (س) مُؤْمِنَةً يَغْضَبُ اللَّهُ  
 لِعِغْصِهَا وَ يَرْضَى لِرِضَاةِهَا؟ قَالَ سَنْدَلُ  
 [اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رَسُولَهُ]؛<sup>۵</sup> ای

سندل! آیا در میان  
 روایاتی که به شما  
 رسیده این روایت وجود

۴. انعام/۱۲۴.  
 ۵. مناقب آل ابی طالب، محمد بن  
 علی بن شهر آشوب مازندرانی،  
 علامه، قم، چ اپ اول، ۱۳۷۹ ق، ج  
 ۳، ص ۳۲۵.

۱. احزاب / ۵۷.  
 ۲. تفسیر قمی، علی بن ابراهیم  
 قمی، دار الکتب، قم، چاپ  
 چهارم، ۱۳۶۷ ش، ج ۲، ص ۶۹۶.  
 ۳. همان.

ندارد که خدای تعالی به خاطر غضب بنده مؤمنش غضب می‌کند و به خاطر رضایت او راضی می‌شود؟ عرض کرد: آری، (این روایت وجود دارد).

فرمود: پس چرا قبول نداری فاطمه (س) مؤمنه‌ای باشد که خدا به خاطر غضب او غضب کند و به خاطر رضایت او راضی شود؟! در اینجا سندل [قانع شد و از خوشحالی و برای اظهار پذیرش استدلال امام، بخشی از آیه ۱۲۴ سوره انعام را خواند و] گفت: خدا آگاه‌تر است که رسالت خود را کجا قرار دهد. «کنایه از این‌که واقعاً تو امام هستی و خدا تو را به حق برای امامت تعیین کرده است»

۱۹. در سوره اسراء، آیه ۲۸ در مورد انفاق و کمک به مستمندان، به پیامبر اکرم (ص) دستور می‌دهد: **«وَأِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا»**؛ «و اگر به امید رحمتی که از پروردگارت جویای آنی، از ایشان روی می‌گردانی، پس با آنان سخنی نرم بگوی.»

روایت شده است که بعد از نزول آیه فوق، هر گاه کسی از پیامبر (ص) درخواست کمک می‌کرد و

حضرت چیزی نداشت به او بدهد، می‌فرمود: **«يَرْزُقْنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ مِنْ فَضْلِهِ»** امیدوارم خدا ما و شما را از فضل خود روزی دهد»

ابن شهر آشوب<sup>۱</sup> از چند کتاب اهل سنت مطالبی را نقل کرده که خلاصه آنها چنین است: فاطمه (س) از زیادی کار در منزل خسته می‌شد و در اثر دستاس کردن، دستهایش تاول زده بود، زمانی بود که تعدادی از اسیران جنگی در اختیار رسول خدا (ص) بود، فاطمه (س) به پیشنهاد علی (ع) خدمت پیامبر آمد، وضعیت خود را بیان کرد و درخواست نمود که یکی از اسیران را به عنوان «کنیز» به فاطمه بدهد تا در کارهای منزل به او کمک کند، پیامبر (ص) از مشاهده حال دخترش گریه کرد و فرمود: من این اسیران را می‌فروشم و پول آن را به اهل «صَفَه»<sup>۲</sup> خرج می‌کنم و در آنجا چهار صد مرد زندگی می‌کنند که غذا و لباس کافی ندارند! اگر از یک خصلتی

۱. مجمع ابیان، طبرسی، ج ۶، ص ۶۳۵، (بهتر است این روایت قبل از روایت ابن شهر آشوب نوشته شود).

۲. صفه، محلی بود که در کنار مسجد پیامبر برای افراد بی‌خانمان تعیین شده بود، اکنون جزء مسجد قرار گرفته است

نمی‌ترسیدم خواسته تو را انجام می‌دادم، ولی من نمی‌خواهم اجر و پاداش تو به خاطر «کنیز گرفتن»، ناقص گردد. سپس تسبیح حضرت زهراء (۳۴) بار الله اکبر، ۳۳ بار الحمد لله و ۳۳ بار سُبْحَانَ اللَّهِ را به او یاد داد، علی (ع) فرمود: تو دنیا می‌خواستی ولی رسول خدا (ص) ثواب و پاداش اخروی برای ما عطاء کرد.

بعد از این جریان بود که آیه [وَأِمَّا تُعْرَضْنَ عَنْهُمْ أْبْنَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوها فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَبْسُورًا] نازل شد و پس از نزول این آیه، حضرت یک کنیز برای خدمت نزد فاطمه (س) فرستاد و او را «فضّه» نامید.<sup>۱</sup>

«فضّه» در محضر فاطمه زهراء (س) چنان تربیت شد که به مقام والایی از معرفت رسید، به حدی که حرف زدن او با آیات قرآن بود، شخصی می‌گوید: روزی در بیابان از قافله عقب مانده و تنها بودم، زنی را دیدم، گفتم: تو کیستی؟ گفت: [وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ] سلام دادم و گفتم: اینجا

چکار می‌کنی؟ گفت: [مَنْ يَهْدِي اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُصِلٍ] گفتم: تو از جن هستی یا انسان؟ گفت: [يَا بَنِي آدَمُ خُذُوا زِينَتَكُمْ] گفتم: از کجا می‌آیی؟ گفت: [يُنَادُونَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ] گفتم: به کجا می‌روی؟ گفت: [وَاللَّهُ عَلَى النَّاسِ حَاجُّ الْبَيْتِ] گفتم: کی از قافله جدا شده و گم شده ای؟ گفت: [وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَكْثَامٍ] گفتم: می‌خواهی غذا بخوری؟ گفت: [وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ] غذا دادم و گفتم: با عجله و سرعت حرکت کن، گفت: [لَا يَكْفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا] گفتم: بیا پشت سر من به مرکب من سوار شو، گفت: [لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا] پیاده شدم، او سوار شد و گفت: [سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ] رفتیم تا اینکه به کاروانی نزدیک شدیم، گفتم: در این کاروان کسی از خویشان تو هست؟ گفت: [يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي

۳. زمر/۳۷.  
۴. اعراف/۳۱.  
۵. فصلت/۴۴.  
۶. آل عمران/۹۷.  
۷. ق/۳۸.  
۸. انبیاء/۸.  
۹. بقره/۲۸۶.  
۱۰. انبیاء/۲۲.  
۱۱. زخرف/۱۳.

۱. مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۴۱ و ۳۴۲؛ نور الثقلین، حویزی، ج ۳، ص ۱۵۷؛ القرآن و فضائل اهل البيت، صالحی، ص ۲۸۵.  
۲. زخرف/۸۹.

الْأَرْضِ] <sup>۱</sup>، [وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا  
الرَّسُولُ] <sup>۲</sup>، [يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ] <sup>۳</sup>  
و [يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ] <sup>۴</sup> از  
خواندن این چهار آیه  
فهمیدم که چهار نفر از  
خویشان او (با نام های  
داود، محمد، یحیی و  
موسی) در این کاروان  
هستند. در همین حال  
دیدم چهار جوان از  
کاروان جدا شده و با  
سرعت به سوی او می آیند،  
گفتم: آنها کیستند؟  
گفت: [الْمَالِ وَ الْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ  
الدُّنْيَا] <sup>۵</sup> فهمیدم فرزندان  
هستند، وقتی که آنها  
رسیدند، به آنها گفت:  
[يَا آيَتِ اسْتَأْجِرُهُ إِنَّ خَيْرَ مَنْ  
اسْتَأْجَرَ الْقَوِيَّ الْأَمِينُ] <sup>۶</sup> آنها  
در مقابل زحمت من،  
اموالی به من دادند  
گفت: [وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ] <sup>۷</sup>  
باز هم هدایایی به من  
دادند، از آنها پرسیدم  
این خانم کیست؟! گفتند:  
مادرمان «فضه» کنیز  
فاطمه زهراء (س) است،  
بیست سال است که جز  
قرآن سخن دیگری  
نمی گوید. <sup>۸</sup>  
۲۰. در سورة  
ابراهیم، آی ۲۴ و ۲۵

می فرماید: [أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ  
اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ  
أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ \*  
تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَ  
يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ  
يَتَذَكَّرُونَ]؛ «آیا ندیدی  
چگونه خدا مثل زده  
است: کلمه طیبه (و  
گفتار پاکیزه) را به  
درخت پاکیزه ای تشبیه  
کرده که ریشه آن (در  
زمین) ثابت، و شاخه آن  
در آسمان است؟! هر  
زمان میوه خود را به  
اذن پروردگارش می دهد.  
و خدا برای مردم مثلها  
می زند، شاید متذکر  
شوند (و پند گیرند).»  
حاکم حسکانی (از  
مفسران اهل سنت) با سند  
خود از «سَلَامُ خُثْعَمَى»  
روایت کرده که می گوید:  
خدمت امام باقر (ع)  
رفتم و تفسیر این آیه  
را از او پرسیدم،  
فرمود: «يَا سَلَامُ الشَّجَرَةَ  
مُحَمَّدٌ، وَ الْفَرْعُ عَلِيٌّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ،  
وَ النَّوْمُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ! وَ الْعُصْنُ  
فَاطِمَةُ، وَ شَعْبٌ ذَلِكَ الْعُصْنُ الْأَيُّمَةُ  
مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ (س)، وَ الْوَرَقُ  
شَيْعَتَنَا وَ مُحِبُّونَا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَإِذَا مَاتَ  
مِنْ شَيْعَتِنَا رَجُلٌ تَنَاطَرَ مِنَ الشَّجَرَةِ  
وَرَقَةً، وَ إِذَا وُلِدَ لِمُحِبِّينَا مَوْلُودٌ أَحْضَرُ  
مَكَانَ تِلْكَ الْوَرَقَةِ وَ رَقَةً فَقُلْتُ: يَا ابْنَ  
رَسُولِ اللَّهِ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: [تُؤْتِي  
أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا] مَا يَعْني  
قَالَ: يَعْني الْأَيُّمَةُ تُؤْتِي شَيْعَتَهُمْ فِي  
الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ فِي كُلِّ حَجٍّ وَ

۱. ص/ ۲۶، (وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا  
رَسُولٌ)؛ آل عمران/ ۱۴۴.  
۲. آل عمران/ ۱۴۴.  
۳. مریم/ ۱۲.  
۴. قصص/ ۳۰.  
۵. كهف/ ۴۶.  
۶. قصص/ ۲۶.  
۷. بقره/ ۲۶۱.  
۸. مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۳،  
ص ۳۴۳ و ۳۴۴.

عُمَرَةَ؛<sup>۱</sup> ای سلام! منظور از شجره طیبه محمد (ص) است و فرع آن علی امیر مؤمنان (ع) است، میوه آن حسن و حسین و شاخه آن فاطمه (س) است، و شعبه های آن شاخه، امامان (از فرزندان فاطمه (س) است، شیعیان و دوستان ما اهل بیت برگهای آن هستند، هر گاه یکی از شیعیان ما بمیرد یک برگ از آن می افتد و هنگامی که کودکی برای دوستان ما متولد می شود، برگی به جای برگ قبلی سبز می گردد. عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، مقصود از قول خداوند [که می فرماید]: [تَوْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا] چیست؟ امام فرمود: مقصود امامان (هستند که درباره حلال و حرام، در موسم حج و عمره برای شیعیان شان فتوا می دهند.)

شبهه این حدیث را شیخ کلینی (از عمرو بن حریث روایت کرده که می گوید: از امام صادق (ع) سؤال کردم: منظور از آیه [كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ] چیست؟

فرمود: «رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَصْلُهَا وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) فَرْعُهَا وَ الْأَيْمَةُ مِنْ ذُرِّيَّتَيْهَا أَغْصَانُهَا وَ عِلْمُ الْأَيْمَةِ ثَمَرَتُهَا وَ شِيعَتُهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَ رَفْقُهَا هَلْ فِيهَا فَضْلٌ لِي قَالَ قُلْتُ لَا وَ اللَّهُ قَالَ وَ اللَّهُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُؤَلِّدُ فَتَوْرَقُ وَ رَفَقَةٌ فِيهَا وَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ

لَيَمُوتُ فَتَسْقُطُ وَ رَفَقَةٌ مِنْهَا؛<sup>۲</sup> رسول خدا (ص) اصل آن شجره، و امیر مؤمنان (ع) فرع آن، و امامان (از ذریعه آنها شاخه های آن و علم امامان ثمره اش است، و شیعیان مؤمن برگهای آن هستند، آیا در این (مطالب) شک و تردیدی هست؟ عرض کردم: نه، و الله، در ادامه فرمود: به خدا سوگند، وقتی که مؤمن به دنیا می آید، یک برگ بر آن (درخت) می روید، و زمانی که می میرد، یک برگ از آن می افتد.»

از ابن عباس روایت شده که: «قَالَ جَبْرَائِيلُ (ع) لِلنَّبِيِّ (ص): أَنْتَ يَا مُحَمَّدُ الشَّجَرَةُ وَ عَلِيٌّ غُصْنُهَا وَ فَاطِمَةُ وَ رَفْقُهَا وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثَمَرُهَا؛<sup>۳</sup> جبرئیل (ع) به پیامبر (ص) گفت: تو، درختی، علی شاخه آن، فاطمه برگ آن، و حسن و حسین میوه هایش هستند.»<sup>۲۱</sup> در سوره توبه،

۱. شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، عبید الله بن أحمد حسکانی، انتشارات ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۴۰۶. با تفاوت جزئی در تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۱۹، و مجمع البیان، ج ۶، ص ۶۸۰.

۲. کافی، کلینی، ج ۱، ص ۴۲۸، ح ۸۰.  
۳. مجمع البیان، طبرسی، ج ۶، ص ۴۸۰.

آیه ۱۱۹ می‌فرماید : [يَا  
**أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ  
 الصَّادِقِينَ**]؛ «ای کسانی که  
 ایمان آورده اید ! از  
 (مخالفت فرمان ) خدا  
 بپرهیزید، و با صادقان  
 باشید.»  
 در این که منظور از  
 «صادقین» چه کسانی  
 هستند، مفسران احتمالات  
 گوناگون داده اند، ولی  
 از کلمات خود آیه و از  
 روایات بسیاری استفاده  
 می‌شود که منظور از  
 «صادقین» در این آیه  
 فقط معصومین) هستند، به  
 دلیل این‌که در این آیه  
 نفرموده : **«كُونُوا مِنَ  
 الصَّادِقِينَ»** (از صادقان  
 باشید) تا همه مؤمنان  
 راستین را شامل گردد،  
 بلکه فرموده : **[كُونُوا مَعَ  
 الصَّادِقِينَ]**؛ «همراه صادقان  
 باشید» و منظور از  
 همراه بودن این نیست  
 که انسان همنشین آنها  
 باشد، بلکه منظور آن  
 است که پیرو و تابع  
 آنها شوید، و می‌دانیم  
 که خدای حکیم هرگز به  
 پیروی و اطاعت بدون  
 قید و شرط از افراد  
 غیر معصوم دستور  
 نمی‌دهد، از دستور مطلق  
 و بی قید و شرط به  
 پیروی و تبعیت از  
 «صادقان» در این آیه  
 می‌فهمیم که مصادیق این  
 عنوان، همه باید معصوم

باشند و بر افراد غیر  
 معصوم شامل نمی‌گردد.  
 در روایات بسیاری با  
 عبارات مختلف، روی این  
 مسأله تأکید شده است  
 که عنوان «صادقین» فقط  
 با معصومین ( تطبیق  
 می‌کند که در اینجا به  
 یک مورد از آن اشاره  
 می‌کنیم.  
 از پیامبر اکرم (ص)  
 سؤال شد : منظور از  
 «صادقین» در این آیه  
 چیست؟ فرمود : **«هُمْ عَلِيٌّ وَ  
 فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ ذُرِّيَّتُهُمُ  
 الطَّاهِرُونَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»** <sup>۱</sup> آنان  
 [عبارت‌اند از : علی و  
 فاطمه و حسن و حسین و  
 اولاد طاهر و پاک آنها  
 تا قیامت].  
 از این روایت معلوم  
 می‌شود حضرت فاطمه (س)  
 نیز از مصادیق «صادقین»  
 می‌باشد، و از عنوان  
 «طاهرون» نیز استفاده  
 می‌شود که از اولاد اینها  
 فقط کسانی می‌توانند جزء  
 «صادقین» قرار گیرند که  
 از هر نظر طاهر باشند  
 و از مجموع مطالب  
 این آیه و روایات  
 مربوط به آن روشن  
 می‌گردد که همه مؤمنان  
 موظفند از همه چهارده  
 معصوم) پیروی نمایند و  
 گرنه، از دستور خدا  
 تخلف کرده‌اند.

۱. البرهان، بحرانی، ج ۲، ص ۸۶۵، ج ۱۴؛ القرآن و فضائل اهل  
 البيت، صالحی، ص ۲۰۶.

۲۲. در سورة آل عمران، آیه ۳۳ و ۳۴ می‌فرماید: **إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ \* ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ**؛ «به یقین خدا، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برتری داد. فرزندان آنی که بعضی از آنها از بعض دیگرند و خدا، شنوای داناست» در تفسیر آیه فوق نقل کرده‌اند: روزی حضرت فاطمه (س) با عایشه در منزل بودند و هر کدام از آنها افتخارات خود را بیان می‌کردند، در همان حال رسول خدا (ص) وارد منزل شد، دید رنگ صورتهایشان سرخ شده است، علت را پرسید، جریان مفاخره خودشان را به او اطلاع دادند. در اینجا حضرت فرمود: **«يَا آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ حَمْزَةَ وَ جَعْفَرَ وَ فَاطِمَةَ وَ خَدِيجَةَ عَلَى الْعَالَمِينَ**؛ ای عایشه! آیا نمی‌دانی؟! خدای حکیم آدم، نوح، خاندان ابراهیم، خاندان عمران، علی، حسن، حسین، حمزه، جعفر، فاطمه و خدیجه را بر جهانیان برتری داده

است».

سدير بن حكيم

می‌گوید: امام باقر (ع) در تفسیر آیه فوق

فرمود: **«نَحْنُ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ بَقِيَّةُ**

**تِلْكَ الْعِنْتَرَةِ**؛ ما از همان

خاندان هستیم و ما

بقیه آن عترت هستیم.»

روز عاشورا امام

حسین (ع) در مقابل

دشمنان چنین دعا کرد:

**«اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّكَ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ قَرَابَتِهِ فَأَقْصِمِ مَنْ ظَلَمَنَا وَ غَضَبَنَا حَقًّا**

**إِنَّكَ سَمِيعٌ قَرِيبٌ**؛ خداوندا!

ما اهل بیت پیامبر تو و

ذریه او و نزدیکان او

هستیم. پس هر که را که

به ما ظلم کرد و حقمان

را غضب نمود، نابود کن

به درستی که تو شنوای

نزدیک هستی.» در اینجا

«اشعث بن قیس» جسارت

کرد و گفت: تو، چه

حرمتی و چه قرابتی با

پیامبر اسلام داری؟!

امام، آیه فوق را خواند

و پس از آن فرمود: **«وَ اللَّهُ**

**إِنَّ مُحَمَّدًا لَمِنْ آلِ إِبْرَاهِيمَ وَ إِنَّ**

**الْعِنْتَرَةَ الْهَادِيَةَ لَمِنْ آلِ مُحَمَّدٍ**؛ به

خدا سوگند، (جدم) محمد

از آل ابراهیم است، و

عترت هدایتگر نیز از آل

محمد هستند.»

بعد فرمود: آن مرد

کیست؟ گفتند: محمد بن

اشعث است. سپس بر او

چنین نفرین کرد: **«اللَّهُمَّ ارِ**

تاریخ و سیره - سیمای فاطمه از دیدگاه قرآن (۱)

مسابقان

31

۲. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۸؛ البرهان، بحرانی، ج ۱، ص ۶۱۴.

۱. تفسیر فرات کوفی، ص ۸۰، ج ۵۶؛ القرآن و فضائل اهل البيت، صالحی، ص ۵۳.

مُحَمَّدَ بْنَ الْأَشْعَثِ دَلًّا فِي هَذَا الْيَوْمِ لَا تُعِزُّهُ بَعْدَ هَذَا الْيَوْمِ أَجَلًا؛ خدایا ! همین امروز بر محمد بن اشعث ذلت و خواری نشان بده، و بعد از این هرگز او را عزیز نکن!» چند لحظه پس از نفرین امام، محمد بن اشعث برای ق ضای حاجت از لشکر فاصله گرفت و در گوشه ای نشست، خداوند عقربی را بر او مسلط کرد که او را نیش زد و در همان حال که عورتش مکشوف بود، فریاد می‌کشید و روی مدفوع خود می‌غلطید تا به هلاکت رسید.<sup>۱</sup>

۲۳. در سورة فجر، آیه ۲۷ - ۳۰ می‌فرماید: [يا أَيَّتْهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ \* ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً \* فَادْخُلِي فِي عِبَادِي \* وَادْخُلِي جَنَّتِي]؛ «تو ای روح آرام یافته ! به سوی پروردگارت بازگرد در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است، پس در [سلک] بندگانم درآی، و در بهشتم وارد شو». در تفسیر این آیات، احادیث بسیاری با مضامین گوناگون وجود دارد، با نقل یکی از آنها این بخش از مقاله را به پایان می‌بریم. شیخ کلینی با سند

خود از «سدير صيرفي» روایت کرده که می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: فدایت شوم آیا مؤمن از قبض روحش ناراضی می‌باشد؟! فرمود: «لَا وَاللَّهِ إِنَّهُ إِذَا آتَاهُ مَلَكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِ رُوحِهِ جَزَعٌ عِنْدَ ذَلِكَ فَيَقُولُ لَهُ مَلِكُ الْمَوْتِ يَا وَلِيَّ اللَّهِ لَا تَجْزَعَنَّ فَوَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا (ص) لَأَنَا أَيْرُ بِكَ وَ أَشْفَقُ عَلَيْكَ مِنَ وَالِدِجِيمِ لَوْ حَصَرَكَ أَفْتَحَ عَيْنَيْكَ فَانظُرْ قَالَ وَ يَمِثُّ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَيْمَةَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمْ) فَيَقَالَ لَهُ هَذَا رَسُولُ اللَّهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَيْمَةَ رُفَقَاؤُكَ قَالَ فَيَفْتَحُ عَيْنَيْهِ فَيَنْظُرُ فَيَنَادِي رُوحَهُ مَتَادٍ مِنْ قَبْلِ رَبِّ الْعِزَّةِ فَيَقُولُ [يا أَيَّتْهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ] إِلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ [ارْجِعِي إِلَى رَبِّكَ رَاضِيَةً] بِالْوَلَايَةِ [مَرْضِيَّةً] بِاللَّتَوَابِ [فَادْخُلِي فِي عِبَادِي] [يَعْنِي مُحَمَّدًا وَ أَهْلَ بَيْتِهِ] [وَ ادْخُلِي جَنَّتِي] [فَمَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ اسْتِيلَالِ رُوحِهِ وَ اللُّحُوقِ بِالْمَتَادِي]؛<sup>۲</sup>

نه به خدا سوگند، هنگامی که فرشته مرگ برای قبض روحش می‌آید اظهار ناراحتی می‌کند، فرشته مرگ می‌گوید: ای ولی خدا ناراحت نباش! سوگند به آن کس که محمد (ص) را مبعوث کرده

۲. الكافي، شيخ كليني، ج ۳، ص ۱۲۷ و ۱۲۸، باب ان المؤمن لا يكره على قبض روحه، ح ۲؛ البرهان، بحراني، ج ۵، ص ۶۵۷، ح ۳؛ نور الثقلين، حويزي، ج ۵، ص ۵۷۸، ح ۲۸؛ تفسير فرات، ص ۵۵۴.

۱. عوالم العلوم، بحراني اصفهاني، ج ۱۷، ص ۱۶۶؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۵۸.



من بر تو مهربان ترم از پدر مهربان، درست چشمهایت را بگشا و ببین، در همین حال، رسول خدا (ص) و امیر مؤمنان (ع) و فاطمه (س) و حسن (ع) و حسین (ع) و امامان از ذریه آنان در نظر او مجسم می‌شوند، در همین حال به او گفته می‌شود: این رسول خدا و امیر مؤمنان و فاطمه و حسن و حسین و امامان؛ دوستان و رفقای تواند او چشمانش را باز می‌کند و نگاه می‌کند، ناگهان «منادی» (گوینده ای) از سوی پروردگار بزرگ به روحش ندا می‌دهد، و می‌گوید:

[يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ] ای کسی که به محمد و خاندانش اطمینان داشتی! بازگرد به سوی پروردگارت، در جای که تو به ولایت آنها راضی هستی، و خدا با ثوابش از تو خشنود است، داخل شو در میان بندگانم یعنی محمد و اهل بیتش) و داخل شو در بهشتم، در این هنگام چیزی برای مؤمن محبوبتر از آن نیست که هر چه زودتر روحش از تن جدا شود و به این منادی پیوندد!

۲۴. در سوره مؤمنون

آیه ۱ تا ۱۱ می

فرماید: [قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ وَ الَّذِينَ هُمْ

عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ وَ الَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ وَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ رَاعُونَ وَ الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ]؛ «به

راستی که مؤمنان رستگار شدند، همانان که در نمازشان فروتنند، و آنان که از بیهوده رویگردانند، و آنان که زکات می پردازند، و کسانی که پاکدامند، مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده اند، که در این صورت بر آنان نکوهشی نیست. پس هر که فراتر از این جوید، آنان از حد درگذرندگانند. و آنان که امانتها و پیمان خود را رعایت می کنند، و آنان که بر نمازهایشان مواظبت می نمایند، آنانند که خود وارثانند، همانان که بهشت را به ارث می برند و در آنجا جاودان می مانند.»

روشن است که اوصاف مذکور در این آیات به اکثر مؤمنان (با اختلاف درجات) شامل می شود، ولی در رأس همه مؤمنان، چهارده معصوم قرار دارند و در برخی

روایات پنج تن اصحاب  
کساء را نام برده اند  
که از مصادیق بارز این  
آیات هستند.

امام موسی بن جعفر  
از پدر بزرگوارش امام  
صادق<sup>ع</sup> روایت نموده که  
در شأن نزول این یازده  
آیه فرمود : «نَزَلَتْ فِي  
رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ  
(ع) وَ فَاطِمَةَ (س) وَ الْحَسَنِ وَ  
الْحُسَيْنِ<sup>ع</sup>؛<sup>۱</sup> [ این آیات ]  
نازل شد در شأن رسول  
خدا (ص) و امیر مؤمنین  
(ع) و فاطمه [ زهرا ] (س)  
و [ امام ] حسن و [ امام ]  
حسین<sup>ع</sup>.»

ادامه دارد...

۱. البرهان، ج ۴، ص ۱۱ و بحار  
الانوار، ج ۲۳، ص ۳۸۶.



«نمونه‌هایی از خودیهای اهل بیت (علیهم‌السلام)» عبدالله رضوانشهری

سی رسید . . . «و من اهل بیت»

رَجُلًا مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ حَتَّى نَشَأَ ابْنَهُ  
الْمَشْتُومَ عَبْدَ اللَّهِ . . .<sup>۱</sup> همواره  
زبیر مردی از ما اهل  
بیت بود تا آنکه پسر  
شوم او، عبدالله رشد کرد  
[و به دوران جوانی  
رسید].»

همچنین افرادی مانند  
زیاد بن ابیه و اشعث  
بن قیس، از کارگزاران  
حضرت علی (ع) بودند؛  
ولی عاقبت از بدترین  
دشمنان و عاقبت به شرّ  
شدند، چنانکه اسامه بن  
زید و سعد وقاص از  
سرداران پیامبر (ص)  
بودند؛ ولی حضرت علی  
(ع) را تنها گذاشتند.  
در اینجا نام برخی  
اشخاص و شرح حال  
اجمالی آنها که به  
مدال افتخار «منا اهل  
البیت» نائل آمدند،  
مطرح می‌گردد.

در شماره های گذشته  
(مبلغان ۱۹۷ و ۱۹۸)  
موضوع «خودی و غیرخودی  
در مکتب اهل بیت» مطرح  
شد و در پی پاسخ به  
سؤال: «چه باید کرد تا  
منا اهل البیت شد؟»  
مطالبی مطرح گردید؛  
مباحثی همچون: نشانه‌ها  
و ملاکهای غیرخودی و  
راه‌های علاج تعصب؛  
اکنون در ادامه این  
موضوع، نمونه‌هایی از  
افراد خودی نزد ائمه (ع)  
معرفی می‌گردد:

**خودی‌های منصوص اهل بیت)**  
در روایات نام چند  
شخصیت به صراحت به  
عنوان «منا اهل البیت»  
آمده و برخی روایات  
ملاک و معیار «از ما  
بودن» و «از ما نبودن»  
را شرح داده است. یک  
گروه نیز در آغاز با  
حق بودند و در ادامه  
راه عاقبت به شرّ شدند.  
حضرت علی (ع)

۱. نهج البلاغه، سید رضی، نشر  
هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق، ص  
۵۵۵، حکمت ۴۵۳.

۱. ابوذر که پیامبر خدا (ص) فرمود: «يَا أَبَا ذَرٍّ! إِنَّكَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ»<sup>۱</sup>

۲. سلمان فارسی که در لسان مبارک

پیامبر (ص)، امیرالمؤمنین علی (ع) و امام باقر و امام

صادق<sup>۳</sup> به چندین مناسبت این مدال افتخار را کسب نموده است. به

عنوان نمونه پیامبر (ص) فرمود: «يَا سَلْمَانَ! أَنْتَ مِنَّا أَهْلَ

الْبَيْتِ، وَ قَدْ آتَاكَ اللَّهُ الْعِلْمَ الْأَوَّلَ وَ الْآخِرَ وَ الْكِتَابَ الْأَوَّلَ وَ الْكِتَابَ

الْآخِرَ؛<sup>۲</sup> ای سلمان! تو از ما اهل بیت هستی و به درستی که خداوند به تو عطا کرد علم اول و آخر و کتاب اول و آخر را.»

۳. ابوعبیده حذاء در غربت وفات یافت. همسرش گریان بود و به محضر

امام صادق (ع) عرض کرد: تنها علت گریه

من، غربت شوهرم می‌باشد که در غربت مُرد. امام صادق (ع) به او فرمود:

«لَيْسَ هُوَ بِغَرِيبٍ إِنَّ أَبَا عُبَيْدَةَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ»<sup>۳</sup>؛ او غریب

نیست؛ زیرا از ما اهل

بیت است.» گفتنی است، فریادرسی اهل بیت (ع) هنگام مرگ دوستانشان، از مسلمات است. نام ابو عبیده «زیاد» بوده است. او راوی مورد وثوق و صحیح الروایه، از اصحاب امام باقر و صادق<sup>۳</sup> است.

وی نزد اهل بیت (منزلتی نیکو و عالی

داشت و در سفر مکه در خدمت امام باقر (ع)

بوده و کتابی دارد که «علی بن رئاب» راوی آن است. درباره اش

گفته‌اند: امام صادق

(ع) پس از دفنش [با آنکه در غربت بوده] بر

سر مزارش حاضر شد و

چنین دعایش کرد: «اللَّهُمَّ

بَرِّدْ عَلَيَّ أَبِي عُبَيْدَةَ اللَّهُمَّ تَوَرَّ لَهٗ

قَبْرَهُ اللَّهُمَّ أَحْفَهُ بِنَبِيِّهِ»؛<sup>۴</sup> بار

خدایا آتش را بر

ابو عبیده سرد گردان،

خدایا قبرش را منور

کن. خدایا او را به

پیامبرش ملحق گردان.»

حذاء به معنای کفاش

است؛ چون شغل او تولید

یا توزیع و فروش کفش

بوده است.

۴. «سعد بن

عبدالملک» از نسل «عبد

العزیز بن مروان

اموی»، معروف به «سعد

الخير» از شخصیت‌های

۱. امالی، شیخ دارالثقافة، قم، ۱۱۶۲. ۵۲۵، ج ۱۱۶۲. طوسی، ۱۴۱۴ ق، ص

۲. سیر اعلام النبلاء، ذهبی، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۰۶ ق، ص ۱، ص ۱۴۲.

۳. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۷، ص ۳۴۵.

۴. رجال، کشی، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ ق، ص ۳۶۸.

جلیل القدر و عظیم المنزله نزد امام باقر (ع) است. شیخ مفید ( از ابو حمزة ثمالی نقل کرده که : روزی سعد به محضر امام باقر (ع) مشرف شد . در آن هنگام به شدت می گریست، بسان زنان که از سويدای دل ناله می زنند . در پی این صحنه ، امام (ع) از او پرسید : چرا گریه می کنی ای سعد؟ پاسخ داد: چرا گریه نکنم ، در حالی که من از شجره ملعونه در قرآن به حساب می آیم [آیه شریفه **وَ الشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ...**] که بر بنی امیه تطبیق شده است؛ زیرا از نسل مروان بود]؟

آنگاه حضرت باقر (ع) به او فرمود : **«لَسْتَ مِنْهُمْ أَنْتَ أُمَوِيٌّ مِمَّا أَهَلَ الْبَيْتَ ؛ تو از آنان نیستی، تو اموی هستی ولی از ما اهل بیتی ...»** آیا سخن خدای متعال در قرآن را نشنیده ای که از زبان حضرت ابراهیم (ع) چنین حکایت می فرماید : **«فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي»**؛ <sup>۱</sup> «پس هر که پیرو من باشد، پس او از من است.»<sup>۲</sup>

کارنامه بنی امیه بد بود؛ ولی حضرت ایشان

را «سعد الخیر»؛ یعنی سعد که خوب است، نامید . امام باقر (ع) برای او دو نامه مفصل فرستاد که بسیار مهم بود . در «روضه کافی» در یکی از نامه ها آمده است: **«وَ اعْلَمْ رَحِمَكَ اللَّهُ ... يَا أَخِي إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ»** <sup>۳</sup> خوشا به حال کسی که امام او را چنین خطاب فرماید .

۵. عمر بن یزید که شخصیتی ثقه و جلیل القدر و از یاران امام صادق و کاظم است . کتابی در باب حج دارد که از زبان امام صادق (ع) شنیده است . در کتابهای رجالی این عنوانها را برایش نوشته اند: **«عمر بن یزید بن ذبیان الصیقل، ابو موسی»**؛ **«... أَبُو الْأَسْوَدِ، بَيَّاعُ السَّابِرِيِّ»** .<sup>۴</sup>

امام صادق (ع) به او می فرماید : **«يَا بْنَ يَزِيدَ! أَنْتَ وَاللَّهِ مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ ؛ ای ابن یزید ! به خدا سوگند تو از ما اهل بیتی.»** گویا وی با نباوری می پرسد : قربانت شوم ! آیا از آل محمد (ص) محسوب می شوم؟ امام فرمود : **«إِي وَاللَّهِ! مِنْ أَنْفُسِهِمْ؛** آری و الله، از خودشان هستی» او

و در مورد یزید بن ابی سفيان

سفيان

۳. همان.  
 ۴. تفسیر فرات کوفی، مؤسسه طبع و نشر فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۴۱۰ ق، ص ۳۴۵.

۱. ابراهیم / ۳۶.  
 ۲. اختصاص، شیخ مفید، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق، ص ۸۵.

دوباره می پرسد : از خودشان، فدایت کردم؟ ! حضرت می فرماید : «إِی وَ اللّٰه! مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَا عَمْرُ، أَمَا تَقْرَأُ كِتَابَ اللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ: [إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ اللّٰهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ] ۱؟ وَ مَا تَقْرَأُ قَوْلَ اللّٰهِ عَزَّ إِسْمُهُ : [فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَ مَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ]؛ ۲ آری به خدا قسم ای عمر! از خود آل محمد [به حساب می آیی]. مگر در کتاب خدای عز و جلّ نخوانده ای [که می فرماید:] نزدیک ترین مردم به حضرت ابراهیم [از جهت انتساب معنوی] کسانی اند که از او پیروی کردند و این پیام بر و کسانی که به او ایمان آوردند [از همه به او نزدیک ترند] و خدا یاور و سرپرست مؤمنان است؟ و آیا نخوانده ای سخن خدای سبحان را که [از قول حضرت ابراهیم می فرماید:] «پس هر کس از من پیروی کند، یقیناً از من است و هر کس از من نافرمانی کند [شایسته شدنش برای آمرزش و رحمت، بسته به عنایت تو است]؛ زیرا تو بسیار آمرزنده و مهربانی.»

۶. عیسی بن عبدالله قمی که یکی از نزدیکان اهل بیت) به نام «یونس بن یعقوب»، درباره عیسی بن عبدالله چند داستان دارد. او می گوید: روزی در یکی از کوچه های مدینه بودم که امام صادق (ع) از روبه رو آمد و به من فرمود: ای یونس! برو [به طرف منزل ما]؛ زیرا دم در خانه ما مردی از ما اهل بیت) منتظر و معطل است.»

می گوید: به در خانه امام رفتم، دیدم عیسی بن عبدالله آنجا نشسته است. به او گفتم: شما کیستی؟ پاسخ داد: مردی از اهل قم. یونس می گوید: خیلی زود امام صادق (ع) که بر حماری سوار بود، سر رسید و سواره وارد منزل شد و سپس رو به ما کرد و فرمود: بفرمایید داخل! آنگاه گفت: ای یونس! گمان می کنم باورت نشد این سخن من که: «إِنَّ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ»؟ عرض کردم: آری، به خدا همین طور است قربانت شوم! من نپذیرفتم که از شما باشد؛ زیرا در واقع عیسی مردی قمی است. قم کجا و شما کجا؟ چگونه از شما اهل بیت است؟

۱. آل عمران / ۶۸.  
 ۲. مستدرک الوسائل، محدث نوری، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۸ ق، ج ۵، ص ۵۰.

حضرت فرمود: «يَا يُونُسُ !  
عَيْسَى بنِ عَبْدِ اللَّهِ رَجُلٌ مِّنَّا حَيًّا وَ  
مَيِّتًا؛<sup>۱</sup> ای یونس! عیسی بن  
عبدالله در حیات و ممات  
از ماست .»؛ یعنی تا  
آخر دست از ما  
برنمی دارد و در آخرت  
نیز نسبت به ما «خودی»  
شمرده می‌شود.

یونس در داستانی  
دیگر می گوید : روزی  
عیسی بن عبدالله قمی  
میهمان حضرت صادق (ع)  
بود . هنگامی که  
خداحافظی کرد و برگشت،  
امام (ع) به خادمش  
فرمود: او را صدا کن.  
عیسی نزد امام

بازگشت و حضرت پس از  
توصیه ه ایی، به او  
فرمود: «يَا عَيْسَى بْنَ عَبْدِ اللَّهِ إِنَّ  
اللَّهَ يَقُولُ [وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ] <sup>۲</sup> وَ  
إِنَّكَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ ، فَإِذَا كَانَتْ  
الشَّمْسُ مِنْ هَاهُنَا مِقْدَارَهَا مِنْ هَاهُنَا  
مِنَ الْعَصْرِ فَصَلِّ سِتَّ رَكَعَاتٍ قَالَتْمْ  
وَدَعَهُ وَ قَبِلَ مَا بَيْنَ عَيْنَيْ عَيْسَى وَ  
انصَرَفَ؛<sup>۳</sup> ای عیسی بن  
عبدالله ! خداوند

می‌فرماید: " اهل خود را  
به نماز وادار " و به  
درستی که تو از ما اهل  
بیت هستی [و چون خودی  
حسابت می کنم، به شما

تأکید می‌کنم] به هنگام  
عصر که خورشید در چنین  
وضعیتی بود، شش رکعت  
نماز بخوان . یونس  
می‌گوید : سپس حضرت با  
عیسی خداحافظی [و او  
را مشایعت ] کرد و  
هنگام وداع بین دو چشم  
عیسی را بوسید و  
برگشت.»

عیسی بن عبدالله، جد  
احمد بن محمد بن عیسی  
است و از امام صادق و  
کاظم<sup>۳</sup> روایت می‌کند.<sup>۴</sup>

۷. فضیل بن یسار که  
کنیه اش ابوالقاسم است  
و گفته‌اند: «ابو مسور»  
است . فضیل بن یسار  
نهدی راوی ثقه و جلیل  
القدری است. کشی او را  
از کسانی شمرده که  
همگان او را تصدیق

می‌کنند. شیخ مفید ( در  
رساله عدویه اش نوشته  
است: او از فقهای اعلام  
و بزرگانی است که از  
او احکام دین و حلال و  
حرام را فرا می‌گیرند .  
از کسانی است که نقطه  
ضعفی در آنها یافت

نمی‌شود و راهی برای  
مذمتشان نیست . در  
فضیلتش روایات متعددی  
رسیده است. یکی، روایت  
امام صادق (ع) است که

می‌فرماید: «رَحِمَ اللَّهُ الْفَضِيلَ  
بْنَ يَسَارٍ، هُوَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ » از  
یاران امام باقر و

۴. همان، ص ۵۶۰.

۱. أمالی، شیخ مفید، ص ۱۴۰، ح  
۶؛ اختصاص، شیخ مفید، کنگره  
شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق، ص ۶۸؛  
رجال کشی، ج ۲، ص ۶۲۴، شماره  
۶۰۷.  
۲. طه / ۱۳۲.  
۳. اختصاص، شیخ مفید، ص ۱۹۵؛  
رجال کشی، ج ۲، ص ۶۲۵، ش ۶۱۰.

صادق<sup>۳</sup> است که در عصر امام صادق (ع) از دنیا رفت.

۸. یونس بن یعقوب ؛ کنیة او ابوعلی و نام پدرش قیس است . در کتب رجال و روایت این اوصاف را دارد : «ابو علی الجلاب البجلی الذهنی الکوفی» مادرش منیة ، خواهر معاویة بن عمار است . وی راوی ثقه و جلیل القدری است که نجاشی و مفید<sup>۷</sup> خیلی او را ستوده اند . از خواص و یاران امام صادق و کاظم<sup>۹</sup> بوده و وکالت امام کاظم (ع) را نیز بر عهده داشته است . وی در عهد امام رضا (ع) در مدینه از دنیا رفت و خود حضرت نماز میت و تجهیز او را بر عهده داشت .

یونس گوید : امام صادق یا کاظم<sup>۹</sup> به من مطالبی فرمود که بم اند . . . آن گاه فرمود : «لَا وَ اللَّهِ مَا أَنْتَ عِنْدَنَا بِمُنْتَهَمٍ، إِنَّمَا أَنْتَ رَجُلٌ مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَجَعَلَ اللَّهُ مَعَ رَسُولِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ اللَّهُ فَاعِلٌ ذَلِكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛<sup>۲</sup> نه به خدا قسم ! تو نزد ما مُنْتَهَم نیستی . تنها و تنها شخصیتی از ما اهل

بیتی . بنابراین، خدا تو را با رسولش و اهل بیتش قرار دهد و این شاء الله خدا چنین خواهد کرد.»

۹. راهب بلیخ که با نگاهی دلدادة امام علی (ع) و شهید رکابش شد . خلاصه داستان، از این قرار است:

حضرت در سفر - ظاهراً برای نبرد صفین - بود تا به محله بلیخ رسید . بلیخ نام نهری است که آبش از چشمه ساران فراهم می شود و در منطقه رقة عراق واقع است.<sup>۳</sup>

راهبی از صومعه اش درآمد و به پیشواز امام (ع) شتافت و از نوشته ای که از اجدادش دست به دست به او رسیده بود، سخن گفت و خبر داد که آن کتیبه را اصحاب حضرت عیسی بن مریم<sup>۹</sup> نوشته اند . اگر اجازه بفرمایی، ارائه کنم ! امام علی (ع) از پیشنهادش استقبال کرد . نامه درباره معرفی پیامبر آخر الزمان و اوصاف وصی او و بسیار عالی و پرمحتوا بود . پس از خواندن نامه گفت : گمشده ام را یافتم ، دست از دامن

۳. معجم البلدان، یاقوت حموی، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، ۱۳۸۰ ش، ج ۱، ص ۴۹۳، حرف «ب» .

۱. من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳ ق، ج ۴، ص ۴۴۱؛ رجال کشی، ج ۲، ص ۴۷۳، ش ۳۸۱ .  
۲. رجال کشی، ج ۲، ص ۶۸۵، ش ۷۲۴ .



برنمی دارم، و چنین هم شد.

حَبَّه عُرْنِي - راوی خبر  
- می گوید : در پایان  
حضرت علی (ع) گریست و  
با چشمان پراشک چنین  
به حمد و ثنای خدا

پرداخت : «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ  
يَجْعَلْنِي عِنْدَهُ مَنَسِيًّا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
ذَكَرَنِي فِي كُتُبِ الْأَبْرَارِ ؛ حمد و  
سپاس ویژه خدایی است  
که مرا نزد خود فراموش  
شده [و از یادرفته ]  
قرار نداد . حمد مختص  
خدایی است که در کتب  
ابرار مرا یاد کرد.»  
راوی گوید : روزها  
می‌گذشت و راهب، غلام  
حلقه به گوش و

ریزه‌خوار خوان امام  
علی (ع) بود تا در  
نبرد صفین به شهادت  
رسید . پس از جنگ که  
مردم - هر قبيله ای -  
در پی دفن شه  
خودشان بودند، حضرت  
دستور داد راهب را  
پیدا کنید . وقتی  
جنازه اش پیدا شد، خود  
حضرت بر او نماز گزارد  
و دفنش نمود و فرمود :  
«هَذَا مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ» و حضرت  
مکرر برای او دعا و  
استغفار می‌کرد.<sup>۱</sup>

او با برگه ای برنده  
شد و چه بسا افرادی که  
کتابها پیش رو دارند و  
اصلاً کر و کورند و یا  
شیعه شناسنامه ای  
هستند.

در کتاب «جایگاه اهل  
بیت) در جهان آفرینش»  
اضافاتی نقل شده است  
که :

حضرت علی (ع) از  
کوفه به سوی صفین حرکت  
کردند . در طول راه  
سپاه امام (ع) در  
مضيقه بی‌آبی قرار گرفت  
و تشنگی، جان آنان را  
تهدید می کرد . هرچه  
جستجو کردند،  
نتوانستند آبی پیدا  
کنند . در آن نزدیکیها  
دیری که محل عبادت  
راهبی بود، به چشم  
خورد . یاران امام علی  
(ع) برای اطلاع از آب  
پیش راهب رفتند . او در  
جواب آنان گفت: در این  
منطقه آبی وجود ندارد،  
و برای من هر چند روز  
یکبار قدری آب می‌آورند  
و من با قناعت از آن  
استفاده می‌کنم .

سربازان امام علی  
(ع) از همه جا مأیوس  
شدند . حضرت دستور داد  
چاه حفر کنند . هنگام  
حفر چاه به سنگ بزرگی  
رسیدند که نتوانستند

۱. وقعة الصفین، نصر بن مزاحم  
منقري، کتابخانه آیت الله مرعشی  
نجفی، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۲ق، ص  
۱۴۷.

گفتنی است : شبیه همین داستان  
در باب مسجد بزازای بغداد در  
آشنایی راهبی با امام علی %  
گفته شده و در «مفاتیح الجنان»

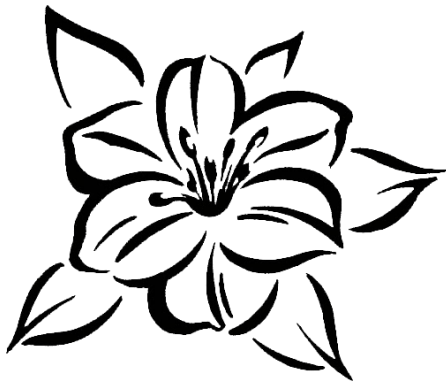
نیز به قدوم حضرت علی% در محل  
مسجد بزازا و نکات دیگری اشاره  
شده است.

آن را جا به جا کنند .  
 امام (ع) فرمود: نگران نباشید، زیر این سنگ آب است . از این رو، خودش شخصاً کلنگ را به دست گرفت و مشغول کند و کاو شد، سپس دستهای مبارک را زیر سنگ برد و آن را بیرون آورد . ناگاه آب زلال و شیرین فوران کرد و سپاه تشنه از آن سیراب شدند و برای سفر آب برداشتند . راهب که تمامی این حرکتها را زیر نظر داشت، به محضر امام (ع) شرفیاب شد و عرض کرد: آیا شما پیامبری؟ حضرت فرمود: نه، من وصی پیامبرم . راهب بی‌درنگ مسلمان شد و دلیل اسلامش را چنین بیان کرد: ما در کتب آسمانی خود خوانده ایم که در اینجا آبی هست و جای آن را جز پیامبر یا وصی پیامبر نمی‌داند و به همین جهت، این دیر صدها سال است که در اینجا بنا شده و رهبانان دیگری پیش از من در این دیر نشستند؛ ولی توفیق دیدار شما را نداشتند . اینک خداوند این سعادت را نصیب من نمود.

سپس اجازه خواست و کتابی که از آباء و اجدادش به ارث برده بود، ارائه داد که در

آن آمده بود : پس از مدتی کسی از امت او از همین شاطی الفرات می‌گذرد . شخصی که امر به معر وف و نهی از منکر می کند، برای استیلای حق تلاش می‌نماید، دنبال دنیا نیست؛ بلکه دنیا در نظرش پست‌تر از خاکستری است که در برابر تندباد قرار می گیرد . مرگ برایش از آشامیدن آب برای تشنه گواراتر است . او در خلوت از خدا می‌ترسد و در علانیه خیرخواه دین خداست . در اجر ای احکام دین از هیچ کس نمی‌ترسد . هر که از شما چنین بنده ای را درک کند، باید او را یاری نماید؛ زیرا مرگ همراه او شهادت است<sup>۱</sup>

ادامه دارد...



۱. جایگاه اهل بیت (در جهان آفرینش، علی اکبر بابازاده، دانش ادب، قم، ۱۳۸۸ش، صص ۸۵ - ۸۶؛ نقل از: نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۳، صص ۲۰۴ - ۲۰۶؛ کشف الغمّه، محمد اربلی، ج ۱، صص ۲۸۳.



## زن، اصلی‌ترین قربانی ورود ماهواره به خانه



از نشانه‌های او این که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.»

این آیه شریفه،

ازدواج و تشکیل خانواده را مایه آرامش معرفی می‌نماید؛ یعنی زن و مرد مجرد و تنها، به آرامش نخواهند رسید و با تشکیل خانواده و در کنار یکدیگر قرار گرفتن، به آرامش خواهند رسید. این موضوع، نشانگر آن است که زن و مرد دارای نواقص و نیازهایی هستند که با در کنار یکدیگر قرار گرفتن، یکدیگر را تکمیل می‌کنند و آرامش که

همه‌های مختلفی از سوی دشمنان دین و اسلام و انسانیت به احاد جامعه می‌شود و مخالفان و معاندان، از هر راه و وسیله‌ای برای مقابله با آموزه‌های متعالی و حیانی بهره می‌برند؛ در این همه و تهاجم فرهنگی و نفوذ گسترده اخلاقی و اعتقادی، همگان در معرض آسیب و خطر هستند و قشر زنان در جامعه اسلامی نیز از این امر مسلم مستثنی نیستند. شاید بتوان گفت یکی از اهداف اساسی و مهم دشمنان، فروپاشی نظام خانواده است و در این راه به جایگاه و نقش زن توجه ویژه‌ای شده است. خداوند متعال می

فرماید: [وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي

لازمة زندگى سعادت‌مند است، با آن حاصل مى‌شود.

**بررسی خلقت زن و مرد**

با توجه به آیه ۲۱ سوره روم، در پاسخ به تفاوت خلقت زن و مرد باید گفت: این دو هم مساوی‌اند و هم متفاوت! به قرینه عبارت [خَلَقَ لَكُمْ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ]؛ «آفرید برای شما از [جنس] خودتان» از لحاظ انسان بودن و ماهیت انسانی کاملاً برابرند؛ ولی و به قرینه [لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا]؛ «به وسیله آنها آرامش یابید.» و مفهوم آن، از لحاظ روحيات و خصلت‌های وجودی کاملاً متفاوتند؛ زیرا همان گونه که گفته شد، لازمه آرامش، کمال است و فاقد کمال هیچ‌گاه به آرامش نمی‌رسد.

بنابراین وقتی خداوند متعال مایه آرامش را در کنار یکدیگر بودن و زوجیت قرار می‌دهد، باید گفت قبل از زوجیت و هنگام تجرّد، در هر یک از زن و مرد نقص‌هایی وجود دارد که رفع آنها در تشکیل خانواده خواهد بود و این یعنی تفاوت در روحيات و خصلت‌ها.

**نمونه‌هایی از تفاوت‌های زن و مرد**

امیرالمؤمنین (ع)

فرمود: «أَلَمْ رَأَيْتُمْ الْجِبَّ أَرْبَعِينَ سَنَةً وَلَا نَكْتُمُ الْبُغْضَ سَاعَةً وَاحِدَةً؛<sup>۱</sup> زن، عشق و علاقه را چهل سال کتمان می‌کند و بغض و ناراحتی خود را ساعتی پنهان نمی‌سازد.»

زن به علت با حیا و عقیف بودن، عشق و علاقه را پنهان می‌سازد و در مقابل، به علت احساساتی و عاطفی بودن، بغض و کینه را نمی‌تواند پنهان سازد و لذا بلا فاصله بروز می‌دهد.

در این دو موضوع مرد و زن دقیقاً ۱۸۰ درجه متفاوت بوده، مرد به راحتی و شاید با بی‌روایی از علاقه خود سخن می‌گوید و چه بسا صبح عاشق شده و تا شب نشده دوستان و پدر و مادرش از این عشق باخبر می‌شوند؛ ولی در خصوص بغض و ناراحتی، ممکن است سالها بغض خود را پنهان سازد. همچنین می‌توان به خصلت‌های ترس و بخل که طبق روایات برای زن ممدوح هستند، اشاره کرد که در مقابل، خصلت شجاعت و سخاوت برای مردان کمال می‌باشد. این نکته را باید مدّ

۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۰، ص ۲۹۱.

نظر قرار داد که این خصوصیات در روابط اجتماعی مورد نظر است و چه بسا در شرایط خاصی شجاعت زن، افتخارآمیز خواهد بود. به عنوان نمونه، شجاعت زن در مقابل مردی که به حریم وی جسارت کرده، نه تنها مذموم نیست؛ بلکه بسیار ممدوح است؛ اما به طور کلی، در روابط عادی اجتماعی و در رابطه با عموم جامعه، ترس و بخل برای زن زینت و برای مرد نقص است. همچنین در ذات شجاعت، نوعی بی پروایی و جسارت نهفته است، از این جهت ترس از خصوصیات نیک زنان برشمرده شده؛ چراکه اگر زن مدام از خود شجاعت بروز دهد، به حیا و عفت او لطمه خواهد خورد، و در مقابل، چون عفت و حیا در مردان در مراتب بسیار پایین تری از زنان قرار دارد، شجاعت لطمه ای به حیا او وارد نخواهد کرد. در واقع عفت و حیا بسیار اهمیت دارد به ویژه در زنان که چنانچه امر دائر شود میان شجاعت با از بین رفتن تدریجی حیا و عفاف، و ترس با باقی ماندن حیا و

عفاف، یقیناً ترس ممدوح خواهد بود. در خصوص خصلت بخل و سخاوت نیز برخی گفته اند: به علت آنکه زن امانتدار اموال شوهر است، هر امانتداری در قبال امانت سپرده شده باید بخیل باشد، لذا بخل برای زن حسن شمرده شده است.

در خصوص تفاوت روحیات زن و مرد مثالهای زیادی می توان بر شمرد که گاه تدبّر و تفکر در آنها انسان را به شگفتی و تعظیم خالصانه در برابر عظمت خالق و می دارد.

**نقش ماهواره در زندگی خداوند متعال می**

فرماید: [ ... فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ وَ مَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ]: «... آنها (یهودیان از آن دو فرشته مطالبی از سحر) آموختند که می توانستند میان زن و مرد جدای ی بیفکنند؛ ولی هیچگاه بدون اجازه خدا نمی توانند به کسی زیانی برسانند ...»

مضمون آیه مربوط به دوره حضرت سلیمان (ع) است که دو فرشته، مطالبی به مردم می آموختند تا به وسیله

آن سحر و جادوی جادوگران را باطل کنند؛ اما یهودیان با یادگیری این مطالب، از آن برای جدای زن و شوهرها استفاده می‌کردند.

از آیه چنین استنباط می‌شود که از قدیم‌الایام نیز شیطان و ایادی اش برای رسیدن به اهداف خود، کانون خانواده را هدف قرار می‌دادند. امروزه نیز یهودیان، ماهواره را جایگزین همان سحر کرده‌اند و همچنان پشته پرده سحر و جادو قرار دارند و تمام تلاش خود را معطوف به برهم زدن پایگاه خانواده‌ها، خصوصاً جوامع اسلامی کرده‌اند.

شبکه‌های ماهواره ای با تمام توان در جهت برهم زدن تعادل خانواده و گرفتن آرامش از این نهاد، فعال‌اند و برای نیل به این هدف شوم، برآیند تا با برهم زدن تناسب روحیات زن و شوهر، مانع تکامل خانواده و ایجاد آرامش در آن‌ها شوند.

تمام تأثیرات مخرب بی‌کارشناسان برای شبکه‌های ماهواره ای بر شمرده‌اند، از قبیل رواج بی‌حیایی و بی‌عفتی، قبح زدایی و رواج بی‌بند و باری

و...، به درستی جزء اهداف کثیف گردانندگان این شبکه هاست و به تدریج ای ن آثار منفی در اعضای خانواده‌هایی که ماهواره دارند، ظهور می‌کند.

حال باید پرسید: آیا تمام اعضای خانواده از شبکه‌های ماهواره ای به یک اندازه ضربه می‌بینند؟

**زن، آسیب پذیرتر از سایرین**  
برای بررسی آثار منفی ورود ماهواره بر اعضای خانواده، باید توجه داشت که فردی بیش تر ضربه خواهد خورد که با ورود ماهواره به خانه، نیازهایش بیش تر مغفول واقع می‌شود. با توجه به این موضوع و بحث آرامش خانواده، از دو جنبه می‌توان ضربه روحی به اعضای خانواده را مورد بررسی قرار داد:

۱. از عمده ترین تفاوت روحیات زن و مرد آن است که مرد علاقه به دیدن دارد و زن علاقه به دیده شدن، لذا آرایش کردن و خودآرایی مربوط به زن است، نه مرد. از این طریق است که مرد نیاز دیدنش کامل‌تر برآورده شده و زن نیاز به دیده شدنش بهتر تأمین می‌شود. با ازدواج و در کنار هم

قرار گرفتن زن و مرد در قالب یک خانواده، این گونه نیازها بهتر تأمین می شود؛ اما شبکه های ماهواره ای با دست گذاشتن روی همین نیاز زن و مرد، به دنبال بر هم زدن تعادل و آرامش خانواده اند. هنگامی که مرد نیاز به دیدن خود را از طریق شبکه های ماهواره ای و سریالهای مروج بی عفتی و بی حیایی تأمین کند، و آبشخور دیدن مرد در هزارتوی هزار رنگ و لعاب سریالهای ماهواره ای سیراب شود، طبیعتاً نیاز زن در خانواده (دیده شدن) بدون پاسخ خواهد ماند. در اوایل امر، زن سعی خواهد کرد با انواع ترفندهای آرایشی خود را به چشم شوهر بنمایاند؛ ولی توان رقابت با صدها فرد با انواع ظاهر متفاوت و با رنگ و لعاب را نخواهد داشت، پس قربانی اصلی این موضوع «زن» است؛ چراکه در صورت ادامه وضع ترسیم شده، زن پس از مدتی نیاز دیده شدنش در درون خانواده توسط شوهرش تأمین نگشته، بیرون خانه را به درون خانه ترجیح خواهد داد و برای سیراب کردن

نیاز به دیده شدن خود، کوچه و خیابان را برخواهد گزید! و این همان هدفی است که شیاطین به دنبال آن هستند؛ زیرا اولین جرقه های جدایی و سردی روابط زن و مرد با همین امر رقم می خورد. ۲. یکی دیگر از تفاوت روحیات زن و مرد، نیاز به صحبت کردن در زن و نیاز به شنیدن در مرد است. زن گوینده خوبی است. این نیاز و تفاوت نیز به صورت عادی در خانواده پاسخ داده می شود؛ اما سؤال اینجاست که با حضور «ماهواره» در خانه، نیاز چه کسی تأمین و نیاز چه کسی مغفول می ماند؟ با ورود ماهواره به خانه، لحظاتی که زن و مرد درون خانه، باید به گفتگو بپردازند، به وسیله تماشای ماهواره، توسط سریالهای ماهواره ای، از پاسخ به این نیاز یکدیگر وامانده، ماهواره جایگزین روابط بین آنها می شود. در این میان، نیاز به شنیدن مرد به موازات نیاز به دیدنش، از طریق ماهواره با تنوع زیاد تأمین خواهد شد و این

زن است که نیاز به صحبت کردنش بدون پاسخ خواهد ماند . در این صورت یا زن باید نیاز خود را بدون پاسخ، تحمل کند و یا باز هم برای تأمین نیاز خود راه بیرون خانه را در پیش گیرد.

**غفلت مقابله نکردن زنان با نفوذ ماهواره**

سؤال اینجاست که : چرا برخی از زنها مخالفتی با ورود ماهواره به خانه ندارند و شاید در بیش تر اوقات، محرک اصلی برای ورود این دجال زمانه به خانه اند؟ علت را باید در خصوصیات زنان جست؛ زیرا زنها جزئی نگر و مردان کلی نگرند . به عنوان نمونه : زنان در مسائل جزئی زندگی از قبیل : رنگ فرش و پرده یا خرید سوغات و معاشرتها و... و مردان در مسائل کلی از قبیل : کارهای اقتصادی، معاملات و... قدرت تصمیم گیری صحیح تری دارند . در خصوص ماهواره، زنان منافع ظاهری و زودگذر از قبیل : سرگرمی، مشاهده و پی گیری سریالهای عاطفی یا چشم و هم چشمی و... را در نظر می گیرند و اثرات طولانی مدت را مد نظر

قرار نمی دهند؛ اما مردان که اکثرشان این آثار مخرب را تشخیص می دهند، به دلیل خودخواهی و خودبینی ذاتی که در وجودشان قرار دارد، حاضر نیستند از منافع ظاهری و کوتاه مدت خود صرف نظر کنند!

**راه مقابله**

با توجه به مطالب مطرح شده، بهترین راه مقابله با این پدیده شوم و مظلومیت زن در خانواده، تمرکز آگاه سازی و تبلیغات بر زنان جامعه است . نخبگان فرهنگی جامعه به ویژه روحانیون باید زنان را نسبت به اثرات مخرب ماهواره بر خانواده و به خصوص بر زنان، آگاه نمایند، تا زنان به عنوان ستون خانه و خانواده برای مقابله با ماهواره و جمع آوری این وسیله خانمان برانداز اقدام نمایند . چنانچه زنان نسبت به اثرات مخرب ماهواره - چه بر خود و چه بر سایر اعضای خانواده - آگاه شوند، و با توجه به روحیه همسرخواهی و گذشتی که در وجودشان نهاده شده، به راحتی چشم خود را بر منافع کوتاه مدت و ظاهری ماهواره می بندند و غلم مقابله با این



دجال زمانه  
برخواهند افراشته

را

## فضای مجازی؛ فرصتها و آسیبها

آسیبهای فضای مجازی

محمد مهدی فجری

### اشاره

در شماره گذشته (مبلغان ۱۹۸) موضوعی تحت عنوان «فضای مجازی؛ فرصتها و آسیبها» مطرح گردید و در آن ضمن ارائه مقدمه ای در اهمیت پرداختن به بحث فضای مجازی، ساختار فعلی آن و وسایل مرتبط با آن مورد بحث و بررسی قرار گرفت؛ اکنون در ادامه این موضوع، آسیبهای فضای مجازی را بررسی می کنیم.

### آسیب شناسی فضای مجازی

رسانه، ی ک ی از ابزارهایی است که می تواند ارزشها، باورها و معیارهای مذهبی و ملی را دگرگون سازد؛ زیرا قادر است با برنامه ریزی های دقیقی و کنترل شده، اندیشه های مردم یک جامعه را شکل داده، رفتار آنان را به سمت و سوی

دلخواه سوق دهد. این امر در دنیای امروز که آموزه های غربی سعی دارد جا یگزین آموزه های ناب اسلامی شود، ملموس تر است؛ چرا که توانسته اند روابط عاطفی و چهره به چهره را کمرنگ کنند و مردم را ب ی ش از پ ی ش تحت تأثیر رسانه های جمعی قرار دهند.

بر همین اساس؛ گرچه گسترش اینترنت و دسترسی همگان به فضای مجازی، آثار مثبت فراوانی داشته است؛ اما این آثار مثبت با آثار مخرب و زیان بخش فضای مجازی غیر قابل قیاس است. نگاهی گذرا به می ل ی ونها س ا ی ت ترو ی ج فساد و فحشا و ضد دین ی، نشانگر هدفمندی دقیق دشمنان اسلام برای ایجاد انحراف در مخاطبان، به خصوص نسل جدید است.

آنان به این واقعیت دست یافته اند که مراجعه مکرر به برنامه های شهوانی باعث دوری از راه حقیقت و در نهایت، فر و رفتن در گمراهی می شود.

امیر مؤمنان 7 می فرماید: «...فَمَنْ غَلَبَ عَقْلَهُ شَهْوَتَهُ فَهُوَ خَيْرٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَمَنْ غَلَبَ شَهْوَتَهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ

الْبَهَائِمِ؛<sup>۱</sup> هر انسانی که عقلش بر شهوتش پیروز گردد، برتر از فرشته است و هر کس که شهوتش بر عقلش غلبه کند، بدتر و پست تر از حیوان.»

افزون بر این، توجه به این نکته ضروری است که استفاده مداوم از وسایل لهوئی، مثل بازیهای فعلی رایانه ای، و شبکه های ارتباطی، مثل: یوتیوب، فیسبوک، توئیتر،

تلگرام و ... به علت مدیریت بر محتوا توسط مالکان آنها، می تواند از جهات مختلفی آسیب زا باشد. امام صادق 7 از قول خدای متعال به

حضرت عیسی 7 می فرماید: «يَا عِيسَى! ... وَلَا تَلَّهُ فَإِنَّ اللَّهَ يُعْسِدُ صَاحِبَهُ؛<sup>۲</sup> ای عیسی...

۱. تفسیر الصافی، ملامحسن فیض کاشانی، تحقیق حسین اعلمی، انتشارات صدر، تهران، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۵۴.  
۲. الکافی، محمد بن یعقوب

به لهو [و سرگرمی باطل] مشغول نباش؛ چراکه لهو صاحبش را فاسد می کند.»

مقام معظم رهبری در حکم جدید ابلاغی به

شورای عالی فضای مجازی به جهت آسیبهای گسترده این فضا، در بندهای ۶ و ۷ می فرماید: «...»

اهتمام ویژه به سالمسازی و حفظ امنیت همه جانبه فضای مجازی کشور و نیز حفظ حریم خصوصی آحاد جامعه و مقابله مؤثر با نفوذ و دست اندازی بیگانگان در این عرصه؛ ترویج

هنجارها، ارزشها و سبک زندگی اسلامی ایرانی و ممانعت از رخنه ها و آسیبهای فرهنگی و اجتماعی در این عرصه و مقابله مؤثر با تهاجم همه جانبه فرهنگی و نیز ارتقای فرهنگ کاربری و سواد فضای مجازی جامعه...»<sup>۳</sup>

حال با توجه به مقدمه مذکور، برخی از آسیبهای فضای مجازی را ارائه می کنیم.

### الف) آسیبهای فردی

فضای مجازی، افزون بر مزایای مثبتی که دارد، آسیبهای فوق

کلینی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ش، ج ۸، ص ۱۳۴.  
۳. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری به آدرس: khamenei.ir

العاده ای نیز وارد می سازد که مرور بر صفحات حوادث رسانه ها، گویای این واقعیت است. از آیات و روایات به دست می آید که تمایل انسان به کارهای لغوی یا فسق در انسان غریزی است<sup>۱</sup> و همواره نفس سرکش، انسان را به بدی ها فرمان می دهد و اگر با مهار عقل و ایمان کنترل نشود، آدمی را به سقوط و تباهی می کشاند؛ چنانکه قرآن کریم از قول حضرت یوسف<sup>۲</sup> می فرماید: [وَمَا أَبْرَأٌ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّيَ غَفُورٌ رَحِيمٌ]؛<sup>۲</sup> «من هرگز نفس خودم را تبرئه نمی کنم؛ چراکه نفس (سرکش) بسیار به بدیها امر می کند، مگر آنچه را پروردگارم رحم کند! که پروردگارم آمرزنده و مهربان است.»

لذا اولیای الهی بر مراقبت بیش از پیش نفس، سفارش فراوان نموده اند؛ چراکه نفس اماره ابزاری برای وسوسه های شیطان است و شیاطین بدون این ابزار، کاری از پیش نمی برند.

طبق آیات و روایات، بر ای تسلط بر نفس

اماره و قطع وسوسه های شیطانی هیچ راهی جز دوری از گناه نیست.<sup>۳</sup> از منظر اسلام، نه تنها از گناه؛ بلکه از محیطهای گناه آلود نیز باید فاصله گرفت؛ چراکه محیط در ساختن شخصیت و اخلاق انسانها بسیار مؤثر بوده، پاکي یا ناپاکي آن، عامل مؤثري در شکل دهی به شخصیت انسان محسوب می شود.

با این مقدمه، لازم است به این نکته مهم توجه داشته باشیم که در زمان حاضر، فضای مجازی همانند فضای حقیقی با زن دگی همگان عجین شده و محیط پاک و ناپاک را در هم تنیده است. اگر انسان در چنین محیطی آزادانه و بی پروا به هر فیلم و عکسی نگاه کند و هر مطلبی را مرور نماید، و میان سالم و ناسالم تفاوتی قائل نشود، ناخواسته در دام شیطان خواهد افتاد و قدم به قدم از انسانیت دور و به دره سقوط و تباهی وارد خواهد شد، به طوری که نه توان اندیشه و فکر دارد و

۳. قرآن کریم می فرماید: [إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ]؛ «شیطان را بر کسانی که ایمان آورده اند و بر خدا توکل می کنند، تسلطی نیست.» نحل / ۹۹.

نه چشمی برای دیدن و نه گوشی برای شنیدن و مصداق این آیه می شود: **[لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ]**؛<sup>۱</sup> «دل‌هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی کنند، و چشمانی دارند که با آنها نمی بینند، و گوش‌هایی دارند که با آنها نمی شنوند. آنان همانند چهارپایان؛ بلکه گمراه ترند. [آری،] آنها همان غافل ماندگانند.»  
برخی از آسیب‌های فردی فضای مجازی عبارتند از:

### ۱. نگاه حرام

غریزه جنسی یکی از کشش‌های مهم نفس آدمی است که ریشه در غریزه لذت جویی دارد؛ گرچه علاقه به همسر داری و میل به بهره مندی از لذایذ جنسی، لازم‌ه ساختمان وجودی انسان و جزء لاینفک اوست؛ اما رها کردن بی قید و شرط این محرک پر نیرو، به منزله غفلت از حرکت سیل خروشان است که دیر یا زود همه چیز را از جا کنده، به همراه خویش خواهد برد.  
امیرمؤمنان 7 می

فرماید: **«إِيَّاكُمْ وَ غَلْبَةَ الشَّهَوَاتِ فَإِنَّ بَدَايَتَهَا مَلَكََةٌ وَ نَهَايَتَهَا هَلَكََةٌ»**؛<sup>۲</sup> از غلبه شهوتها [بر شما] بر حذر باشید؛ زیرا ابتدا شما را در تملک خود قرار می‌دهد و در نهایت به هلاکت می‌افکند.»

یکی از مهم‌ترین محرک‌های غریزه جنسی، نگاه به جنس مخالف است. نگاه جنس مخالف، محرم است و نگاه به او بدون قصد شهوت بلا اشکال است<sup>۳</sup> و نگاه نامحرم که نگاه به او شرایط فقهی ویژه‌ای دارد که بدون پوشش اسلامی، افزون بر حرمت نگاه، پی‌آمدهای روانی و غی‌روانی فراوانی در پی خواهد داشت. به همین خاطر قرآن کریم از نگاه حرام به شدت نهی کرده است و می‌فرماید: **[قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْقِطُوا فُرُوجَهُمْ... وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ**

۲. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، میرزا حسین نوری طبرسی، انتشارات مؤسسه آل‌البیت، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۳۴۳.  
۳. امام خمینی می‌فرماید: مرد و زنی که با یکدیگر محرم اند، اگر قصد لذت نداشته باشند، می‌توانند غیر از عورت به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند. (توضیح المسائل مراجع، بنی‌هاشمی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۶ ش، ج ۲، ص ۴۱۹، م ۲۴۳۷)؛ ولی زن و شوهر می‌توانند به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند. (همان، ص ۴۱۸، م ۲۴۳۶).

أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفِظَانِ فُرُوجَهُنَّ ] :<sup>۱</sup>  
 «به مؤمنان بگو :  
 چشمهای خود را (از  
 نگاه به نامحرمان) فرو  
 گیرند، و عفاف خود را  
 حفظ کنند... و به زنان  
 با ایمان بگو: چشمهای  
 خود را (از نگاه هوس  
 آلود) فروگیرند، و  
 دامن خویش را حفظ  
 کنند...»

بر اساس آموزه های  
 دینی، نگاه حرام زمینه  
 گسترش فتنه و فساد را  
 فراهم می آورد. امام  
 صادق 7 می فرماید :  
 «التَّظَرُّةُ بَعْدَ النَّظَرَةِ تَزْرَعُ فِي الْقَلْبِ  
 الشَّهْوَةَ وَ كَفَى بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتْنَةً»<sup>۲</sup>  
 نگاه بعد از نگاه (به  
 حرام)، شهوت را در قلب  
 می کارد، و این شهوت  
 برای به فتنه انداختن  
 فرد همراه شهوت، کفایت  
 می کند.»

قابل ذکر است که  
 بسیاری از مدیران  
 جستجوگرهای اینترنتی و  
 برخی از سایتها، برای  
 جذب کاربر بیش تر یا  
 کسب منافع مادی افزون  
 تر و انحراف در جوانان  
 و نوجوانان، عکسها و  
 فیلمهای مستهجن را در  
 برابر دیدگان کاربران  
 قرار می دهند و حتی  
 ابزار ارتباط همزمان

بین دو نفر یا چند نفر  
 را - که اکثراً به  
 ارتباط بین دو جنس  
 مخالف می انجامد - راه  
 اندازی می کنند .  
 مشاهده اینها و ارتباط  
 خارج از موازین شرعی  
 میان دو جنس مخالف، بی  
 عفتی و بی ایمانی را  
 گسترش می دهد و به  
 یقین، جوانی که ایمان  
 و عفت خود را از دست  
 بدهد، پاسدار مملکت و  
 ارزشهای دینی و اخلاقی  
 نخواهد بود و گاه در  
 کنار دشمن و علیه خودی  
 خواهد جنگید.

مقام معظم رهبری >  
 در جمع جوانان و  
 دانشجویان استان  
 سیستان و بلوچستان به  
 این نکته مهم تأکید  
 می کند و می فرماید :  
 «سیاست امروز،

سیاست اندلسی کردن  
 ایران است ! ...  
 روزگاری مسلمانان در  
 جنوب اروپا و در  
 اسپانیا تا جنوب  
 فرانسه، کشوری اسلامی  
 به وجود آوردند . این  
 کشور مهد تمدن شد و  
 علم در اروپا از همان  
 تمدن اندلسی قرون  
 اولیه اسلام شکوفا  
 گردید. شکوفایی علم در  
 آن سرزمین، داستانهایی  
 دارد و خود غربیها نیز  
 به آن معترفند... .

وقتی خواستند اندلس

۱. نور / ۳۰ - ۳۱ .  
 ۲. من لا یحضره الفقیه، شیخ  
 صدوق، دفتر انتشارات اسلامی،  
 قم، ۱۴۱۳ ق، ج ۴، ص ۱۸.

را از مسلمانان پس بگیرند، اقدامی بلندمدت کردند. آن روز صهیونیستها نبودند؛ اما دشمنان اسلام و مراکز سیاسی علیه اسلام فعال بودند. آنها در راستای انگیزه‌های استعماری به فاسد کردن جوانان پرداختند. یکی از کارها این بود که تاکستانهایی را وقف کردند تا شراب آنها را به طور مجانی در اختیار جوانان قرار دهند، آنگاه زنان و مردان را به ارتباط نامشروع سوق دادند تا اسلام را از آن‌ها گرفتند! گذشت زمان راه‌های اصلی برای فاسد یا آباد کردن یک ملت را عوض نمی‌کنند، لذا امروزه نیز آنها همین کارها را می‌کنند. برای آنها تسلط اقتصادی و فرهنگی بر چه‌ان‌حیاتی است...»<sup>۱</sup>

## ۲. زدودن حیا

حیا به معنای خودداری نفس از زشتیهاست.<sup>۲</sup> قرآن کریم به مسئله حیا و عفت توجه ویژه‌ای نموده و در داستان حضرت موسی و

دختران شعیب<sup>۷</sup> اشاره‌ای کرده است. گرچه حیا در زمینه‌های مختلفی بروز می‌کند؛ اما مراجعه مکرر به تصاویر و فضاهای شهوت‌آلود، جز زودن گام به گام عفت و حیا از جوامع بشری، اثر دیگری ندارد که این مسئله در فضای حقیقی نیز جلوه می‌کند و ریشه ایمان را سست و فاسد می‌سازد. امام باقر یا صادق<sup>۸</sup> می‌فرماید: «الْحَيَاءُ وَالْإِيمَانُ مَقْرُونَانِ فِي قَرْنٍ فَإِذَا ذَهَبَ أَحَدُهُمَا تَبِعَهُ صَاحِبُهُ»<sup>۳</sup> حیا و ایمان همراه هم و در یک رشته هست‌ند، و چون یکی از آنها زایل شود، دیگری نیز از بین می‌رود.»<sup>۴</sup>

۳. اتلاف فرصتها  
عمر، ارزشمندترین موهبت الهی است که خدای متعال به انسان عنایت فرموده است؛ زی را فرصت رسیدن به سعادت دنیا و آخرت را در اختیار انسان قرار می‌دهد. گرچه فرصت ساعات و روزهای آینده قابل جبران است؛ اما فرصتهای از دست رفته، دیگر باز نمی‌گردد. امیرالمؤمنین<sup>۷</sup> می‌فرماید: «الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ»<sup>۵</sup> فرصتها همانند

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری به آدرس: khamenei.ir

۲. مفردات، راغب اصفهانی، ترجمه خداپرست، انتشارات نوید اسلام، قم، ۱۳۸۸ ش، ج ۱، ص ۵۷۳.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۱۰۶.

۴. نهج البلاغه، شریف‌رضی، تصحیح: صبحی صالح، نشر هجرت،

ابر در گذرند.»  
نکته مهمی که کم تر به آن توجه می شود این است که امروزه فرصتهای طلایی عمر به واسطه جستجوهای بی هدف در سایتها و وبلاگها، بازیهای رایانه ای و برنامه های ارتباطی و... به هدر می رود و هیچ چیز قابل استفاده ای به دست نمی آید و یا اگر یافت شود، به قدری ناچیز است که با فرصت های از دست رفته قابل مقایسه نمی باشد، تا چه رسد به اینکه این فرصتها چیزی جز بی عفتی و بی حیایی نصیب انسان نکند.

امیرالمؤمنین<sup>7</sup> می فرماید: «إِنَّ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ يَعْمَلَانِ فِيكَ فَأَعْمَلْ فِيهِمَا؛<sup>۱</sup> شب و روز در تو کار می کنند (و مقداری از عمر تو را می گیرند)، تو نیز در آنها کاری کن (و چیزی برای فردای قیامت بپندوز!)»

رهبر معظم انقلاب به دانشجویان می فرماید: «وقتتان را بیهوده به هدر ندهید! خیلی از بچه های جوان ما -

دانشجو و غیر دانشجو - وقتهایشان را هدر می دهند، در این شبکه های اجتماعی و مانند اینها می گردند یا در بعضی از جلسات بیهوده بحث و جدلهای این جور می نشینند. وقتتان را هدر ندهید! وقتتان را درست مصرف کنید!»<sup>۲</sup>

۴. بلوغ زودرس  
بخش مهمی از شرکتها ی تولی د نرم افزارهای رایانه ای و نی ز پای گاه ها ی اینترنتی، در اختی ار افراد سودجو قرار دارد که برای رسیدن به جذب مشتری بیش تر، از وسایل جذاب مانند مسائل جنسی استفاده می کنند و گاه افزون بر منفعت طلبی، تعمداً در صد ایجاد انحراف جنسی افراد، به خصوص کودکان، نوجوانان و جوانان هستند؛ زیرا آنان به این مهم پی برده اند که انحراف جنسی در نسل نو، یکی از بهترین گزینه ها برای نابودی ارزشها و تغییر در تفکر و عقیده آنهاست. بررسی تاریخ تمدنهایی همچون: بابل، فراعنه مصر، قوم سبأ، کلدانیان و آشوریان و مسلمانان اندلس و...

۲. بیانات مقام معظم رهبری > در دیدار جمعی از دانشجویان در تاریخ: ۱۳۹۴/۴/۲۰.

قم، ۱۴۱۴ ق، حکمت ۲۱.  
۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تحققی ق مصطفی درآیت ی و حس ین درآیت ی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۵۱.



این حقیقت را نشان می دهد که بر اثر اوج گرفتن در فساد به طرف سقوط رفتند و حتی ساعتی نتوانستند پایه های لرزان حکومت خویش را نگهدارند.

بیشترین هدف گذاری مهاجمین فرهنگی، کودکان، نوجوانان و جوانان هستند؛ لذا رشد بلوغ زودرس در کشور نشانه خوبی برای همین مورد اشاره است. اگر این موضوع ساده تلقی شود و هر روز در خانواده ها و جامعه گسترش یابد، صدمات جبران ناپذیری بر پیکره جامعه وارد خواهد نمود. بر این اساس، توجه به علل بلوغ زودرس و عواقب آن مهم به نظر می رسد. پدران و مادران باید توجه داشته باشند که کودکان قبل از بلوغ، از لحاظ رشد بدنی و فکری برای تولید نسل و اعمال غریزه جنسی آمادگی ندارند. بدین جهت خدای متعال غریزه جنسی را در سنین قبل از بلوغ به حالت خفته و مبهم نهاده است. صلاح فردی و اجتماعی کودکان نیز همین است که غریزه جنسی آنان قبل از بلوغ بیدار و تحریک نشود؛ وگرنه مشکلاتی را در زندگی کودک و نوجوان

به وجود خواهد آورد که ممکن است اسباب بدبختی و انحراف آنها در آینده شود.

### علل بلوغ زودرس

در بررسی علل بلوغ زودرس می توان به موارد متعددی اشاره کرد که برخی از آنچه در حیطة فضای مجازی است، عبارتند از:

(الف) مشاهده صحنه های مستهجن و تحریک آمیز در فضاهای مجازی و برنامه های ارتباطی؛ (ب) پرداختن به بازیهای رایانه ای و تلفن همراه که مروج فرهنگ برهنگی هستند و نظر آنان را به خود جلب می کنند؛ (د) موسیقی و گسترش انواع آن از طریق فضاهای مجازی، تلفن همراه، ماهواره (ج) عدم رعایت مسائل مرتبط جنسی در پیش چشم فرزندان و عدم رعایت عفت توسط والدین یا در جامعه؛ (ه) استفاده از اتاقهای گفتگو (چت)، همراه با قابلیت مشاهده تصاویر طرف مقابل که امکان صحبتهای تحریک آمیز و نیز تصاویر زننده را به همراه خواهد داشت؛ (و) مطالعه داستانها و مطالب محرک جنسی در

پایگاه های اینترنتی و برنامه های ارتباطی؛  
... و

باید به این نکته توجه داشت که اگر فرزندان تنها يك بار يکي از این موارد را تجربه نمایند، احتمال جذب و اعتیاد به اینها بسیار بالا خواهد رفت  
**آسیبهاي بلوغ زودرس**  
برخي از افراد بلوغ زودرس فرزندان خود را جدي نمي گیرند و از آسیبهاي آن بي اطلاع هست ند. آنان به این نکته توجه ندارند که بلوغ زودرس زندگی حال و آیندۀ فرزندان را به مخاطره مي اندازد و آسیبهاي فراواني را به دنبال مي آورد که به برخي از آنها اشاره مي شود:

(الف) ایجاد اضطراب و نگرانی و افزایش درصد ابتلا به افسردگی؛  
(ب) بروز مشکلات عدیده در تحصیل و مدرسه؛  
ذهن چنین فرزندان درگیر دیده ها و شنیده ها مي شود و هدف آنان رسیدن به لذایذ جنسی و کسب اطلاعات در این باره مي شود. به همین جهت به درس و تکالیف خود کم توجه شده، دچار افت تحصیلی مي شوند و در تخیلات خویش سیر مي نمایند. این پدیده مي

تواند در مدرسه مشکلاتي براي مربیان و دیگر دانش آموزان به وجود آورد و زمینه ابتلاي آنان به افسردگی را فراهم کند.

(ج) اختلال در خواب و خوراک؛

تخیلات و تفکرات فرزندان و نیز مشاهده مطالب، تصاویر و فیلمهاي مستهجن - که تاکنون هیچ تجربه اي در آن مورد نداشته اند - باعث مي شود در خواب و استراحت آنان اختلال ایجاد شود و موجبات تغییر در مقدار و نحوه خوراکشان را فراهم سازد.

(د) خودارضایی؛  
از آسیبهاي جدي بلوغ جنسي زودرس، خودارضایی است که مبتلایان، پس از حضور در دوران بحران، دست به خودارضایی زده؛ چون احساس لذت مي کنند و در آینده ای نزدیک به این عمل معتاد شده، بنیاد جسم و روح خود را به خطر مي اندازند. این مسئله نه تنها در این سن و سال؛ بلکه در زمان ازدواج نیز مي تواند باعث مشکلاتي مانند: انزال زودرس، ناتوانی جنسي و سردی زودهنگام گردد.

(ه) مشکلات جسمي؛  
فرزندانی که به چنین

مشکلی دچار می شوند ، معمولاً از نظر جسمی ضعیف شده ، تغییراتی در روند رشد آنان به وجود می آید که در آن دهه مشک لاتی را برایشان ایجاد خواهد کرد.<sup>۱</sup>

**۵. سرگشتگی**

از جمله محاسنی که برای اینترنت و فضای مجازی گفته می شود ، انفجار اطلاعات است . در این فضا هر مطلبی قابل دسترس است و کم تر مجهولی در این دنیای اطلاعات گشوده نشده ؛ اما چنین حجم گسترده ای از اطلاعات ، برای کسانی که بی هدف در آن سیر می کنند ، نه تنها مفید نیست ؛ بلکه در بسیاری از مواقع آسیب زا است ؛ چراکه اولاً انفجار اطلاعات به گونه ای در حال صعود است که قدرت تفکر و انتخاب و بررسی درستی و نادرستی مطالب را از برخی سلب می کند<sup>۲</sup> و ثانیاً در اکثر مواقع اطلاعاتی به کاربران می دهد که اگر آسیب زا نباشد ، منفعتی و سودی برای آنان

۱. مجله پیوند ، مقاله : «فناوری و تربیت : فناوری اطلاعات و تأثیر آن بر بلوغ زودرس ، آسیبها ، راهکارها» ، محمود نجفی علمی ، فروردین - شماره ۳۶۶ - ۳۶۷ .  
 ۲. امیر مؤمنان % می فرماید : «إِذَا أَرَدَحَمَ الْجَوَابُ خَفِيَ الصُّوَابُ ، هَرَّگَاهُ پَاسَخَهَا هَمَانَدُ وَ زِيَادُ شَدْنَدُ ، پَاسَخُ دَرَسْتِ پَنَهَانَ كَرَدَدُ .» نهج البلاغه ، حکمت ۲۴۲ .

ندارد .

رسول خدا (ص) می فرماید : «مَنْ أَرَدَادَ عِلْمًا وَ لَمْ يَزِدْهُ هَدًى لَمْ يَزِدْهُ مِنَ اللَّهِ إِلَّا بُعْدًا»<sup>۳</sup> هر کس علمش فزونی گی رد ؛ ولی هدا یتش اف زون نشود ، جز بر دوری او از خدا افزوده نگردد .»

امیرالمؤمنین (ع) نیز می فرماید : «رَبِّ جَهْلٍ أَنْفَعُ مِنْ عِلْمٍ»<sup>۴</sup> چه بسا جهلی که از علم و دانایی بهتر است .»

حضرت عیسی (ع) می فرماید : «لَيْسَ بِنَافِعِكَ أَنْ تَعْلَمَ مَا لَمْ تَعْمَلْ إِنَّ كَثْرَةَ الْعِلْمِ لَا يَزِيدُكَ إِلَّا جَهْلًا إِذَا لَمْ تَعْمَلْ بِهِ»<sup>۵</sup> تا وقتی که عمل نکنی ، علم ی که می آموزی ، به حال تو فایده ای ندارد ؛ زیرا زیادی علم (بدون عمل) ، چیزی جز نادانی بر تو نمی افزاید .»

بر طبق روایات اهل بیت) بهترین گزینه برای استفاده بیش تر از دنیای اطلاع ات ، گزینش مسائل مهم و دوری از اطلاعاتی است که ثمره قابل توجهی ندارد . حضرت علی (ع) فرم وده است : «إِنَّ رَأْيَكَ لَا

۳. مجموع ه ورام ، ورام بن ابی فراس ، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی ، مشهد ، ۱۳۶۹ ش ، ج ۱ ، ص ۲۲۰ .  
 ۴. عیون الحکم و المواعظ ، الیثی ، ص ۲۶۷ .  
 ۵. مجموع ه ورام ، ج ۱ ، ص ۶۴ .

يَتَّبِعُ لِكُلِّ شَيْءٍ فَرَعَهُ لِلْمَهْمِ ؛<sup>۱</sup>  
 رأی (و ذهن) تو برای  
 همه چیز جا ندارد، آن  
 را برای مسائل مهم  
 خالی کن!»

### ب) آسیب های فرهنگی و اجتماعی

از دیر زمان، قدرتها  
 و عوامل استعماری،  
 مقابله با اسلام را جزء  
 اصلی ترین برنامه های  
 خویش قرار داده اند و  
 برای رسیدن به این هدف  
 از هیچ کاری دریغ  
 نورزیده اند؛ ولی از  
 همه ناجوانمردانه تر،  
 مخفیانه تر و در عین  
 حال مؤثرتر و خطرناک  
 تر، نفوذ فرهنگی  
 استعمار است. آنان بر  
 جدا ساختن اسلام از  
 اصالت آن اصرار ورزیده  
 و تأکید دارند تا هم  
 مسلمانان واقعی را به  
 انزوا بکشند و هم به  
 منافع خویش دست یابند.  
 مهم آن است که در  
 استعمار فرهنگی، نه  
 تنها استعمارگر ابراز  
 دشمنی نمی کند و به  
 طور مستقیم وارد  
 مقابله نمی شود؛ بلکه  
 اغلب بس یار دوستانه  
 برخورد می کند تا  
 بتواند چهره مکتب را  
 پنهانی دگرگون سازد و  
 به تدریج خواسته خویش

را عملی کند.  
 یکی از جدیدترین این  
 استعمارها، «استعمار  
 فرانو» نام گرفته است  
 که به خلاف سایر طرحهای  
 استعماری، مردم طرف  
 قرارداد قرار می  
 گیرند. از ویژگیهای  
 این طرح، تنوع امکانات  
 ارائه شده است، به  
 گونه ای که حتی افرادی  
 که در گذشته به نقد  
 استعمار و استعمارگران  
 می پرداخته اند، از  
 این روش استعماری دفاع  
 می کنند و آن را دارای  
 منفعت می دانند. تمامی  
 شرکتهای صهیونیستی -  
 آمریکایی، نرم  
 افزارهای خود را به  
 رایگان و با امکانات  
 بسیار در اختیار  
 کاربران قرار می دهند؛  
 اما به جای قرارداد با  
 دولتها، با کاربران  
 قرارداد امضا می کنند.  
 مثلاً برای نصب نرم  
 افزار بر روی گوشیهای  
 تلفن همراه، قراردادی  
 را با صاحب تلفن می  
 بندند که بر اساس آن  
 سازندگان این نرم  
 افزارها اجازه دسترسی  
 بی قید و شرط، در هر  
 زمان و مکانی را به  
 اطلاعات تلفن همراه  
 کاربر داشته باشند و  
 حتی بدون اطلاع او از  
 طریق دوربین گوشی

۱. عیون الحکم و المواعظ، ص ۱۵۶.

اقدام به تصویربرداری کنند و یا به مکالمات وی گوش دهند.

نکته مهم اینکه کاربران تلفن همراه بدون هیچ دغدغه ای تمامی اطلاعات خصوصی خویش؛ اعم از مکالمات، تصاویر، فایلها و حتی دوربین گوشی مسلط به محیط منزل و... را با یک نرم افزار رایگان معاوضه می کنند و این شرکت با فروش اطلاعات مبادله شده بین افراد یا سازمانهای اطلاعاتی و جاسوسی، سودهای کلانی به جیب می زند. تأسف بارتر آنکه، مسئولان دولتی که باید به جایگزین داخلی این شبکه ها توجه کنند، تنها به افزایش پهنای باند می اندیشند که استفاده کاربران از این شبکه ها را راحت تر می کند.

دیگر ویژگیهای استعمار فرانو را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. اولوی تسلط فرهنگ بر سیستم های نظامی؛ ۲. توجه به کانونهای سرمایه داری جدی در جهان سوم، برای تحقق استعمار؛ ۳. کمرنگ کردن نقش دولتها؛ ۴. از بین

بردن نظم داخلی کشورها از طریق ایجاد شورشهای جمع ی؛ ۵. از می ان برداشتن امنیت فردی و اجتماع ی؛ ۶. یکنواخت کردن فرهنگی دنی ا؛ ۷. ترویج عناصر فرهنگ بیگانه از طریق جاذبه های توی د رسانه ای (ماهواره، اینترنت، سی نما و مانند آن)؛ ۸. وابستگی اقتصادی و گسترش بازار مصرف؛ ۹. گسترش فرآیندهای فردگراییانه (به انزوا کشاندن افراد و کمرنگ کردن مشارکت اجتماعی)؛ ۱۰. کنترل شد ید و جاسوسی گسترده؛ ۱۱. ایجاد نابرابری افزون تر و بحرانهای اجتماعی و فرهنگ ی و از خودبیگانگی فردی و...<sup>۱</sup> افزون بر آنچه بیان شد، آسیبهای فرهنگی و اجتماعی دیگری نیز در فضای مجازی مشاهده می شود که به چند نمونه از آنها اشاره می کنیم:

#### ۱. عادی سازی گناه

یکی از خطرات مهم در جامعه این است که گناه و کار زشت عادی شد ه، از حالت قبیح به کاری عادی یا خوب و پسندیده

۱. مجله معارف، مقاله «استعمار فرانو»، غلامحسین زارعی نژاد، آبان ۱۳۸۷ش، شماره ۶۶.

در آید. این خطر همان استحالة فرهنگی است که دشمنان می کوشند تا با شوی و ههای گوناگون، فرهنگ آن جامعه را مورد هجوم قرار دهند و با تغییری ر آن فرهنگ، فرهنگ دلخواه خود را جایگزین آن کنند. در نتیجه این عمل، مردم بی هویت شده، فرهنگی وارداتی و جایگزین را خواهند پذیرفت.

## ۲. رواج شایعات

از بلاهای بزرگی که دامنگیر جوامع مختلف شده و روح اجتماعی، تفاهم و همکاری عمومی را با مشکل مواجه ساخته، مسئله شایعه سازی و نشر آن است. گاه یک نفر، مطلب نادرستی جعل می کند و آن را به چند نفر بازگو کرده، پس از آن، برخی افراد بدون تحقیق در درستی یا نادرستی آن، در نشرش می کوشند، و برخی نیز شاخ و برگها یی بر آن می افزایند. گاه برخی از این شایعات چنان در جامعه گسترش می یابند که مقدار قابل توجهی از نیرو، فکر و وقت مردم را مشغول ساخته، در مردم اضطراب و نگرانی ایجاد می کند. بسیاری از این شایعات،

اعتماد عمومی را متزلزل ساخته، افراد جامعه را در انجام کارهای لازم، سست و مردد می سازد.

به دیگر سخن، هنگامی که دشمن قادر نیست و یا امکانش را ندارد که از طریق رویارویی با حریف به او صدمه ای وارد کند، دست به پخش شایعات می زند تا از این طریق، افکار عمومی را نگران و به خود مشغول سازد و از مسائل ضروری و حساس منحرف می کند. جعل و پخش شایعات نگران کننده، یکی از مهم ترین شاخه های جنگ روانی توطئه گران است تا با ایجاد جوئی کاذب، و فریب مردم ناآگاه، آنها را گمراه و با خود همسو سازند و سرمایه های فکری و عقیدتی آنها را به تاراج برند.

دشمن برای رسیدن به مقاصد شوم خود برای همگان، از مردم عادی گرفته تا مقامات بلندپایه سیاسی و مذهبی، و حتی مراجع بزرگوار تقلید، شایعه می سازد تا در فضایی مسموم، به نفع خود بهره برداری کند. در این میان، نقش افراد جامعه اسلامی در

جلوگیری از گسترش شایعات بس یار مؤثر است، خصوصاً در فضاهای مجازی که به جهت سهل الوصول بودن و سرعت پخش، آسیبها و خطرات بزرگی را به همراه دارد.

قرآن کریم می فرماید: [يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَيَّ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ]؛<sup>۱</sup> «ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر فاسقی خبری برای شما بیاورد، درباره آن تحقیق کنید، مبادا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید!»

اگر مسلمانان به همین دستور الهی عمل کنند و خبرها را بدون تحقیق در برنامه های ارتباطی (اپراتورهای مجازی صهیونیستی)، سایتها و وبلاگها پخش نکنند، از خطرات و بلاهای بزرگ آن مصون خواهند ماند.

### ۳. اشاعه فحشا

نگاه به تصاویر و فیلمهای مهیج و غیراخلاقی در شبکه های مجازی، آسیبهای فوق العاده ای را به نظام

خانواده و اجتماع می زند؛ اما امکان ارسال و پخش آنها با اپراتورهای نسل سوم و چهارم تلفن همراه، مصداق بارز اشاعه فحشا و منکر در جامعه است

تعالیم اسلامی همگان را موظف بر پنهان کردن گناه و جلوگیری از نشر آن نموده است. امام رضا (ع) می فرماید: «وَالْمُذِيعُ بِالسَّيِّئَةِ مَخْذُولٌ وَالْمُسْتَتِرُ بِالسَّيِّئَةِ مَغْفُورٌ لَهُ»؛<sup>۲</sup> آن کس که گناه را نشر دهد، مخدول و مطرود است و آن کس که گناه را پنهان دارد، مشمول آمرزش الهی می شود.» اصولاً گناه همانند آتش است؛ هنگامی که آتشی در نقطه ای از جامعه روشن می شود، می توان آن را خاموش و مهار کرد؛ اما اگر به آتش دامن زده شود تا به نق اط دیگر سرایت کند، دیگر کسی قادر بر کنترل آن نخواهد بود. اشاعه فحشا و منکر، عظمت گناه را - که در نظر بیش تر مردم سد بزرگی در برابر ارتکاب فساد است - می شکند و قبح گناه را شکسته، آلودگی به آن را ساده می نمایاند.<sup>۳</sup>

۲. الکافی، ج ۲، ص ۴۲۸.  
۳. تفسیر نمونه، ناصر مکارم

۱. حجرات / ۶.

قرآن کریم نه تنها درباره اشاعه دهندگان فحشا؛ بلکه در رابطه با کسانی که دوست دارند فحشا و منکر در جامعه نشر پیدا کند، هشدار داده، می

فرماید: [إِنَّ الَّذِينَ يُجِبُونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ]؛<sup>۱</sup> «برای

کسانی که دوست دارند زشتیها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی در دنیا و آخرت است و خداوند می داند و شما نمی دانید!»

خلاصه آنکه افراد مؤمن و عاقل از مشاهده فیلمها و تصاویر ضد اخلاقی و همچنین پخش آنها دوری می کنند و به اطرافیان نیز یادآور می شوند که این چیزها علاوه بر عواقب دنیوی و اخروی، نمودی از اشاعه فحشاست. رسول خدا (ص) می فرماید: «مَنْ

أَذَاعَ فَاْحِشَةً كَانَ كَمُبْتَدِئِهَا؛<sup>۲</sup> کسی که کار زشتی را نشر دهد، همانند کسی است که آن

را در آغاز انجام داده است.»

۴. **تزلزل در بنیان خانواده**  
از آنجایی که دشمنان پی برده اند که خانواده در پی ریزی شخصیت افراد جامعه نقش مهم و اساسی دارد، یکی از مهم ترین برنامه های خود را تزلزل در بنیان خانواده و انحراف اعضای آن قرار داده است. آنان به این مهم پی برده اند که تنها راه اسلام ستیزی و دوری جوانان از دین، تزلزل در بنیان خانواده و انحراف آنان است. خانواده ای که اساس و بنیان آن؛ یعنی پدر و مادر، دچار «بحران ارزشها» شوند و در روابط خود خدا را فراموش کنند، نه تنها خود؛ بلکه فرزندان خود را نیز دچار بحران می کنند و با دست خود کانون خانواده خویش را به سوی تزلزل و نابودی سوق می دهند.  
دشمنان نیز با

تجهیز شبکه های ماهواره ای، اینترنتی و... نهایت تلاش خویش را برای سست شدن باورهای مذهبی و اصول اخلاقی و فقدان معنویت به کار برده اند. متأسفانه، امروزه فضای

شیرازی و همکاران، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۴، صص ۴۰۵ - ۴۰۶.  
۱. نور / ۱۹۹.  
۲. الکافی، ج ۲، ص ۳۵۶.



مجازي مانند : چتهای خصوصی، شب که های اجتماعي، بازیهاي رایانه اي و... به این قبج زدایی دامن مي زنند و به این وسیله چنان ارتباط با جنس مخالف عادي و طبیعی جلوه داده مي شود که ارتباط پیامکي و یا در محدوده فضاي مجازي، به ارتباطات فضاي حقيقي کشیده مي شود و به راحتی روابط نامشروع شکل می گیرد و مردان و زنان را به هرزگي و تنوع طلبی وا مي دارد. در آخرین محصول شرکت «راک استار» در سري بازی gta، شخصیت اصلي داستان به نام «مایکل» دارای همسر و دو فرزند است. در این خانواده پدر دزد، تبهکار، قاتل، زناکار، شراب خوار، قمارباز و... است. مادر خانواده با چندی ن مرد ارتباط غیراخلاقي دارد. دختر خانواده در فیلمهاي مبتذل و مستهجن بازی مي کند و یا به صورت مختلط و زننده در جاهاي خاص می رقصد. پسر خانواده نیز همیشه مشغول بازیهاي رایانه اي است. وقتی پدر خانواده تصمیم می گیرد با

موارد پیش گفته مثل خیانت و ... مقابله کند، با مشکلات حادثري مواجه مي شود و در انتهاي بازی به این نتیجه مي رسد که باید افراد خانواده را به حال خود رها کند تا خودشان مسیر زندگی شان را انتخاب کنند و محدود کردن آزادیهاي ناشروع و برخورد با آن موارد، اتفاقات ناخوشایندی را رقم مي زند.

نتیجه این قبج زدایی و عادي سازی موارد غیر اخلاقی، پرونده های متعددي است که در دادگاه های خانواده ایجاد شده و در نهایت بیش تر آنها به طلاق منجر مي شود. در چنین خانواده هایی افراد نسبت به خانة خود حس مسئولیت پذیری که باید داشته باشند، ندارند. افراد خانواده به هر نحوي ميخواهند زمان کم تري را در خانه سپري کنند. بی آنه آجوى سرد و بیروح و سکوتی خالي از شور و نشاط حاکم است که آنها را از یکدیگر فراري ميدهد. بچه ها در این خانه هیچ حس امنیت و آرامشي ندارند و بیش تر تمایل دارند وقت

خود را بیرون از خانه  
و با دوستان خود  
بگذرانند یا به  
بازیهای رایانه ای  
مشغول باشند و از همه  
مهم تر آنکه، جامعه  
نامن آمادۀ پذیرش  
اینگونه افراد است و  
آسیب چنین خانواده  
هایی، جامعه را نیز در  
برمی گیرد.  
ادامه دارد...



## فلسفه پایبندی به اخلاق و مهرورزی از منظر اسلام

علی ملکوتی نیا

اخلاق؛ آیین چگونه زیستن  
 اخلاق از جمله مفاهیمی است که تاریخ آن با آفرینش انسان همزاد و همراه است؛ زیرا انسانیت انسان با اخلاق معنا پیدا می کند. بر همین اساس، فهم درست معنای آن در پیش برد مباحث، راهگشا خواهد بود.

در فرهنگهای لغت فارسی، اخلاق را به «طبیعت باطنی»، «سرشت درونی» و «خوش رفتاری» معنا کرده اند.<sup>۱</sup> در فرهنگهای لغت عربی نیز اخلاق از ماده (خ ل ق)، جمع خُلُق و مترادف خُلُق می باشد، به معنای «سجایا و منشهای پائیدار درونی» است.<sup>۲</sup>

از سؤالهای همیشگی انسان و پرسش برخی از جوانان امروز این است که چرا باید به قواعد اخلاقی پایبند بود؟ چرا باید کار خوب انجام داد و کار بد را ترک کرد؟ به عبارت دیگر، فلسفه الزام اخلاقی چیست؟ در این مجال با بررسی آیات و روایات در پی ارائه پاسخی شایسته به سؤالات یادشده خواهیم بود و در نگاهی اجمالی با ارائه چهار دلیل، ضرورت اخلاقی بودن را در ساحتهاى مختلف زندگی بازگو می کنیم. برای دستیابی به فلسفه پایبندی به اخلاق و مهرورزی، سخن را با شناخت معنای واژه

«اخلاق» و مفهوم

«کارهای اخلاقی و

غیراخلاقی» آغاز می

کنیم تا تصویر روشنی

از اخلاق در نظرمان

۱. لغت نامه، دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ ش، ج ۱، ص ۱۵۴؛ فرهنگ فارسی معین، محمد معین، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۵ ش، ج ۱، ص ۱۷۴.  
 ۲. المفردات فی الفاظ القرآن الکریم، حسین بن محمد راغب اصفهانی، نشر مرتضوی، تهران،

در اصطلاح علمای فن، مفهوم اخلاق برگرفته از همان معنای لغوی است. از دیدگاه آنان؛ خُلق، بلکه ای نفسانی است که موجب صدور فعل به آسانی و بدون نیاز به تفکر می شود.<sup>۱</sup> از این رو، شهید مطهری ( اخلاق را چنین تعریف می کند: «فرایندی است که منجر به ایجاد عادت و طبیعت ثانوی و یا ملکاتی می شود که با اختیار و تلاش پی گیر در روح بشر به وجود می آید.»<sup>۲</sup> یکی دیگر از معانی اصطلاحی اخلاق، تعریف آن به «مجموعه قوانین و قواعدی است که در عمل به کار می آید.» موریس مترلینگ - دانشمند و نویسنده بلژیکی - می نویسد: «اخلاق عبارت است از مجموع قواعدی که باید هادی اعمال شخص باشد تا جامعه بتواند به خوبی زندگی کند.»<sup>۳</sup>

بنا بر آنچه گذشت، می توان اخلاق را به دو صورت معنا و تعریف کرد:

۱. اخلاق را ناظر به فاعل تعریف کرد که در این صورت، فضایل اخلاقی بر اساس ملکات نفس، توجیه و تبیین می شود و از آن به «چگونه بودن» تعبیر می کنیم.

۲. اخلاق را ناظر به فعل تعریف کنیم که در این صورت، اخلاق به رفتارهای انسان مربوط می شود، نه به سجایا و خصلتهای درونی او. در نتیجه اخلاق، مجموعه قوانین رفتاری یا اصول و قواعدی است که در زندگی اجتماعی انسان به کار می آید. به عبارت دیگر: «اخلاق، علم چگونه زیستن است» که می خواهد انسان بداند زندگی پاکیزه و زیبا برای او کدام است و آدیان چگونه باید عمل کنند تا به سعادت دست یابند؟

از نگاه آموزه های اسلام، اخلاق مفهومی جامع دارد، لذا در تعریف آن می توان گفت: «اخلاق؛ آیین چگونه بودن و چگونه زیستن است»؛ چراکه در ادبیات آیات و روایات از حُسن

۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۲۹۷.

۱. نرم افزار معارف دانشگاه (۵)؛ اخلاق اسلامی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، قم؛ به نقل از: اخلاق ناصری، نصیرالدین طوسی، انتشارات علمیه، تهران، ۱۳۴۹ ش، ص ۵؛ الحقایق، ملامحسن فیض کاشانی، کتابفروشی اسلامیه، تهران، ۱۳۷۸ ش، ص ۵۴؛ احیاء علوم الدین، محمد غزالی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ دوم، بی تا، ج ۳، ص ۵۳ و...

۲. فلسفه اخلاق، مرتضی مطهری، نشر صدرا، قم، چاپ هفدهم، مرداد ۱۳۷۶ش، ص ۱۷.

۳. منطق نظری، منطق عملی،

اخلاق، ابوالقاسم هاشمی، بی جا، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۳۰۹.

فعلی و فاع لی، سخن بسیار گفته شده که عمل صالح و نیّت شایسته مصداق آن است.

اخلاق؛ مجموعه اصول حاکم بر رفتار انسانی و پاسداری از این روابط است که افراد جامعه در سایه آن با تنظیم مناسبات و تعامل با یکدیگر به رشد و کمال فردی و جمعی دست می یابند؛ چراکه در فرهنگ قرآن کریم، کاربردی ترین معنای اخلاق در محیط اجتماعی و فرهنگی جامعه شکل می یابد.

### کارهای اخلاقی و غیر اخلاقی

کارهای انسان در گاهی کلی به دو دسته اخلاقی و غیر اخلاقی تقسیم می شود. کارهای اخلاقی به آن دسته از کارها گفته می شود که در نظر انسان ارزشمند، مقدّس، گرانمایه و تحسین برانگیز است. مانند: گفتن سخن حق در برابر حاکم ستمگر، پذیرش مرگ و تسلیم نشدن در مقابل دشمن.

افعال غیر اخلاقی کارهایی هستند که از چنین قداست و ارزشمندی بی بهره اند. مانند: فروتنی نیازمندان در برابر ثروتمندان متکبر و دروغگویی برای کسب منافع بیش تر، پس

افعال اخلاقی، ارزشی معنوی و برتر از ارزشهای مادی دارد و هر انسانی آن را می ستاید و انسان خوب و اخلاقی کسی است که کارهای اخلاقی انجام می دهد و انسان بد کسی است که کارهای غیر اخلاقی مرتکب می شود. پس اخلاق و مسائل آن؛ مجموعه دستورهایی است که درباره چگونگی بودن انسان از نظر صفات روحی و خصلتهای معنوی (و رفتارهای مناسب) در تعاملات انسان با خدا، خود و دیگران باشد.

### دلایل چهارگانه ضرورت پایبندی به اخلاق

اکنون سؤال جدی این است که: چرا باید آدمی در تعاملات خود، اخلاقی باشد و اصول اخلاقی را رعایت کند؟ چه کسی یا چه چیزی ما را به اخلاقی بودن وادار می نماید؟ اگر به قوانین اخلاقی پایبند نباشیم، چه رخ می دهد؟ برای دستیابی به پاسخ درست، از دلایل چهارگانه ای کمک گرفته ایم که در ادامه به آنها اشاره می کنیم:

۱. ر.ک: آشنایی با علوم اسلامی، مرتضی مطهری، نشر صدرا، قم، ۱۳۷۴ ش، صص ۱۰ - ۹.

۱. مسئولیت پذیری انسان  
 برای تبیین این  
 دلیل، به ای ن مثال  
 ساده توجه کنی د:  
 فرض کنید هنگام عصر  
 به خانه برمی گردید،  
 ناگهان می بینید که  
 شاخه گل زیبای باغچه  
 شکسته شده است. اگر به  
 شما بگویند برادر کوچک  
 شما بر اثر بی احتیاطی  
 آن را شکسته است، چه  
 قضاوتی خواهید داشت؟  
 حال اگر گفته شود گربه  
 ای آن را شکسته است،  
 چه واکنشی نشان خواهی د  
 داد؟ بی گمان واکنش  
 شما در برابر این دو  
 پاسخ، متفاوت است. در  
 مورد اول، برادر خود  
 را مسئول شکسته شدن  
 شاخه گل خواهید دانست،  
 در حالی که در مورد  
 دوم هیچ گونه مسئولیتی  
 را متوجه گربه نخواهید  
 نمود. این امر حاکی از  
 آن است که از نظر شما  
 یکی از تفاوت های مهم  
 انسان ب ا دیگر  
 مخلوقات، مسئولیت  
 پذیری اوست.  
 به عبارت دیگر،  
 هنگامی که فردی عملی  
 انجام می دهد و یا در  
 انجام آن قصور می کند،  
 نوعی از واکنش (ستایش  
 یا سرزنش) را برای خود  
 طلب کرده است. مثلاً اگر  
 فردی در صحنه تصادف،  
 کودکی را از ماشین آتش

گرفته نجات دهد،  
 سزاوار ستایش است و  
 اگر فردی دیگر در همان  
 زمان به جای نجات  
 کودک، به تماشای حادثه  
 نشسته یا با تلفن  
 همراه خود فقط به فیلم  
 برداری مشغول باشد،  
 سزاوار سرزنش است. این  
 دو نوع واکنش و قضاوت  
 نشان از وجود مسئولیت  
 اخلاقی انسانهاست.  
 به این جهت،  
 «مسئولیت» یکی از مهم  
 ترین و تأثیرگذارترین  
 مسائل فلسفی، دینی،  
 اخلاقی و حقوقی است که  
 از دوران یونان باستان  
 تا روزگار حاضر مورد  
 توجه فیلسوفان اخلاق گرا  
 بوده است. مفهوم  
 مسئولیت به معنای مورد  
 سؤال یا بازخواست قرار  
 گرفتن انسان در برابر  
 وظایف و اعمالی است که  
 بر عهده دارد<sup>۱</sup> که لازمه  
 آن، آگاهی و وجود وظیفه  
 و تکلیف است که هم  
 مربوط به گذشته بوده و  
 هم با آینده ارتباط  
 دارد.  
 داشتن مسئولیت نسبت  
 به آینده؛ یعنی داشتن  
 نوعی وظیفه یا الزام  
 که تحقق خارجی آن چیز  
 را تضمین کند. وقتی  
 گفته می شود: «ناجی

۱. فلسفه اخلاق با تکیه بر  
 مباحث تربیتی، امیر خواس و  
 دیگران، نشر معارف، قم، چاپ  
 دوم، پاییز ۱۳۸۶ش، ص ۱۱۰.

غریق، مسئول سلامتی شناگران است. «اغلب بیانگر مسئولیت مربوط به آینده است؛ یعنی آنچه که ناجی غریق مسئول آن است، هنوز تحقق نیافته و امکان وقوع در آینده را دارد؛ اما وقتی می گویند: «ناجی غریق، مسئول مرگ فلان شناگر است.» معمولاً بیانگر مسئولیتی مربوط به گذشته است؛ زیرا مرگ شناکننده، چیزی است که اتفاق افتاده و مسئولیت ناجی غریق در این باره به دلیل آن است که وظیفه اش را به درستی انجام نداده. بنابراین، مسئولیت مربوط به گذشته درباره کارهایی است که شخص انجام داده یا از آنها سرپیچی نموده است؛ ولی مسئولیت مربوط به آینده درباره وظایفی است که شخص در آینده باید انجام دهد. پس می توان گفت: از آنجا که مسئولیت، دو مرحله «خواست» و «بازخواست» دارد، به دو مرحله تقسیم می شود: مرحله «خواست» به مسئولیت نسبت به آینده مربوط است و مرحله «بازخواست» مربوط به مسئولیت نسبت به

گذشته.<sup>۱</sup> در نظام اخلاقی اسلام و اصول انسان شناختی، اصل مسئولیت از جایگاه ممتازی برخوردار است و این مسئول بودن در برابر خداوند، خود، دیگران و سایر موجودات مطرح گردیده است. به اعتقاد برخی از اندیشمندان اسلامی، انسان کسی است که درد خدا را داشته باشد تا درد انسانهای دیگر (مسئولیت) را نیز داشته باشد. در این صورت است که درد آفریدگان خدا را داشتن، معیار انسانیت و به عبارتی، مادر دوم ارزشها شناخته شده است.<sup>۲</sup>

آیات بسیاری نشانگر مسئول بودن انسان است، از جمله:

۱. [وَقَفَّوهُمْ] إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ؛<sup>۳</sup> «و بازداشتشان نمایید که آنها مسئولند.» که اشاره به مسئولیت انسان در برابر خداوند متعال دارد.

۲. [وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ

۱. فلسفه اخلاق، محمدتقی مصباح یزدی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۹ش، صص ۲۵۶ - ۲۵۷.  
 ۲. مجموعه آثار، مرتضی مطهری، ج ۲۳ (انسان کامل)، نشر صدرا، قم، چاپ ششم، تیرماه ۱۳۸۹ش، صص ۱۴۹ - ۱۴۲.  
 ۳. صافات / ۲۳.

كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا: <sup>۱</sup> «از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن؛ چراکه گوش و چشم و دل، همگی مسئولند.» که مسئولیت آدمی در قبال خود را بیان می‌کند.

۳. [يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ] <sup>۲</sup> «ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگهاست، نگهدارید! آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی کنند و آنچه را فرمان داده شده اند (به طور کامل) اجرا می نمایند.»

از این رو، در نظام اسلامی تمام اعضای جامعه باید بر رفتار خود، خانواده و اجتماع نظارت داشته باشند؛ زیرا آنها وظایفی به عهده شان گذارده شده است. مانند: لزوم ارشاد مردم و دعوت انسانها به انجام کارهای خیر، توصیه یکدیگر به حق و امر به معروف و نهی از منکر و

نه ی از اینکه با بی تفاوتی از کنار گناه دیگران بگذرد.

علاوه بر مواردی که گفته شد، آدمی حتی در برابر زمین، کوه ها، دریاها و حیوانات نیز مسئولیت دارد،

همانگونه که حضرت علی (ع) فرمود: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ؛ <sup>۳</sup> از خدا پروا کنید درباره حقوق بندگان و سرزمینهای [ممتاز] او؛ چراکه شما حتی از زمینها و حیوانات نیز بازخواست می شوید.»

خلاصه آنکه فرد باید در برابر تمام کارهایش پاسخگو باشد و مسئولیت تصمیمها و پیامدهای آن را بپذیرد و به خوشنامی و درستکاری در کارش اهمیت دهد و برای ادای تمام مسئولیتهای خویش کوشا باشد و مسئولیتی را که به عهده می‌گیرد، با تمام توان و خلوص نیت به انجام برساند.

۲. اختیار و انتخاب آگاهانه انسان

لازمة مسئولیت، برخوردارى از اختیار و نتیجه آگاهی، انتخاب هوشیارانه و آزادانه

۳. نهج البلاغة، ترجمه محمد دشتی، نشر محدث، قم، چاپ اول، ۱۳۹۰ش، خ ۱۶۷، ص ۲۲۸.

۱. اسراء / ۳۶.  
۲. تحریم / ۶.



است. اختیار در لغت به معنای برگزیدن، پسندیدن، در کار یا امری، آزادی و تسلط داشتن است، و در اصطلاح، حالت یا صفتی است در انسان که به سبب آن برخی کارها را بر کارهای دیگر ترجیح می دهد.<sup>۱</sup>

تمام نظامهای اخلاقی، به خصوص مکتب اسلام، مختار بودن انسان را به عنوان یک اصل موضوعی پذیرفته اند و غالباً معتقدند تکاملی که برای روح آدمی حاصل می شود، در اثر افعال اختیاری اوست. از نگاه قرآن کریم نیز اختیار انسان اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا از یک سو آمدن پیامبران و نزول کتابهای آسمانی بی آنکه انسان مختار باشد، کاری بیهوده خواهد بود و از سوی دیگر، اگر شکلی از جبرگرایی در انسان ظهور پیدا کند و معتقد شود در کارهایش اختیاری از خود ندارد و محکوم عوامل جبری بیرونی است، طبعاً در تلاشهایش سست می گردد و احساس مسئولیت از وی

۲. سلب خواهد شد بنابراین، از آنجا که انسان از نعمت اختیار و انتخاب برخوردار است، می بایست در مقابل آثار و نتایج تصمیمها و کارهای خود پاسخگو باشد.

۳. هدفدار بودن کارهای انسان

بی تردید ممکن نیست که انسان، هیچ خواسته، هدف و آرزویی نداشته باشد؛ چون آزاد و مطلق زندگی کردن، گذشته از اینکه امری ناممکن و محال است، با خروج از انسانیت نیز مساوی است.<sup>۳</sup> با این توصیف، انسان مسئول مختار همواره در فعالیتهای اختیاری خود هدفی را در نظر می گیرد و کارهای خود را برای رسیدن به آن انجام می دهد. هدف مورد نظر را «علت غایی» گویند که در میان علل چهارگانه، در به وجود آمدن معلول، نقش اساسی دارد.

گاهی هدفی که از یک کار در نظر داریم، مقدمه ای برای چیز دیگری است و آن دیگر

۱. فرهنگ فارسی عمید، حسن عمید، نشر جاویدان، تهران، ۱۳۴۶ ش.

۲. اخلاق در قرآن، محمدتقی مصباح یزدی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)، چاپ سوم، زمس تان ۱۳۸۹ ش، ج ۱، ص ۲۵.

۳. خدا در زندگی انسان، مرتضی مطهری، نشر صدرا، قم، چاپ دوم، اردیبهشت ۱۳۹۳ ش، ص ۱۹۶.

نیز به نوبه خود مقدمه باشد برای تحصیل هدف سوم و...؛ ولی سرانجام در کار ما یک نقطه نهایی وجود دارد که توجه ما در انجام کار به سوی آن نقطه خواهد بود و آن را هدف نهایی می نامیم . به عنوان مثال : کارگری که به دنبال کار می رود، هدف او گرفتن مزد است؛ ولی معمولاً گرفتن مزد هدف نهایی او نیست و مزد را برای فراهم آوردن غذا می گیرد، چنانچه غذا را نیز به نوبه خود برای خوردن و عمل خوردن را به منظور سیر شدن انجام می دهد. گاه می شود که تلاش مزبور به اینجا خاتمه می یابد و دیگر شخص، فوق آن، هدفی را دنبال نمی کند . در این صورت، «سیر شدن» هدف نهایی شخص نامبرده خواهد بود و چنین شخصی مصداق روشن این آیه شریفه خواهد بود: **[يَاكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَ النَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ]**؛<sup>۱</sup> «[کسانی که کفر ورزیده اند، از لذایذ دنیا بهره مند می شوند و] می خورند همان گونه که چهارپایان می خورند (خوردن و تنعم را هدف اصلی زندگی می بینند)

و [سرانجام] آتش جایگاه آنهاست .» ولی انسانهای بزرگ که همگی عالی دارند ، اهداف بزرگ تری دارند . بندگان خاص خدا و افراد مؤمن و باتقوا ، خوردن غذا را به منظور کسب نیرو برای پرستش خدا و خدمت به خلق خدا انجام می دهند . برای چنین انسانهایی سیرشدن هدف نهایی نیست؛ بلکه مقدمه ای برای دستیابی به هدف نهایی بزرگی است که در نظر دارند.

**هدف نهایی زندگی انسان**  
در بینش الهی، زندگی انسان د ارای دو مرحله دنیا و آخرت است . زندگی دنیوی انسان نسبت به زندگی اخروی وی ، خُكْم چشم به هم زدن را دارد که با آن قابل مقایسه نیست . بنابراین ، اگر تمام دنیای انسان همراه با آلام و پُر از درد و رنج باشد ، باز هم در مقایسه با لذتهای پایدار و ابدی جهان دیگر ، چیزی به حساب نمی آید و هرگاه بتواند در مقابل آلام دنیوی، آخرت را به کف آورد، سعادت مند خواهد بود و برعکس ، اگر در زندگی دنیوی غرق لذت

۲. اخلاق در قرآن، محمدتقی مصباح یزدی، ص ۲۹۰.

باشد ؛ ولی به قیمت بدبختی و عذاب اخروی او تمام شود ، به هیچ وجه نمی توان وی را سعادت‌مند نامید ، مگر به طور کلی آخرت و زندگی ابدی را فراموش کنیم . مردم دنیا به دو دسته تقسیم می شوند : سعادت‌مند و شقی . سعادت‌مند کسی است که بالنسبه از لذت بیش تری برخوردار باشد و شقی کسی که رنجش در دنیا بیش تر از لذت ش باشد.<sup>۱</sup>

قرآن کریم می فرماید: [قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى]؛<sup>۲</sup> «حقاً که رستگار شد ، کسی که خود را (از عقاید فاسد و رذایل اخلاق و عملهای زشت ) پاک کرد [و رشد بخشید].» آری، تزکیه و تهذیب نفس (اخلاق) برای رسیدن انسان به رستگاری تنها راه منحصر به فرد است، چنانکه در آیات دیگری به عنوان نتیجه عبادات و غایت کارهای شایسته انسان مطرح شده است.<sup>۳</sup> در مواردی که خداوند مردم را به تقوا و ذکر خدا و همچنین اجتناب از

معاصی امر و ترغیب می کند، ب ا استفاده از جمله [لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ]؛ بیان می کند که به انسان می آموزد برای رسیدن به آن باید این کارهای خوب را انجام دهد و کارهای زشت را ترك کند، پس انسانیت انسان به مسئولیت پذیری اوست و لازمة پذیرش مسئولیت، برخورداری از آگاهی، اختیار و انتخاب است که این مهم برای انسان فراهم شده و انسان مسئول مختار نیز همواره در فعالیت‌های اختیاری خود هدفی را در نظر می گیرد و کارهای خود را برای رسیدن به آن هدف تنظیم می کند و در بینش اسلامی این هدف همان فلاح و سعادت ابدی است که موجب خیر و شادی همیشگی در دنیا و آخرت می شود و آدمی باید برای رسیدن به آن هدف نهایی، کارهای خوب را انجام دهد و اعم ال زشت را ترك کند و این راه روشن چیزی جز «اخلاق حسنه» نیست.

۴. ثمرات اخلاق در زندگی انسان

دلیل چهارم آن است که اخلاق در سطوح سه گانه خود، ثمرات و

۱. همان، صص ۲۳ - ۲۲

۲. اعلیٰ / ۱۴.

۳. جمعه / ۱۰ و آل عمران / ۱۳۰.

۴. همان.

نتایجی را به دنبال دارد که توجه به آنها ضرورت پایبندی به قوانین اخلاقی را به اثبات می رساند. این سطوح سه گانه عبارتند از:

**الف) سلامت زندگی فردی**  
 اخلاق در «سه سطح»<sup>۱</sup> ثمرات و برکاتی را بر جای می گذارد؛ نخست در سطح فردی به انسان هماهنگی و آرامش درون می بخشد؛ چراکه اخلاق در این سطح به ما می آموزد بهترین شیوه سالم زیستن چیست؟ به ما رذیلتها را می شناساند و راه دوری از آنها را نیز نشان می دهد؛ فضایل را معرفی نموده و راه به دست آوردن آنها را معین می سازد و در نهایت بهداشت فردی و سلامت روان ما را تضمین می نماید. به عنوان نمونه: گرفتاری در دام پُرخوری و لذت طلبی از جمله عوامل بیماریهای جسمی و روانی است که پیامدهای زیادی به دنبال دارد.

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «لَا تُمَيِّنُوا الْقُلُوبَ بِكَثْرَةِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ فَإِنَّ الْقُلُوبَ تَمُوتُ كَالزَّرْوَعِ إِذَا كَثُرَ عَلَيْهَا

**الماء؛**<sup>۲</sup> قلبها را با بسیار خوردن و آشامیدن نمیرانید؛ زیرا قلبها می میرند، همانند کشتزاری که چون آب زیادی به آن داده شود، می میرد.»

همچنین امام صادق (ع) در خصوص آثار نامطلوب پُرخوری می فرماید: «لَيْسَ شَيْءٌ أَضَرَّ لِقَلْبِ الْمُؤْمِنِ مِنْ كَثْرَةِ الْأَكْلِ وَ هِيَ مَوْرَثَةٌ لِشَيْنَيْنِ فَسْوَةَ الْقَلْبِ وَ هِيَ جَانِ الشَّهْوَةِ»<sup>۳</sup> برای قلب مؤمن، ضرر هیچ چیز بیش تر از پُرخوری نیست؛ چرا که دو چیز در پی دارد: قساوت قلب و تحریک شهوت.»

بر این اساس، پرهیز از پُرخوری هم در بُعد سلامت جسم و هم در نورانیت دل تأثیر به سزا خواهد داشت که این مهم با رعایت رفتار اخلاقی انسان با خود در خوردن و آشامیدن حاصل می گردد. خودشناسی، عزت نفس، کنترل خواهشهای نفسانی، کنترل فکر و عواطف قلبی، از جمله اموری است که علاوه بر سلامت جسم، در سطح زندگی فردی از زمره برکات

۲. بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، ج ۶۳، ص ۳۳۱، ح ۰۷.  
 ۳. همان، ص ۲۲۷، ح ۰۳۳.

۱. دروغ، مصلحت آمیز، سید حسن اسلامی اردکانی، بوستان کتاب، قم، چاپ سوم، ۱۳۸۷ش، صص ۳۲ و ۳۳.

اخلاق اسلامی است.<sup>۱</sup>  
**ب) سلامت زندگی اجتماعی**  
 سطح دیگر از ثمرات پایبندی به اخلاق اسلامی در زندگی آن است که اخلاق امکان زیست بهتر فرد را در جامعه فراهم می آورد و به او می آموزد که برای زندگی سالم در جامعه و داشتن مناسبات درست با دیگران چه باید کرد و چگونه باید بهداشت اجتماعی را تضمین نمود؟ از این رو، آموزه های اسلامی به رعایت اخلاق خویشاوندی، اخلاق همسایگی، اخلاق شهروندی، اخلاق رانندگی، اخلاق کسب و تجارت و سایر حوزه های اجتماعی دستور می دهد که پایبندی به آنها باعث بهبود روابط اجتماعی و بهداشت عمومی می شود.

مثلاً پیامبر اسلام (ص) درباره اخلاق همسایگی می فرماید: «أَتَدْرُونَ مَا حَقَّ الْجَارِ؟ قَالُوا: لَا، قَالَ: إِنْ اسْتَعَاثَكَ أَغْنَتْهُ وَإِنْ اسْتَفْرَضَكَ أَفْرَضَهُ وَإِنْ افْتَقَرَ عَدْتِ إِلَيْهِ»<sup>۲</sup>  
 آیا می دانید حق همسایه چیست؟ گفتند: نه. فرمود: حق همسایه

آن است که اگر از تو یاری خو است، به فریادش برس! و اگر از تو قرض خواست، به او قرض بده! و اگر نیازمند شد، نیازش را برطرف ساز!»

در نظام همسایگی و زندگی شهری، به ویژه آپارتمان نشینی، می توان مصداقهای فراوانی از این نوع نیازمندیها یافت؛ چون این نوع زندگی، محل ظهور مشکلات و ضرورت یاری متقابل به یکدیگر است. کمک در ساخت و ساز، برگزاری مراسم آیینی، اسباب کشی، دادن وسایل مورد نیاز، واسطه گری در حل مشکلات خانوادگی، پرداخت وام و ... از نمونه های همکاری و یاری رسانی به همسایگان می باشد که عنایت به این تکلیف اخلاقی موجب افزایش صفا و صمیمیت در میان اهالی محله گشته، نتیجه اش بهداشت روحی و سلامت عمومی خواهد بود.

**ج) شکوفایی استعداد های الهی انسان**

در سطح سوم - که عالی ترین سطح اخلاق است و در حقیقت آن دو سطح قبلی مقدمه این سطح به شمار می روند - فرد می آموزد تا چگونه

۱. ر.ک: رفتار اخلاقی انسان با خود، محمدتقی سبحانی نیا، دارالحدیث، قم، چاپ اول، ۱۳۹۲ ش.  
 ۲. بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۹۳، ح ۴۶.

استعدادهای خود را شکوفا سازد و از چه راهی برای رسیدن به کمالات نهایی خویش اقدام کند؟ به عنوان نمونه: طبیعت انسان در مقابل ظلم دیگران، فقط انتقام جویی است؛ در حالی که دستور اخلاقی اسلام در اغل ب مواقع، گذشت و چشم پوشی از خطای دیگران است.

در قرآن کریم «بخشودن لغزشهای

مردم»، از جمله ویژگیهای افراد باتقوا به شمار آمده<sup>۱</sup> و خود خداوند متعال پاداش آن را بر عهده گرفته و

فرموده است: [فَمَنْ عَفَا وَ

أَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ

الظَّالِمِينَ]؛<sup>۲</sup> «و هر کس عفو

و اصلاح کند، پاداش او با خداست. قطعاً خداوند ظالمان را دوست ندارد!»

امام صادق (ع) نیز

بخشش و تحمل ستم را

یکی از خصلتهای

ارزشمند معرفی نموده

است و می فرماید: «ثَلَاثٌ

مِنْ مَكَارِمِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: تَعْفُو

عَمَّنْ ظَلَمَكَ، وَ تَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ، وَ

تَحْلُمُ إِذَا جَهِلَ عَلَيْكَ؛<sup>۳</sup> سه

چیز از خصلتهای ارزشمند دنیا و آخرت است: بخشودن کسی که به تو ستم کرده، پیوستن به کسی که از تو بریده و بردباری، هرگاه نسبت به تو رفتار جاهلانه ای شود.»

پیامبر اکرم (ص)

درباره ارزش عفو و

ثمرات آن می فرماید:

«تَجَاوَزُوا عَنِ عَثْرَاتِ الْخَاطِئِينَ

يَقِيكُمْ اللَّهُ بِذَلِكَ سُوءَ الْأَقْدَارِ؛<sup>۴</sup> از

لغزشهای خطاکاران در

گذرید تا بدین سبب

خداوند شما را از

مقدرات ناگوار

نگهدارد.»

در نتیجه عفو و

گذشت، نردبان عزت و

سرافرازی و بهترین روش

تعامل در عرصه های

اجتماعی، به خصوص در

زندگی شهری است؛ چون

نوع زندگی در شهرها

شرایط بسیار حساسی

دارد و به گونه ای است

که خواه ناخواه مشکلاتی

را برای همسایگان

ایجاد می کند؛ سر و

صداها، رفت و آمدها،

میهمانیهای دیر وقت و

رعایت نکردن قوانین

مکانهای عمومی و... از

این موارد است که

شه روند شایسته و

۱. [وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَ الْعَافِينَ

عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ].

ال عمران/ ۱۳۴.

۲. شوری/ ۴۰.

۳. کافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالحدیث، قم، چاپ اول،

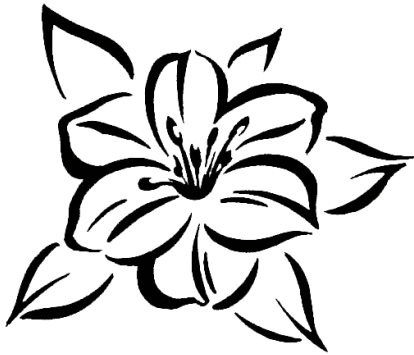
۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۲۷۸، ح ۱۷۹۰.

۴. حکمتنامه پیامبر اعظم، محمد

محمدی ری شهری، دارالحدیث، قم،

ج ۸، ص ۲۷۶، ح ۶۰۶۱.

راهبری فرمود و با پرورش شاگردانی همچون: ابوذر، سلمان، مقداد، عمار یاسر و ... ضرورت زندگی اخلاقی و فلسفه پایبندی به اخلاق اسلامی را بر جهانیان مع لوم کرد.



همسایه خوب با گذشت و برخورد مناسب می تواند آرامش را به خود و دیگران هدیه کند و راه کینه جویی، نفرت و دشمنی را برای همیشه ببندد.

بنابراین، هنگامی در جامعه اخلاق اسلامی رشد می کند که مردم اصول اخلاقی را محترم شمرند، پس جو اعتماد و زمینه توسعه ارتباطات اجتماعی فراهم می شود، کینه ها، دشمنیها و بداخلاقیها کاهش یابد و در نتیجه به گسترش صفا و معنویت، سلامت روان، شادکامی و رشد و بالندگی افراد جامعه می انجامد.

پیامبر گرامی اسلام (ص) که پیام آور محبت و رحمت بود، با برخورداری از برترین مکارم اخلاقی،<sup>۱</sup> تعریف درست از انسان و معرفی خداوند متعال به عنوان هدف متعالی،<sup>۲</sup> مردم عصر خود را در سطوح سه گانه اخلاق، راهنمایی و

۱. [وَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ]؛ «و قطعاً تو بر ملکه نفسانی بزرگی (که تمام اخلاق فاضله انسانی در آن جمع است) استواری. (قلم / ۴)

۲. [يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ]؛ «ای انسان! بی تردید تو به سوی (دیدار جمال و جلال و ثواب و عقاب) پروردگارت با تلاشی سخت (به سیر تکوینی و طبیعی) رهسپاری، پس او را دیدار خواهی کرد. (انشقاق / ۶).

# جایگاه عقل

## در اندیشه اسلامی و داعشی

۵

اداره کل فرق و ادیان - قادر سعادت

دیگر، گروه های تفریطی مانند اهل حدیث و سلفیون وهابی قرار دارند که قائل به حجیت حداقلی عقل در معارف دینی اند و بقیه فرق بین دو سر این طیف قرار می گیرند. این مقاله با بیان دیدگاه اسلام درباره حجیت عقل، به عقیده منحط گروه تکفیری داعش در این باره می پردازد.

### عقل در لغت و اصطلاح

عقل در لغت به معنای حفظ و نگهداری است<sup>۱</sup> و از «عقال البعیر»؛ یعنی ریسمانی که با آن پاهای شتر را می بندند، گرفته شده است. به پارچه ای که دور سر می بندند نیز عقال گفته می شود.<sup>۲</sup> قلعه را

عقل موهبتی خداوندی است که خداوند متعال به انسان عطا فرموده است. امام کاظم (ع) به «هشام بن حکم» فرمود: «یا هشام! إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ: حُجَّةً ظَاهِرَةً وَ حُجَّةً بَاطِنَةً؛ فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَيُّمَّةُ، وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ؛ هَمَانَا خداوند بر مردم دو نوع حجت دارد: یکی حجت ظاهر و دیگری حجت باطنی؛ اما حجت ظاهری، همان رسولان، انبیا و ائمه) هستند، و اما حجت باطنی، عقلهاست.»

دامنه حجیت عقل در معارف دینی، یکی از مسائل اختلافی میان فرق مسلمین است. اگر حجیت عقل را به صورت يك طيف در نظر بگیریم، در يك سر طيف گروه های افراطی مانند معتزله و جهمیه قرار دارند - که قائل به حجیت حداکثری عقل در معارف دینی می

۱. المفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی، حسین محمد، دار القلم، بیروت، ۱۴۱۲ق، ص ۳۴۲.  
۲. اقرب الموارد، شرتونی، مؤسسه نصر، تهران، بنها، ج ۲، ص ۸۱۶.



نیز معقل می گویند؛ زیرا پناهگاهی است که انسان را حفظ می کند. به هر چیز ارزشمندی که بر حفظ و نگهداری آن اهتمام می شود نیز عقیده گویند.<sup>۱</sup>

عقل در انسان، چیزی است که با آن تفکر و استدلال می کند و خوب را از بد تشخیص می دهد<sup>۲</sup> و با آن انسان از منحرف شدن از راه درست و نابودی حفظ می شود.<sup>۳</sup>

عقل به ادراک اختیاری که به انسان اختصاص دارد، در مقابل ادراک غریزی که مخصوص حیوانات است نیز تعریف شده است.<sup>۴</sup>

در اصطلاح نیز متکلمان و فیلسوفان معانی مختلفی را برای عقل بیان کرده اند. شیخ طوسی (به این نکته اشاره دارد که: «عقل عبارت از مجموع علوم است، آنگاه که جمع شود، عقل نامیده شود؛ مانند علم به وجوب واجبات... و حسن محسنات... و علم به قصد مخاطبین... که حصول علوم استدلالی ممکن

نیست، مگر به تقدم این علوم.»<sup>۵</sup>

علامه طباطبایی (عقل را در لغت به معنای عقد و امساک دانسته و در اصطلاح برای آن سه معنا بیان کرده است):

۱. عمل ادراک؛<sup>۶</sup>
۲. آنچه ادراک شده است؛
۳. قوه ادراکی انسان، که به واسطه آن انسان، خوب را از بد و حق را از باطل تشخیص می دهد.<sup>۷</sup>

علامه در جایی دیگر عقل را مبدأ تصدیقات کلی و احکام عمومی می داند که در انسان وجود دارد.<sup>۸</sup>

در هر صورت، برای عقل معانی بسیاری ذکر شده که به طور خلاصه عبارتند از:

۱. نفس ناطقة انسان؛
۲. حالات ادراکی نفس ناطقه که چهار گونه است: بالقوه، بالملکه، بالفعل، بالمستفاد؛
۳. قوه ادراک نظریات و بدیهیات؛
۴. قوه عمل کننده به خوبیها و اجتناب کننده از بدیها؛
۵. جوهر مجرد از

۵. رسائل العشر، شیخ طوسی، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، چاپ ۱۳۶۳ش، صص ۸۳-۸۴.

۶. تفسیر المیزان، سید محمدحسین طباطبایی، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۲۴۷.

۷. همان، ج ۱، ص ۴۸.

۱. المفردات، ص ۳۴۶.

۲. المعجم الوسیط، کتابفروشی اسلامیة، استانبول، بی تا، ج ۲، ص ۶۲۷.

۳. لسان العرب، محمد بن مکرم بن منظور، دار الصادر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۲۳۳.

۴. همان؛ معجم الوسیط، ج ۲، ص ۶۱۷.

ماده و ذات و فعل.<sup>۱</sup>  
**جایگاه عقل در اسلام**

در دین مبین اسلام، عقل از جایگاه والایی برخوردار است. قرآن در بیش از سیصد آیه افراد بشر را به تعقل و خردورزی دعوت کرده است و کسانی را که از عقل خود بهره نمی‌برند، به عنوان بدترین جنبنندگان نام برده است: [إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ]؛<sup>۳</sup> «بدترین جنبنندگان کسانی هستند که که کر و لال هستند و تعقل نمی‌کنند.»

در آیه ای دیگر، از کسانی که تعقل نمی‌کنند به عنوان کسانی یاد می‌کند که پلیدی بر آنها عارض شده است: [وَيَجْعَلُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ]؛<sup>۴</sup> «پلیدی را برای کسانی قرار می‌دهد که تعقل نمی‌کنند.»

قرآن کریم از یهود و نصارا می‌خواهد که اهل برهان باشند: [وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارًا تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ]؛<sup>۵</sup> «گفتند جز یهودی یا

نصرانی وارد بهشت نمی‌شود. این آرزوهای آنان است. بگو: برهان خود را بیاورید، اگر راست می‌گویید!»

و در مسائل اعتقادی از استدلال عقلی استفاده کرده است، چنان چه در اثبات یگانگی خدا فرموده

است: [لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا]؛<sup>۶</sup> «اگر در آسمان و زمین غیر از خدا، خدایان دیگری می‌بود، آن دو تباه می‌شدند.»<sup>۷</sup>

در روایات نیز بر عقل و تعقل تأکید ویژه ای شده است، گرچه در برخی از روایات عقل در برابر نقل تخطئه شده که مقصود از عقل در این روایات، قیاس فقهی و عقل ظنی است، نه عقل برهانی و اطمینان آور. در روایات نه تنها عقل برهانی تخطئه نشده؛

بلکه به عنوان حجت درونی در کنار حجت بیرونی مورد تأکید قرار گرفته است.<sup>۸</sup> عقل، یکی از عمده

ترین وسیله های معرفت بشری است که جایگاهش آن قدر مستحکم است که

۱. ر.ک: دروس کلام جدید؛ عقل و دین از دیدگاه قرآن کریم، علی ربانی گلپایگانی، نشر رائد، قم، ۱۳۹۲ ش، ص ۱۸۵.  
 ۲. المیزان، ج ۵، ص ۲۵۵.  
 ۳. انفال / ۲۲.  
 ۴. یونس / ۱۰۰.  
 ۵. بقره / ۱۱۱.  
 ۶. انبیاء / ۲۲.  
 ۷. سلسله دروس کلام جدید؛ عقل و دین از دیدگاه قرآن کریم، ص ۳۵.  
 ۸. عقل و دین از دیدگاه آیت الله جوادی آملی، صمد زاهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ۱۳۸۶ ش، ص ۱۸.

تنها از راه خود عقل می توان در اعتبار آن تردید کرد یا آن را منکر شد. اگر عقل راهی معتبر برای معرفت نباشد، چگونه می توان از راه غیرمعتبر بر عدم اعتبارش استفاده کرد؟ به عبارت دیگر، نفي اعتبار عقل از راه استدلال عقلي، در واقع اثبات‌کننده اعتبار آن است.

### عقل در دیدگاه داعشی

بعضی از سلفیان و وهابیون معاصر، حتی از به کار بردن لفظ «عقل» ابا دارند و معتقدند که عقل از کلماتی است که متکلمان و فلاسفه آن را ساخته اند و هیچ نصی در کتاب و سنت درباره آن نیامده است، حال آنکه متکلمان، فیلسوفان و حتی عرفای اسلامی قائل اند که عقاید و اصول دین را عقل درک می‌کند و فروع دین چیزی است که عقل (حکمت غالب) آنها را درک نکرده و فقط شرع درباره آن سخن می‌گوید، مثل عبادیات. این نگرش مورد نقد جدی سلفیان قرار گرفته است. آنها معتقدند تمام

اصول و فروع دین در کتاب و سنت وجود دارد و احتیاجی به عقل و تفکر نیست؛ بلکه عقل عاجز از درک حقیقت مسائل دین است و این دلیل بسیار مهمی بر کمال و تفوق شریعت بر عقل می باشد، پس هرچه خداوند از آن خبر داده است (اعم از صفات خداوند، نبوت و معاد) همگی از قدرت فهم عقل بالاترند و عقل راهی برای درک حقیقت آنها ندارد، بنابراین نباید به انکار آنها پرداخت و اگر میان عقل صحیح با نقل صحیح تعارض وجود دارد، این تعارض ظاهری است که اگر حل نشد، نقل مقدم می‌شود و عقل را جایی برای جولان دادن نیست.<sup>۲</sup>

سلفیان به تبعیت از ابن تیمیه، معتقدند که بین عقل و نقل تعارضی نیست؛ زیرا عقل راهی به عالم علوی ندارد و فقط نقل عهده دار تعالیم قدسی است و فقط بین عقل یونانی با نقل تعارض دیده می‌شود که جز بدعت گذاری کار دیگری انجام نمی‌دهد. همچنین آنها در

۱. معجم الفاظ العقیده، با مقدمه ابن جبرین وهابی، ابی عبدالله عامر عبدالله فالج، العیکان، ریاض، چاپ ۱۹۹۷م، ص ۲۸۴.

۲. الموافقات، أبو إسحاق شاطبی، دار ابن عفان، ۱۴۱۷ق/ ۱۹۹۷م، ج ۱، ص ۸۷؛ الاعتصام، أبو إسحاق شا طبی، المكتبة التجاریة الكبرى، مصر، بی تا، ج ۲، ص ۳۲۴-۳۲۷.

شناخت معارف قرآن و سنت، به برتری فهم سلف تأکید دارند؛ زیرا به عقیده آنان، فقط فهم سلف خلوص دارد و فهم دیگران (متکلمان، فیلسوفان، عرفا و ...) هیچ ربطی به اسلام ندارد و اینها گمراه کننده اند. علاوه بر این، به نظر آنان، تمام الفاظ قرآن، حقیقت است و در آن مجازی وجود ندارد و باید به ظاهر آنها عمل کرد.<sup>۱</sup>

### پیشینه ظاهرگرایی و عقل ستیزی

گرچه پیشینه ظاهرگرایی و عقل ستیزی به زمان پیغمبر اسلام (ص) باز می‌گردد و نتیجه اش ظهور گروهی به نام خوارج بود؛ اما تشکیل فرقه اهل حدیث که به ظاهرگرایی در قرآن و روایات مشهور بود، به قرون دوم و سوم باز می‌گردد و سرسلسله این طیف «احمد بن محمد بن حنبل ابو عبدالله شیبانی» است.<sup>۲</sup> بنا به نظر عموم و در رأس آنها امام محمد

غزالی، او نصوص را بر معنای ظاهر حمل می‌کرد و معتقد بود که متشابهات قرآن نباید مورد تأویل قرار گیرند.<sup>۳</sup>

بعدها ابن تیمیة حرّانی در شام این حرکت و عقیده را تحکیم و ساماندهی کرد و باعث شد راه برای قائلین به تشبیه و تجسیم هموار شود. از این رو، امروزه برخی از علمای وهابی بر ظاهرگرایی و تجسّم در صفات خداوند اصرار دارند.<sup>۴</sup> ابن تیمیة با محکوم کردن عقل گرایان و فیلسوفان، آنها را مشرک خواند و عقل را فقط یک خدمتگزار در محدوده قرآن و سنت معرفی کرد و اجازه ورود به محدوده دین و فراتر از آن را به صورت مستقل نداد.<sup>۵</sup>

۳. احیاء علوم الدین، محمد غزالی، دار المعرفة، بیروت، بی‌تا، ج ۱، صص ۱۰۳-۱۰۴.  
 ۴. مجموع فتاوی و رسائل، محمد بن صالح العثیمین، دار الوطن، ریاض، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۱۵؛ الارشاد الی صحیح الاعتقاد، صالح الفوزان، دار ابن الجوزی، ۱۴۲۰ق - ۱۹۹۹م، ص ۱۵۰.  
 ۵. ر.ک: الرد علی البکری، احمد بن عبد الحلیم بن تیمیة حرّانی، مکتبة الغرباء الأثریة، مدینه، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۵۰۷؛ مجموع فتاوی، ج ۱۳، ص ۲۳۷ و ج ۴، صص ۲۸۳ و ۳۱۵ و ج ۹، ص ۳۹؛ عقیده الاصفهانیة، احمد بن عبد الحلیم بن تیمیة حرّانی، مکتبة الرشد، ریاض، ۱۴۱۵ق، صص ۱۰۹ - ۱۱۰؛ الصفدیة، ج ۱، ص ۲۴۲.  
 ۶. درء التعارض بین العقل و نقل، ابن تیمیة، نشر دانشگاه

۱. مبانی فکری سلفیه (پایان‌نامه مقطع دکترا)، مهدی فرمانیان، مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم، قم، چاپ ۱۳۸۸ش.  
 ۲. اندیشه سیاسی متفکران مسلمان، جمعی از نویسندگان، بوستان کتاب، قم، ۱۳۹۲ش، ج ۱، ص ۲۰۷؛ وی رهبر یکی از مذاهب چهارگانه اهل سنت است که در سالهای ۱۶۴ - ۲۴۱ق می‌زیسته.

ظاهرگرایی و منزوی کردن عقل یا مخالفت با منطق، علاوه بر آثار مخرب فقهی که در طول زمان داشته<sup>۱</sup>، موجب گردیده تا نسبت به فهم دین برخی از تصورات خشک و ساده انگارانه<sup>۲</sup> و در عین حال، متعصب گرانه ای به وجود آید و زاییده نامبارکی به نام تکفیر را میان مسلمانان شاهد باشیم و زمینه برای رشد جریان های تکفیری فراهم آید.

حرکت ابن تیمیه با آمدن محمد بن عبدالوهاب (۱۱۱۵- ۱۲۰۶ق) به عنوان رهبر سلفیون وهابی حجاز کامل شد.<sup>۳</sup> وی دعوت خود را بر اساس روش ظاهرگرایی ابن تیمیه در سال ۱۱۴۳ق آغاز و بسیاری از مسلمانان را با استناد به اعمال ظاهری آنها محکوم به شرک و کفر کرد و خون و مالشان را مباح شمرد. افکار وی با استقبال حکمران درعیّه، محمد بن سعود (م. ۱۱۷۹ق) و حمایت استعمارگران به ویژه انگلیس مواجه گشت و افراط گرایی او در تکفیر به گونه ای شد که فتوا داد: اگر کسی در خصوص کفر مسلمانان مخالف، شک داشته باشد و برایش سخت باشد که آنان را تکفیر کند، کافر است.<sup>۴</sup>

امروزه نیز همین افکار به صورت افراطی تری در میان گروه های تکفیری، از جمله داعش رخ نموده است. آنها دین مسالمت آمیز را دین شرک و کفر می

محمد بن سعود، مدینه، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۵۱؛ منهاج السنّة النبویة، ابن تیمیه حرانی، دانشگاه محمد بن سعود، مدینه، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۱۵.

۱. بی شک بر عقاید کلامی آثار فقهی مهمی چون مرتد شدن و کافر بودن و... بار می شود و در طول تاریخ به خاطر برخی از مسائل کلامی چون مباحث علم و قدرت خداوند و یا جسم و مکان داشتن خداوند خونهای بسیاری ریخته شده است. در سؤالی از هیئت عالی افتاء عربستان نسبت به اینکه اگر کسی قائل باشد به اینکه خداوند در همه جا وجود دارد، چیست؟ پاسخ داده اند: خداوند در عرش است و درون جهان نیست؛ بلکه خارج از عالم است و اگر کسی معتقد باشد که خداوند در همه جا هست، کافر و مرتد؛ بلکه خارج از اسلام است. (فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة و الافتاء، ج ۳، ص ۲۱۶، سؤال الاول من الفتوی، رقم ۵۲۱۳).

۲. آنها با تمسک به ظاهر آیات و روایات برای خود خدایی خیالی ساخته اند که برای توصیف خداوند آنها می توان به کتابهای السنه یا توحید ابن خزیمه رجوع کرد، به عنوان نمونه، البانی در حاشیه خود بر السنه ابن ابی عاصم، شماره ۴۷۱، حدیث ام الطفیل که وی حدیث را صحیح می داند، در آن حدیث خداوند را جوانی با موهای بلند و نعلینی از طلا ترسیم کرده که در سبزه زار ایستاده است.

۳. الأعلام، خیر الدین بن محمود زرکلی، دار العلم للملايين، ایار، چاپ پانزدهم، ۲۰۰۲م، ج ۶، ص ۲۵۷.

۴. الدرر السنیة، عبدالرحمن بن محمد عاصمی، علمای نجد، محقق: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم، ۱۴۱۷ق/ ۱۹۹۶م، ج ۱۰، صص ۱۳۹ - ۱۴۰.

دانند و معتقدند که برای رسیدن به اهداف خود باید جهاد کرد و راه اسلحه و خشونت را در پیش گرفت، نه راه صلح و مسالمت را. بر این اساس، آنها تظاهرات مسالمت آمیز را یک نوع شرک قلمداد می کنند و معتقدند پیامبر (ص) تظاهر نکرد؛ بلکه برای احقاق حقوق مسلمین دست به جهاد و شمشیر زد.<sup>۱</sup>

این ظاهرگرایی تکفیریها به حدی توسعه یافته است که در باب صفات خداوند و آخرت به ی ک «پوزیتیویسم منطقی»<sup>۲</sup> رسیده اند. از این رو، آنها به بهانه دیدن خداوند و رسیدن به بهشت، بسیاری از جاهلان را وادار به جهاد می کنند.<sup>۳</sup>

۱. خلافة الداعش، هیثم مناع، النص الفرنسی، ۴۰۱۴م، ص ۸۳.  
 ۲. اثبات گرایی (پوزیتیویسم یا تحصیل گرایی) که بر اساس این دیدگاه در علوم طبیعی و اجتماعی، داده های برگرفته شده از «تجربه حسی» است و تنها به داده هایی اعتقاد دارند که از طریق مشاهده و حواس ظاهری قابل درک باشد. (برای کسب اطلاع بیش تر ر.ک: سلفی گری و وهابیت، عزیزاده موسوی، ج ۱، ص ۶۵).  
 ۳. به گزارش خبرگزاری فارس: گروه های سلفی و وهابی (طالبان) همین رویه را برای پیروان خود پیش گرفته و اسناد بهشت را در قبال کشتن دیگر مسلمین به آنها اعطا می کنند: (کد خبر: ۱۳۹۱۱۲۰۸۰۰۶۹۵) و یا بر اساس گزارش خبری عرب تایمز: در میان کشفیات به دست آمده از اجساد برخی تروریستهای تکفیری در سوریه،

## تعارض عقل و ظاهرگرایی در عملکرد تکفیریها

گروه های تکفیری داعش با چنین عقبه فکری و کلامی، امروزه با جنبه های عقلانی تجدد ضدیت شدیدی دارند، خصوصاً در حوزه دستاوردهای سیاسی، از قبیل دموکراسی و حقوق بشر و پیشرفت جامعه و حاکمیت مردم بر سرنوشت خود، و چنین دیدگاه های تنگ و تاریکی را به جای انتساب به واپس گرایی خود، به اسلام نسبت می دهند.

البته ساختار فکری داعش با رویه های تبلیغی و نظا می آنها در تعارض است. آنها از یک طرف به بهانه پیروی از سلف، استفاده از بسیاری مصنوعات بشری را حرام می دانند و دیگران را به خاطر بهره گیری از آنها کافر می خوانند و فقط خود را مسلمان می پندارند و از طرف دیگر، بهره گیری از بهترین

پس از پاکسازی القصیر، ع لاه بر بمبهای دستی و خشابهای گلوله ها، به وفور قرصها و داروهای تقویت جنسی نیز یافت شده که طبق اظهارات اسیران تکفیری، این قرصها را برای ورود به کاخهای حوریان در بهشت آماده می کرده اند. طبق فتاوی مفتیهای وهابی، هر کس برای جنگیدن با ارتش سوریه و حزب الله و به نیت سرنگونی بشار اسد به سوریه برود، پس از کشته شدن، مستقیماً وارد بهشت شده، به آغوش حوریان می رود. (به نقل از: www.mashregnews.ir)

تکنولوژیها برای تبلیغ و جذب نیروهای انسانی از سراسر جهان و استفاده از سلاحهای نظامی پیشرفته را در دستور کار خود قرار داده اند که این همه، حکایت از یک راهبرد فکری متضاد دارد.<sup>۱</sup>

استفاده از دستاوردهای علمی، چون اینترنت، شبکه های تبلیغی و ابزارآلات جنگی آمریکایی و اسرائیلی، همگی حکایت از وج و د پارادوکس فکری در آنها دارد. به موجب پژوهشی که «صبرا قاسمی» محقق مصری و از فرماندهان سابق سازمان «الجهاد» در مصر تهیه کرد، گروه تروریستی داعش با بودجه سه میلیارد دلاری، مجموعه عظیمی از فعالیتهای رسانه ای را مدیریت می کند! بر اساس این پژوهش، داعش، هفت باز وی رسانه ای دارد که با استفاده از آنها خشونت و ترور را در جهان ترویج می کند. این بازوها عبارتند از: شبکه های اجناد، الفرقان، الاعتصام، الحیات، مکاتب الولايات، رادیو البیان و پایگاه اینترنتی دابق.

همچنین این گروه ۹۰ هزار صفحه از شبکه اجتماعی، به ویژه

صفحاتی در فیسبوک و توئیتر را به خود اختصاص داده است.<sup>۱</sup> بر اساس آخرین تحقیقات کارشناسان اروپایی، دست کم ۴۶ هزار صفحه شخصی در توئیتر به وسیله طرفداران داعش ایجاد شده است.<sup>۲</sup>

داعش و جریانهای تکفیری در اعتقادات خود به پیروی از سلفیون وهابی، شبیه مادی گرایان، به خداوندی جسمانی معتقدند و در روش شناسی خود، با استناد به ظاهر آیات و روایات دیگران را تکفیر کرده، مرتکب جنایات دهشتناکی می شوند. گرچه آنها سعی دارند از این طریق خود را پیروان اصلی سلف صالح و رسول اسلام (ص) قلمداد کنند؛ اما نمی توانند از دستاوردهای عقل در تمام زمینه ها چشم بپوشند، لذا برای جذب جوانان و مقابله با دشمنان خود از تمام دستاوردهای عقلی و علمی استفاده می کنند و این پارادوکس نشان از دستهای پشت پرده، خصوصاً استعمارگران جهت

۱. برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی «خبر آنلاین» به آدرس: [www.khabaronline.ir](http://www.khabaronline.ir)  
 ۲. ر.ک: [www.ana.ir](http://www.ana.ir)

تخریب وجهه اسلام، به  
ویژه نزد جوانان در  
غرب و آمریکا دارد که  
جمعیت روزافزونی در  
آنها به اسلام گرویده  
اند.





# حامیان داعش

اداره کل فرق و ادیان - پیام عبدالملکی

«ابومصعب الزرقاوی»  
تأسیس شد و در سال  
۲۰۰۴م به شبکه القاعده  
پیوست و پس از آن به  
القاعده عراق معروف  
شد. پس از زرقاوی،  
ابوحمره مهاجر و  
ابوعمر بغدادی، دو  
رهبر اصلی دولت اسلامی  
عراق بودند که در ۱۸  
آوریل ۲۰۱۰ در عملیات  
ارتش آمریکا کشته شدند  
و ابوبکر بغدادی  
جایگزین آنها شد.  
با آغاز جنگ داخلی  
سوریه، نیروهای این  
گروه وارد آنجا شدند و  
در ۸ آوریل ۲۰۱۳ نام  
«دولت اسلامی عراق و  
شام» را بر خود نهادند  
و از آن پس با نام  
مخفّف داعش معروف شدند.  
آنها به سرعت بخشهایی  
از شمال شرقی سوریه را  
تصرف کرده و شهر «رقّه»  
را به عنوان پایتخت  
خود انتخاب کردند، سپس  
همزمان با اقدام نظامی

دولت اسلامی عراق و  
شام، با نام اختصاری  
«داعش» سازمانی سلفی -  
جهادی است که بخشهای  
بزرگی از شمال عراق و  
شرق سوریه را در تصرف  
خود دارد. رهبری این  
گروه را «ابوبکر  
البغدادی» از سلفی ون  
جدا شده از شبکه  
القاعده به عهده دارد  
که با دولتهای عراق و  
سوریه وارد جنگ شده  
است. داعش یکی از  
رادیکال ترین گروه های  
اسلام گرا در خاورمیانه  
است. آنها علاوه بر  
عراق و سوریه، بخشهایی  
از لیبی و نیجریه را  
نیز در کنترل خود  
دارند و گروه های  
همپیمان آنها در نقاط  
دیگر دنیا مثل  
افغانستان و آسیای  
جنوب شرقی نیز فعال  
هستند.  
ریشه داعش به جماعت  
توحید و جهاد می رسد که

در سوریه، به عراق نیز حمله کرده و موفق شدند «رمادی» و «فلوجه» مهم ترین شهرهای استان الانبار عراق را به قلمرو خود اضافه کند. در ژوئن ۲۰۱۴ مهم ترین موفقیت داعش با تصرف موصل - دومین شهر بزرگ عراق - به دست آمد. آنها در ماه های بعد نیز پیشرویهای زیادی داشته و تا خرداد ۱۳۹۴ حدود نیمی از خاک سوریه و بخشهای شمال غربی عراق را در تصرف خود در آوردند. آنه در این دوره بخشهایی از متصرفات خود را نیز از دست داده و از جمله شهر مهم «تکریت» را در فروردین ۱۳۹۴ به ارتش عراق و نیروی شبه نظامی «حشد شعبی» که برای جنگ با این گروه تشکیل شده، واگذار کرد.

این گروه پس از گسترش متصرفات خود در ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴ اعلام کرد که از این پس نام آن «دولت اسلامی» است و یک خلافت جهانی را تشکیل داده و ابوبکر بغدادی را به عنوان خلیفه مسلمین معرفی کرد و فعالیتهای حکومتی خود را گسترش داد. از جمله این اقدامها چاپ اسکناس با واحد دینار داعش و گذرنامه، تأسیس

پلیس، صدور نفت، راه اندازی شبکه تلویزیونی، برگزاری گشتها و تورهای گردشگری و... است.<sup>۱</sup> در مسیر رشد و پیشرفت داعش، عوامل مؤثری نقش داشته اند که می توان گفت:

حمایتهایی که از این گروه تروریستی به عمل آمد، مهم ترین عامل رشد و تقویت این جریان بوده است. داعش در بستری که از سوی کشورهای غربی فراهم کرد، توانست با حمایتهای مالی، فکری، تسلیحاتی و... آمریکا و هم نوعانش رشد یابد. به گفته دبیر کل حزب الله لبنان: «داعش ماری است که در آمریکا زاده شد و ترکها و کشورهای خلیج فارس بزرگش کردند و حالا می ترسند که خودشان را نیش بزند.»<sup>۲</sup>

داعش ثروتمندترین تشکیلات تروریستی تاریخ معاصر است و از نظر تأمین مالی نیز موفق عمل کرده و همچون ساختارهای مافیایی اداره می شود. پایگاه خبری تحلیلی «الوقت» در مطلبی، به کانالهای تأمین منابع مالی داعش

۱. دانشنامه ویکی پدیا، مقاله داعش.  
 ۲. فرهنگ نیوز، کد خبر: ۸۵۹۹۳، تاریخ ۲۷/۵/۹۳.

پرداخته ، می‌نویسد :  
 «توان داعش در کنترل مناطق وسیعی از سوریه و عراق، جذب نیرو، ت آمین ارتشی متشکل از ۳۱ هزار نفر (برخی منابع حتی دو برابر این رقم را ذکر می کنند ) ، انجام عملیاتهای موفقیت آمیز نظامی، تروریستی و گسترش نفوذ در خاورمیانه و شمال آفریقا، بیش از همه نشان گر منابع عظیم مالی این گروه است . برخلاف گروه القاعده که فقط از کمکهای دیگران تغذیه می کند، رهبران داعش استراتژی مالی نوینی را اتخاذ نمودند که مبتنی بر خودکفایی و عدم وابستگی به منابع مالی خارجی است.»<sup>۱</sup>

به یقین این پیشرفت مالی برای گروه نوپایی مانند داعش ، بدون دخالت عوامل خارجی محقق نمی شود . در این میان ، نقش کشورهای حامی داعش پر رنگ است . در این نوشتار در صدد یم پرده از برخی حامیان داعش برداریم .

### ۱. حمایت‌های آمریکا

در کتاب خاطرات

«هیلاری کلینتون» وزیر امور خارج ة اسبق آمریکا، می توان اسناد حمایت آمریکا از داعش را یافت . او در این کتاب اذعان داشته است که : «ما داعش را برای تقسیم خاورمیانه ایجاد کردیم .» همچنین در جای دیگری می نویسد: «قرار بود ما در روز پنجم ژوئیه سال ۲۰۱۳ (چهاردهم تیرماه ۱۳۹۲) در نشستی با دوستان اروپایی خود «دولت اسلامی» را به رسمیت بشناسیم . من به ۱۱۲ کشور سفر کردم تا نقش آمریکا و توافق با بعضی از دوستان را دربار ة به رسمیت شناختن دولت اسلامی بلافاصله ، پس از تشکیل آن توضیح دهم ؛ اما به یک باره همه چیز در برابر چشمان ما فرو ریخت.»<sup>۲</sup>

«وسلی کلارک» فرمانده اسبق فرماندهی کل نیروهای ناتو به نقش متحدان آمریکا در شکل‌گیری گروه تروریستی داعش اذعان کرد ه و گفت ه است : «این گروه با هدف مبارزه با حزبالله لبنان شکل گرفت»<sup>۳</sup>

۲. خبرگزاری فارس، کد خبر : ۱۱۷۰۰۱۸۰۰۶۱۳۹۳۰۶ ، تاریخ ۹۳/۶/۱۹ .  
 ۳. همان، کد : ۱۳۹۴۰۲۰۵۰۰۱۷۳۸ ، تاریخ ۹۴/۲/۶ .

۱. خبرگزاری جنوب نیوز ، کد خبر : ۱۴۹۴۷۷-JN ، تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۸ .

همچنین در

افشاگریهای «ادوارد اسنودن» پیمانکار سابق آژانس امنیت ملی آمریکا علیه دستگاه های اطلاعاتی این کشور، در این باره می گوید: «سازمانهای اطلاعاتی آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی در شکل گیری گروه موسوم به دولت اسلامی عراق و شام (داعش) نقش داشتند و در عملیاتی با نام "لانة زنبور" گروه داعش را تشکیل دادند. وی طبق اسناد فاش شده، معتقد است گروه داعش برای حمایت از اسرائیل تشکیل شده و هدف عملیات «لانة زنبور» تشکیل گروهی با شعارهای اسلامی است که تندروها را از سراسر جهان جذب کند و بر اساس اندیشه های تکفیری، سلاح خود را به سوی کشورهای مخالف موجودیت اسرائیل نشانه بگیرد.<sup>۱</sup>

رئیس جمهور آمریکا در سخنان خود داعش را «دولت» نامیده است.<sup>۲</sup> با توجه به اینکه موضوع استفاده از عناوین خاص در نظام بین الملل، دارای

ابعاد متعدد حقوقی، سیاسی، تاریخی و حتی امنیتی است. به عبارت دیگر، نام گذاریها در روابط بین الملل، به هیچ وجه بی دلیل نیست. لازمه به کاربری عنوان «دولت» مستلزم شناسایی بین المللی، مشروعیت و دارا بودن شرایط تشکیل یک دولت از نظر حقوقی است. همچنین بر اساس اطلاعات پایگاه خبری «دی انتر سیبت» ابوبکر بغدادی دوره ای کامل به مدت یک سال را تحت آموزش نظامی عناصر وابسته به «موساد» جهت فراگرفتن فن خطابه و سخنرانی و نیز آموختن علم لاهوت گذرانده است؛ اما مهم ترین دلیل حمایت آمریکا از داعش این است که آمریکا این گروه را در فهرست سازمانهای تروریستی خود قرار نداد ه است، درحالی که جبهة النصره و سرکرده آن «جولانی» را در این فهرست گنجانده است.<sup>۳</sup>

«طالب ابراهیم» معاون مدیر مرکز مطالعات راهبردی دمشق، گفت ه است: «صد درصد اطمینان دارم که در دوران زندانی بودن ابوبکر بغدادی نزد

۱. خبرگزاری صدا و سیما، تاریخ ۹۳/۵/۱۳.  
 ۲. فرهنگ نیوز، کد خبر: ۸۹۵۴۰، تاریخ ۹۳/۶/۱۹.  
 ۳. خبرگزاری فارس، کد خبر: ۱۱۷۰۰۱۱۷۰۶۱۸۰۰۶۱۳۹۳، تاریخ ۹۳/۶/۱۹.

۱. خبرگزاری صدا و سیما، تاریخ ۹۳/۵/۱۳.  
 ۲. فرهنگ نیوز، کد خبر: ۸۹۵۴۰، تاریخ ۹۳/۶/۱۹.

آمریکاییها در عراق، سازمان جاسوسی آمریکا (سی آی ای) با وی ارتباط برقرار کرده و او را برای کار کردن در این سازمان مأمور کرده است.<sup>۱</sup>

همچنین انتشار عکسی از سناتور «جان مک کین» از جمهوری خواهان تندرود کنگره آمریکا و حامیان حمله نظامی به سوریه با ابوبکر بغدادی، دست داشتن آمریکا در تشکیل این گروه تروریستی داعش را تقویت می کند.<sup>۲</sup>

در این راستا، آمریکا با فراهم کردن تجهیزات الکترونیکی و نرم افزاری، از فعالیتهای سایبری تروریستهای داعش حمایت می کند. مرکز حمایت از مخالفان سوریه (OSOS) در آمریکا، انواع تجهیزات و آموزشهای لازم را برای عملکرد قدرتمند تروریستهای فعال عراق و سوریه در فضای مجازی در اختیار آنها قرار می دهد. داعش از طریق کاربرهای فیسبوک و توئیتر خود، جنگ تبلیغاتی گسترده ای را به راه انداخته است که به وضوح از کمک

منابع دیگر بهره می برد. OSOS انواع نرم افزارهای ضد هک و برنامه های پیشرفته جستجوی اینترنتی را در اختیار این گروه قرار می دهد. علاوه بر این، گفته می شود که وزارت امور خارجه آمریکا از طریق دو مؤسسه به نامهای «مرکز گزارش جنگ و صلح» و «خان آزادی»، تروریستهای داعش را تحت انواع آموزشهای پیشرفته برای فعالیت در فضای مجازی قرار می دهد. آمار نشان می دهد که تروریستهای داعش برای گسترش تبلیغات و جنگ رسانه ای خود، بیش از هر چیز از «توئیتر» استفاده می کنند و این موضوع نشان دهنده حمایتی است که این گروه از جانب مسئولین این شبکه اجتماعی دریافت می کند.

«راند پاول» سناتور جمهوری خواه آمریکایی نیز سیاستهای نادرست دولتهای آمریکا و مداخله بیش از حد در بحران سوریه را عامل به وجود آمدن پناهگاهی مناسب برای تروریستهای خاورمیانه و کشیده شدن هرج و مرج به شمال عراق دانست. وی که با

۱. خبرگزاری العالم، تاریخ

۱۳۹۳/۴/۱۷

۲. خبرگزاری فارس، کد خبر : ۱۳۹۳۰۵۲۰۰۰۰۸۲۸ تاریخ

۹۳/۵/۲۰

۳. شبکه خبر، ۱۳۹۳/۴/۱۵

شبکه خبری CNN مصاحبه می‌کرد، یکی از دلایل تقویت داعش را ارسال سلاح‌های آمریکایی برای متحدان این گروه در سوریه عنوان کرد و گفت: «داعش در سوریه متحد ما بود. ما برای عقب راندن نیروهای وفادار به دولت دمشق، به شبه نظامیان سلاح دادیم و مکانی امن برای این افراد در سوریه درست کردیم. به نظر من دخالت ما در سوریه منجر به اوضاع جاری عراق شد.»<sup>۱</sup>

البته آمریکا در ظاهر علیه داعش اقدام نظامی نموده است؛ اما می‌توان گفت که آنها به مقابله با داعش نپرداخته‌اند؛ بلکه بمباران نمایشی آمریکا زمانی بود که داعش به شهر اربیل عراق نزدیک شد. حمله آمریکاییها تنها برای دور کردن این گروهک از بزرگ‌ترین پایگاه نظامی آمریکا در این شهر بوده است، نه برای حمایت از مردم عراق یا ایزدیه‌ها یا مسیحیان عراق.<sup>۲</sup>

به نظر می‌رسد در نظر غرب و سازمان ملل، تا زمانی که داعش به

وظیفه اصلی خود؛ یعنی ایجاد فتنه در جهان اسلامی و مقابله با تفکر حزب الله لبنان در منطقه همت می‌گمارد، باید مورد حمایت باشد؛ اما زمانی که منافع آنها را تهدید کند و یا به قلمروی متحدان غرب در منطقه نزدیک شود، باید سرکوب شود.

## ۲. حمایت‌های اسرائیل از داعش

بی‌شک اسرائیل دشمن تمام مسلمانان جهان است و مسلمانان سال‌های زیادی به دنبال نابودی این رژیم غاصب صهیونیستی هستند. این در حالی است که داعش اعلام کرده که دشمن اصلی آنها نه تنها اسرائیل نیست؛ بلکه مسلمانانی است که از داعش تبعیت نمی‌کنند. اسناد زیادی از آموزش‌های نظامی این گروهک تروریستی در مناطق مرزی اردن و سوریه و همچنین اردن با عراق توسط نیروهای آموزشی اسرائیلی منتشر شده است. طرح موساد، جذب افراد نظامی و غیر نظامی به داعش در کشورهایی است که از آنها به عنوان تهدیدی علیه اسرائیل یاد شده است، تا با ایجاد آشوب و ویرانی، امکان سلطه

۱. فرهنگ نیوز، کد خبر: ۸۹۳۸۷، ۹۳/۶/۱۹.  
۲. همان.

اسرائیل بر من اطلاق  
 خاورمیانه و برپایی  
 طرح اسرا ئیل بزرگ را  
 فراهم سازد.<sup>۱</sup>  
 وجود جریاناتی مانند  
 داعش - که مسلمانان را  
 از توجه و م قابله با  
 رژیم صهیونیستی و  
 اعمالش باز می دارد و  
 آنان را مشغول خود می  
 کند - از مطالبات  
 همیشگی اسرائیل بوده  
 است . شواهد و دلایل  
 زیادی از همکاری همه  
 جانب ة تروریستهای  
 تکفیری با رژیم غاصب  
 صهیونیستی به دست آمده  
 است . سلاحهایی که گروه  
 داعش در الانبار برای  
 جنگ علیه ارتش عراق  
 استفاده می کند ، همگی  
 ساخت اسرائیل است که  
 از طریق مرزهای سوریه  
 و عراق به الانبار  
 می رسد . تعدادی از این  
 سلاحها در نبرد با  
 تروریستهای داعش در  
 این استان کشف شده  
 است.<sup>۲</sup>

همچنین اعزام  
 تروریستهای زخمی به  
 سرزمینهای اشغالی و  
 مداوای آنها توسط  
 پزشکان صهیونیست، از  
 تعامل آنان با هم خبر  
 می دهد، به طوری که  
 روزانه چندین تن از

تروریستها از طریق  
 مرزهای زمینی یا  
 هوایی به این سرزمین  
 می روند و پزشکان  
 صهیونیست تمام  
 امکانات و توان خود  
 را برای مداوا و  
 بازگشت دوبار ة آنها  
 به میدانهای نبرد در  
 سرزمینهای مسلمانان  
 به کار می گیرند.<sup>۳</sup>  
 خبرگزاری «الیوم  
 الثامن» عراق نیز به  
 نقل از دستگاه اطلاعاتی  
 آلمان اعلام داشت :  
 «ابوبکر البغدادی،  
 سرکرده گروه تروریستی  
 داعش در حمله هوایی به  
 شهر قائم (نزدیک مرز  
 سوریه ) مجروح شد و  
 برای پیگیری معالجاتش  
 به اسرائیل منتقل شده  
 است.»<sup>۴</sup>

### ۳. حمایت ترکیه از داعش

ترکیه هر روزه حمایت  
 خود از داعش و النصره  
 را بیش تر ثابت کرده  
 است . این کشور پس از  
 شکست استراتژیک خود در  
 سوریه و مصر و نیز  
 تیره شدن روابط با  
 عربستان سعودی، راه  
 چاره ای جز فرار رو به  
 جلو از طریق کمک به  
 گروه های افراطی و باز  
 کردن مرزها برای آنها

۳. فرهنگ نیوز، کد خبر: ۸۵۹۸۰،  
 تاریخ ۹۳/۵/۲۷.  
 ۴. خبرگزاری صدا و سیما، تاریخ  
 ۹۳/۱۲/۹.

۱. خبرگزاری فارس، کد خبر :  
 ۱۲۹۳۱۱۱۷۰۰۷۶۹، تاریخ  
 ۹۳/۱۲/۳.  
 ۲. همان.

نیافت تا به برخی از اهداف خود در سوریه و عراق دست یابد. برپایی «دولت داعش» تا زمانی که هدف تقسیم عراق در راستای منافعش است، به ترکیه ضرری نمی‌رساند. روابط ابوبکر بغدادی با ترکیه به عنوان تنها گذرگاه خشکی داعش ب ارز است و از سویی ترکیه می‌تواند بر داعش نفوذ داشته باشد و از این فرصت در زمینه نفت و مبارزه با عربستان استفاده کند.<sup>۱</sup>

«مرکز مطالعات راهبردی احوال مصر» در گزارشی، به بررسی راه‌ها و علل حمایت ترکیه از داعش پرداخته و آورده است: «دلایل زیاده‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد ترکیه نقش مهمی در کمک به داعش دارد. ترکیه مرزهای مشترکی به طول ۱۲۰۰ کیلومتر با سوریه و عراق دارد و این کشور جنگجویان خارجی را از خاک خود به این دو کشور اعزام می‌کند تا به داعش بپیوندند. ترکیه برای داعش در سوریه محموله‌های سلاح ارسال می‌دارد و زخمی‌شدگان آن‌ها را در بیمارستانهای خود

درمان می‌کند و هتلهایشان در شه‌رکهای مرزی، میزبان این تروریست‌هاست.»

این مرکز مصری در ادامه می‌نویسد: «علل حمایت ترکیه از داعش به جهت گیری سیاست خارجی ترکیه با دشمنانش شامل نظام بش‌ار اسد و کردها در سوریه و نظام شیعی عراق و هم پیمان بش‌ار اسد و ایران است که با داعش جنگیده‌اند و هنوز هم می‌جنگند. حمایت ترکیه از داعش در عراق نیز ناشی از این است که وحدت عراق به نفع آنها نیست و ترکیه به دنبال تجزی ی آن و روی کار آمدن دولت سنی تابع ترکیه است که بر آن تکیه کند و نفوذ خود را در منطقه تقویت کند.»<sup>۲</sup>

روزنامه «السفیر» در گزارشی نوشت: «این تصادفی نبود که در شب صدور قطعنامه ۲۱۷۰ شورای امنیت علیه داعش و جبهه النصره و مجازات کشورهای حامی آنها، روزنامه واشنگتن پست با «ابو یوسف» یکی از رهبران داعش در منطقه اسکندرون ترکیه مصاحبه کند.» این رهبر

۲. خبرگزاری تسنیم، کد خبر: ۶۹۰۳۱۳، تاریخ ۲۸/۱۲/۹۳. همان. ۳.

۱. خبرگزاری فارس، کد خبر: ۱۳۹۳۰۵۲۹۰۰۱۳۸۵، تاریخ ۹۳/۵/۳۰.



داعش در مصاحبه خود گفته است: «مجروحان گروهک داعش در ترکیه خدمات درمانی دریافت کرده‌اند و ترکیه به آنها تسهیلات داده و حتی فرش قرمز برای آنها پهن کرده است.»<sup>۱</sup> ترکیه از جهت نظامی نیز به داعش کمک‌های زیادی کرده است. نیروهای آمریکایی حاضر در استان اربیل عراق، در درگیری با داعش تروریست‌های مقادیر زیادی سلاح ساخت کشور ترکیه را کشف کردند.<sup>۲</sup>

همچنین نشریه

«هوریزون ویکلی» کانادا خبر از اعطای ۱۰ هزار پاسپورت ترکیه به اعضای داعش از سوی دولت ترکیه داد. ترکیه این پاسپورت‌ها را برای داعش صادر کرد تا در رفت و آمدها اذیت نشوند.<sup>۳</sup>

اخبار منتشره و

تصاویر ارائه شده از طریق صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران بعد از حمله به جنگنده روسی توسط دولت ترکیه و ساقط کردن آن، نشان داد ترکیه مسیر خوبی

برای فروش نفت داعش بوده و از این طریق هم داعش و هم ترکیه سود خوبی برده‌اند.

#### ۴. جایگاه پدري عربستان

به گزارش خبرگزاری فارس، پایگاه

اطلاعرسانی «الرباط الیمنی» گزارش‌دهنده و اسناد آمریکایی را فاش کرد که بر اساس آنها ۱۳۱ شخصیت آکادمیک،

فعالان سیاسی و شخصیت‌های دینی وابسته به ۳۱ کشور در جهان، مسئولان اصلی تأمین مالی گروه تروریستی موسوم به «دولت اسلامی

عراق و شام» هستند. بر اساس این اسناد، ۲۸ شخصیت سعودی و ۱۲

شخصیت عراقی در صدر کمک‌کنندگان به داعش قرار دارند که ۶ نفر از عراقیها افراد

بانفوذ در بازار عراق به شمار می‌روند. از سوی دیگر، تروریست‌ها

در کشوری مانند سوریه از نفت برای تأمین هزینه‌های خود استفاده می‌کنند.<sup>۴</sup>

از سویی شکست نوری المالکی، نخست وزیر عراق، یکی از آرزوهای پادشاه عربستان سعودی بوده است. او که مالکی را مهره دستشانده ایران می‌داند، از

۱. خبرگزاری فرهنگ نیوز، کد خبر: ۸۶۵۰۸، تاریخ: ۹۳/۵/۳۰.  
 ۲. همان، کد خبر: ۸۹۷۵۲، تاریخ: ۹۳/۶/۲۱.  
 ۳. بولتن نیوز، کد خبر: ۲۷۳۵۳۸، تاریخ: ۹۴/۴/۱۸.  
 ۴. خبرگزاری فارس، کد خبر: ۹۳/۴/۱، تاریخ: ۱۳۹۳۰۴۰۱۰۰۰۲۰۶.

را در کمک به اهداف  
استکبار انجام می  
دهند.

اعزام سفیر به بغداد  
خودداری کرد و حاکمان  
دیگر کشورهای شورای  
همکاری خلیج فارس همچون  
کویت، بحرین، قطر،  
امارات متحده عربی و  
عمان را نیز تشویق به  
اتخاذ چنین موضعی کرده  
است،<sup>۱</sup> لذا می توان گفت  
که پادشاه عربستان از  
پیشرفتهای داعش و  
اوضاع نابسامان عراق  
استقبال و حمایت می  
کند.

همچنین، به گزارش  
«مونیتورینگ» اخبار  
خارجی خبرگزاری صدا و  
سیما به نقل از پایگاه  
اینترنتی «شبکه رسانه  
ای عراق» موسوم به IMN  
نیروهای ارتش عراق در  
شهر عامریه الفلوجه،  
۲۰ خودرو و انواع سلاح  
را که متعلق به  
عربستان سعودی بود، از  
دست تروریستها به  
غنیمت گرفته و ثبت و  
ضبط کردند.<sup>۲</sup>

اینها نمونه های  
اندکی از حمایتهای  
برخی حامیان اصلی داعش  
بود. داعش غیر از  
موارد ذکر شده، حامیان  
دیگری در منطقه دارد  
که در واقع نوکران  
استکبار در این منطقه  
هستند و هرگونه اقدامی

۱. مرکز رصد راهبردی اشراف،  
۱۳۹۳/۳/۲۵.

۲. خبرگزاری صدا و  
سیما، ۱۳۹۳/۱۲/۲۵.

## شرایط امر به معروف و نهی از منکر

«شرط هفتم و هشتم»

سید جعفر ربّانی

و جوب فریضة امر به معروف و نهی از منکر نیست؛ بلکه طبق تأکید فقها باید بین «واجب» و «ضرر» و نیز بین «منکر» و «ضرر» مقایسه کرد و به میزان اهمیت آن واجب یا حرام «هزینه» نمود.

در برخی موارد فقط از زبان هزینه می شود و گاهی از مال و گاهی از جان. در این مثالها دقت کنید:

- تصمیم دشمنان بر براندازی اصل دین؛
- تصمیم دشمن بر هدم کعبه؛
- ارادة دشمنان بر حمله به منطقه ای از بلاد اسلامی؛
- تصمیم شخصی بر قتل؛
- تصمیم کسی بر جرح دیگری؛
- عزم بر فحش به دیگری؛
- ارادة کسی بر ترک

در شماره های گذشته ماهنامه مبلغان (۱۹۵ تا ۱۹۸) موضوع «شرایط امر به معروف و نهی از منکر» مطرح گردید و به برخی از شرایط آن از جمله: شناخت احکام، اصرار بر گناه، شناخت معاصی، انجام در حوزه تکالیف، عدم وهن دین و احتمال تأثیر اشاره گردید؛ اکنون در ادامه این مبحث، به شرط هفتم و هشتم از این شرایط اشاره می شود.

**۷. عدم مفسده و عدم ضرر**  
از دیگر شرایط امر به معروف و نهی از منکر این است که بر امر و نهی ضرر و مفسده ای مترتب نگردد. در این زمینه چند نکته وجود دارد:

**الف) مقایسه**

در امر به معروف و نهی از منکر (در سطح کلان) باید به این نکته توجه داشت که صرف

نماز؛

- تصمی بر مراعات نکردن طهارت و نجاست می بینیم که واجبات و محرمات در یک سطح نیستند و برای هر یک باید هزینه مناسب همان را در نظر گرفت. امام خمینی (در بیان این مطلب می فرمایند: «لو كان المعروف و المنکر من الأمور التي يهتم بها الشارع الاقدس كحفظ نفوس قبيلة من المسلمين و هتك نواميسهم أو محو آثار الاسلام و محو حجته بما يوجب ضلالة المسلمين أو إمحاء بعض شعائر الاسلام كبيت الله الحرام بحيث تمحى آثاره و محلّه و أمثال ذلك، فلا بدّ من ملاحظة الأهمية، و لا يكون مطلق الضرر، ولو النفسي أو الحرج موجباً لرفع التكليف، فلو توقفت إقامة حجج الاسلام بما يرفع بها الضلالة على بذل النفس أو النفوس فالظاهر وجوبه، فضلاً عن الوقوع في ضرر أو حرج دونها»<sup>۱</sup> اگر معروف و منکر از اموری است که شارع مقدس بدانها اهمیت می دهد، مثل حفظ جان یا هتك حرمت ناموس ایشان و نیز مانند حفظ حجتها و آثار و شعائر الهی که نبود آن شعائر موجب گمراهی مردم می گردد، مانند کعبه، در این صورت مردم نیز باید به

آن امور اهم یت داده، از آنها دفاع نمایند و از بذل جان دریغ نکنند، تا چه رسد به اینکه فقط در ضرر و حرج افتند.»

(ب) تحمل ضرر

پس از اینکه معلوم شد در امر به معروف و نهی از منکر باید تفکیک کرد، بین موارد حادّ و حساس و موارد عادی از جهت تحمل ضرر و عدم آن، دو مطلب وجود دارد:

۱. امر به معروف و نهی از منکر از مواردی است که برای شارع دارای اهمیت است، به طوری که هرگز به مخالفت با آن راضی نیست، مثل حفظ جان محترم - که باید جان او حفظ شود - در این صورت، در مقام امر به معروف و نهی از منکر بذل مال واجب است؛
۲. مورد امر به معروف و نهی از منکر از قبیل فوق نیست و به دو دسته تقسیم می گردد:

(الف) بذل مال سبب به حرج و مشقت افتادن امر و ناهی نیست، در این صورت، بذل مال و امر به معروف و نهی از منکر مستحب است؛

(ب) بذل مال سبب به حرج و مشقت افتادن امر

۱. زبدة الاحکام، ص ۱۰۸.

و ناهی است ، در این صورت ، بذل مال و نیز امر به معروف و نهی از منکر حرام است.<sup>۱</sup>

ج. مقصود از ضرر

ضرری که در ابواب فقهی مطرح می شود، به دو قسم تقسیم می شود:

۱. ضرر مالی: منظور

اکثر فقها از ضرر، هر چیزی است که از نظر عرف و عقل ضرر به شمار رود و این به حسب اشخاص، مختلف می شود؛

یعنی ممکن است اندک ضرر مالی برای شخصی ضرر به شمار رود ، در حالی که همان م قدار برای شخص دیگر به علت تمکن مالی بالایی که دارد، ضرر مالی به حساب نیاید.

بنابراین، وقتی در باب امر به معروف و نهی از منکر «ضرر» اطلاق می شود، به شخص بذل کنن دة مال بستگی دارد.

۲. ضرر غیر مالی: مقصود فقها از ضرر غیر مالی، اعم است از ضرر آبروی، بدنی (مثل جراحت و قطع عضو)، جانی و هر مشقتی که

تحمل آن مشکل باشد.<sup>۲</sup>

د. یقین و غیر یقین چنانچه امر معروف و نهی از منکر مستلزم ضرر معتنابهی بر امر و ناهی باشد ، تحمل ضرر واجب نیست و وجوب امر به معروف و نهی از منکر ساقط می شود . فرقی نمی کند که ضرر به طور قطع و یقین مترتب گردد یا گمان بر ترتب ضرر وجود داشته باشد.

چنانچه احتمال ضرر برود ، وجوب امر به معروف و نهی از منکر ساقط می شود، به شرط اینکه آن احتمال خیلی ضعیف نبوده ، از نظر عقلا مورد توجه باشد.

هـ. ضرر بیننده

در سقوط وجوب امر به معروف و نهی از منکر در مورد ضرر ، بین اینکه ضرر بر خود آمر و ناهی وارد شود یا بر یکی از خانواده یا دوستان یا همراهان او یا حتی سایر مؤمنین ، فرقی نیست.<sup>۳</sup>

۲. همان «لو علم أو ظن أن إنكاره موجب لتوجه ضرر نفسي أو عرضي أو مالي يعتد به عليه أو على أحد متعلقيه كأقربائه و أصحابه و ملازميه فلا يجب و يسقط عنه، بل و كذا لو خاف ذلك لاحتمال معتد به عند العقلاء، و الظاهر إلحاق سائر المؤمنين بهم أيضا.»

۳. همان «لو علم أو ظن أن إنكاره موجب لتوجه ضرر نفسي أو عرضي أو مالي يعتد به عليه أو على أحد متعلقيه كأقربائه و أصحابه و ملازميه فلا يجب و يسقط

۱. تحرير الوسيلة، ج ۱، ص ۴۷۲: «لو كانت إقامة فريضة أو قلع منكر موقوفا على بذل المال المعتد به لا يجب بذله، لكن حسن مع عدم كونه بحيث يقع في الحرج والشدة، و معه فلا يبعد عدم الجواز، نعم لو كان الموضوع مما يهتم به الشارع و لا يرضى بخلافه مطلقا يجب»

۱۱. زمان ضرر

در ضرر بر افراد آمر به معروف و ناهی از منکر فرقی ندارد بین اینکه ضرر الآن متوجه شو د یا در آینده، پس اگر آمر و ناهی، یقین یا گمان دارد یا احتمال عقلایی می دهد که الآن ضرری متوجه کسی نمی شود؛ ولی در آینده متضرر می شود، وجوب امر به معروف و نهی از منکر ساقط می شود.<sup>۱</sup>

(و). حرج

اگر آمر و ناهی بدانند یا گمان داشته باشد یا احتمال عقلایی بدهد که افراد مزبور (خود، خانواده، همراهان یا سایر مؤمنین) دچار حرج و مشکلاتی می شوند، در این صورت نیز امر به معروف و نهی از منکر ساقط می شود.<sup>۲</sup>

(ز). دوران بین امر و نهی

اگر شخصی توانایی بر یکی از امر به

معروف یا نهی از منکر را دارد، در این صورت باید ملاحظه کند کدام یک از جهت شرعی مهم تر است؛ چنانچه مورد امر به معروف دارای اهمیت بیش تری است، امر به معروف نموده، نهی از منکر را رها کند، و چنانچه مورد نهی از منکر دارای اهمیت بیش تری است، نهی از منکر نموده، امر به معروف را رها نماید. اگر فرض شود هر دو مورد در یک سطح هستند، اختیار با خود اوست که کدام جانب را مقدم دارد.<sup>۳</sup>

(ح). دوران بین ارتکاب گناه یا امر و نهی

فقها در مورد «عدم مفسده» گفته اند: چنانچه تأثیر امر به معروف و نهی از منکر متوقف بر این باشد که خود آمر و ناهی مرتکب حرام گردد یا واجبی را ترک نماید، تکلیف وی چیست؟ آیا امر به معروف و نهی از منکر مقدم است یا ترک حرام و انجام واجب برای خود؟

جواب: این مسئله دارای دو صورت است: الف) حرامی که عاصی

عنه، بل و کذا لو خاف ذلك لاحتمال معتد به عند العقلاء، و الظاهر إلحاق سائر المؤمنین بهم أيضاً.»  
 ۱. همان: لا فرق في توجه الضرر بين كونه حالياً أو استقبالياً، فلو خاف توجه ذلك في المال عليه أو على غيره سقط الوجوب للاحتتمال المعتد به وقوعه أو وقوع متعلقه في الحرج و الشدة على فرض الإنكار لم يجب، و لا يبعد إلحاق سائر المؤمنین بهم.»

۳. همان، ص ۴۶۴: «لو كان قادراً على أحد الأمرين: الأمر بالمعروف الكذائي أو النهي عن المنكر الكذائي يلاحظ الأهم منهما، و مع التساوي مخير بينهما.»

می خواهد مرتکب شود، از گناهان بسیار بزرگ است که شارع مقدس هرگز راضی به تحقق آن نیست، در حالی که گناهی که آمر و ناهی به این سبب مرتکب خواهد شد، به مراتب کم تر از متعلق امر و نهی است، در این صورت باید اقدام نموده، جلوی معصیت گنهکار را بگیرد. مثل اینکه شخص عاصی می خواهد بی گناهی را بکشد و از سوی دیگر زمین و ملک، مال آمر و ناهی نیست و ناچار است برای جلوگیری از قتل وارد زمین غصبی گردد، در این صورت باید وارد زمین غصبی شده، جان بی گناه را نجات دهد و جلوی آن منکر بزرگ را بگیرد؛

(ب) گناه عاصی در حد فرض فوق نیست، در این صورت وجوب امر به معروف و نهی از منکر از او ساقط می گردد. مثل اینکه می بیند شخصی می خواهد شرب خمر کند یا در حال شرب خمر است؛ ولی برای امر به معروف و نهی از منکر باید وارد زمین غصبی گردد، در این صورت وجوب امر به معروف و نهی از منکر از وی

برداشته می شود.<sup>۱</sup> در مورد اصل اقامه واجب و دفع حرام (بدون در نظر گرفتن امر به معروف و نهی از منکر) نیز مطلب از همین قرار است؛ یعنی اگر اقامه واجبی از واجبات یا مرتفع ساختن حرامی از محرمات دینی مستلزم این است که واجبی را ترک یا حرامی را مرتکب گردند، در این صورت باید بین آن دو مورد مقایسه شده، آنچه اهم<sup>۲</sup> است، انتخاب شود.<sup>۳</sup> بدیهی است اگر جمع بین دو تکلیف میسر است، باید بین آن دو جمع کرد.

#### (ط). تجسس

نکته بعد در زمینه عدم مفسده و ضرر این است که چنانچه امر به معروف و نهی از منکر متوقف بر تجسس از احوال مردم باشد، آیا باز هم امر به معروف و نهی از منکر واجب است یا خیر؟

۱. همان: «لو توقف تأثیر الأمر أو النهی علی ارتکاب محرم أو ترك واجب لا يجوز ذلك، و سقط الوجوب، إلا إذا كان المورد من الأهمية بمكان لا يرضى المولى بتخلفه كيف ما كان كقتل النفس المحترمة و لم يكن الموقوف عليه بهذه المثابة، فلو توقف دفع ذلك على الدخول في الدار المغصوبة ونحو ذلك وجب»  
 ۲. همان: «لو توقفت إقامة فريضة أو قلع منكر على ارتكاب محرم أو ترك واجب، فالظاهر ملاحظة الأهمية.»

مراجع بزرگوار تقلید گفته اند:

الف ( تفحص در چارچوب ضوابط و مقررات قانونی صورت گیرد؛ در این صورت تفحص اشکال ندارد، چه در مورد کارمندان دولت و چه غیر آنان؛

ب) تجسس س در کار دیگران خارج از حدود و ضوابط قانونی است؛ در این صورت تجسس س جایز نیست ، حتی برای مأموران<sup>۱</sup>.

بنابراین تجسس در احوال دیگران برای آمر به معروف و ناهی از منکر جایز نیست و در موردی که امر به معروف و نهی از منکر متوقف بر این مسئله باشد، وجوب این دو فریضه ساقط می گردد؛ مگر اینکه عنوان ثانوی (همچون حفظ نظام اسلامی یا جلوگیری از نفوذ دشمنان و ...) حاکم باشد.

#### ۸. وجود و بقای موضوع

از دیگر شرایط امر به معروف و نهی از منکر این است که «موضوع» امر به معروف و نهی از منکر وجود داشته، باقی بماند . بنابراین، اگر موضوعی برای امر به معروف و

نهی از منکر باقی نمانده باشد، باطل بع وجوبی برای امر به معروف و نهی از منکر باقی نخواهد ماند . در این زمینه نکات زیر وجود دارد که لازم است مورد توجه قرار گیرند:

#### الف) شروع در مقدمات:

اگر فرد عاصی شروع در مقدمات کار حرام نماید و هنوز به خود حرام نرسیده، آیا موضوع امر به معروف و نهی از منکر لازم است یا نه؟

جواب : شروع در مقدمات حرام ، سه گونه متصور است:

۱. برای آمر و ناهی یقین وجود دارد که این مقدمات بالاخره عاصی را ب ه ذی المقدمه (عمل حرام ) می رساند، در این صورت امر به معروف و نهی از منکر واجب است؛

۲. برای آمر و ناهی یقین وجود دارد که این مقدمات، عاصی را به ذی المقدمه نمی رساند، در این صورت امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست؛ مگر آنکه قائل شویم مقدمه حرام، حرام است یا اینکه معتقد به حرمت تجزی شویم<sup>۲</sup>.

۱. توضیح المسائل محشی، ج ۲، ص ۱۰۱۶.

۲. تجزی را قبلاً توضیح داده ایم.



۳. شک وجود دارد در اینکه آیا عاصی با این مقدمات به حرام می رسد یا نه ، در این صورت نیز امر به معروف و نهی از منکر لازم نیست؛ مگر بنا بر همان دو مبنا (حرمت مقدمه حرام یا تجزی).<sup>۱</sup>

**ب) شک در توانایی:**

نکته دوم در زمینه شک در تحقق موضوع امر به معروف و نهی از منکر، شک در توانایی عاصی است، به این معنی که اگر شک وجود دارد آیا شخصی که تصمیم بر معصیت گرفته، قدرت بر انجام آن معصیت را دارد یا نه؟ در این صورت وظیفه آمر به معروف و ناهی از منکر چیست؟

**جواب :** در این صورت نهی از منکر واجب نیست؛ مگر آنکه قائل شویم «عزم بر معصیت» فی نفسه یکی از محرّمات است که در این صورت نهی از منکر برای چنین تصمیمی لازم است. امام خمینی (آوردہ اند : «لو همّ شخص باتیان

**محرّم و شك في قدرته عليه فالظاهر عدم وجوب نهيه، نعم لو قلنا بأن عزم المعصية حرام يجب النهي عن ذل ك؛<sup>۲</sup> چنانچه شخصی تصمیم بر انجام کار حرام گیرد و شك شود در اینکه آیا او توانایی بر انجام حرام را خواهد داشت یا نه، در این صورت نهی از منکر واجب نیست. بلکه، اگر قائل شویم تصمیم بر معصیت فی نفسه یکی از محرّمات است، در این مورد نهی از این تصمیم واجب است.»**

**ج) زوال موضوع:**

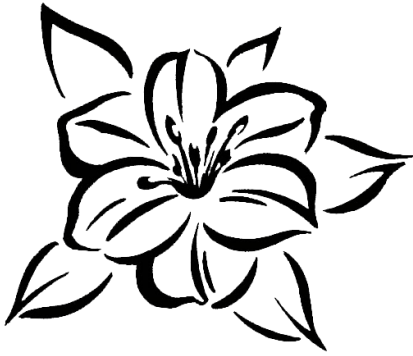
اگر موضوع امر به معروف و نهی از منکر از بین برود، در این صورت امر به معروف و نهی از منکر لازم نیست. مثال فقها در این مورد : شخصی با اینکه آب در اختیار دارد، نمی خواهد برای نماز وضو بگیرد؛ بلکه میخواهد تیمم کند، در این صورت امر به معروف باید به او در مورد وضو گرفتن امر به معروف کند. حال اگر آن شخص آب را روی زمین ریخت، در این صورت موضوعی برای وجوب وضو و نیز موضوعی برای وجوب امر به وضو باقی نمی ماند؛ بلکه وظیفه

۱. تحریر الوسيلة، ج ۱، ص ۴۶۵: «لو شرع في مقدمات حرام بقصد التوصل إليه فإن علم بموصليتها يجب نهيه عن الحرام، وإن علم عدمها لا يجب إلا على القول بحرمة المقدمات أو حرمة التجزي، وإن شك في كونها موصلة فالظاهر عدم الوجوب إلا على المبني المذكور»

۲. همان.

بیدار کنیم؛ زیرا شخص خواب تکلیفی ندارد و موضوع امر به معروف محقق نشده است؛ مگر اینکه به طور مکرر اتفاق بیفتد و «سبک شمردن نماز» تلقی گردد، که این مسئله دیگری است.

ادامه دارد...



در تیمم منحصر می شود. مثال دیگر: شخصی از فرط تشنگی در آستانه هلاکت است و شخص عاصی نمی خواهد او را نجات داده، به وی آب دهد. در این صورت نهی از منکر لازم است؛ یعنی باید او را در مورد منع آب، نهی از منکر نمود. حال اگر آن شخص عاصی آب را روی زمین ریخت، دیگر موضوعی برای نهی از منکر باقی نمی ماند و چنانچه بدون کوتاهی کردن آب روی زمین بریزد، حکم در دو مثال فوق بر همین منوال است.

د) بیدار کردن برای نماز یکی از مسائلی که متفرع بر اشتراط وجود موضوع می باشد این است که انسان تا وقتی خواب است، نماز بر او واجب نیست. بر این اساس، اگر می دانیم شخص بیدار است و برای نماز بر نمی خیزد، باید از باب امر به معروف، او را تشویق و وادار به نماز کرد؛ اما اگر می دانیم خواب است، لازم نیست او را که به خاطر خواب ماندن نماز را ترک کرده، از خواب

۱. همان، ص ۴۶۴: «لو عدم موضوع الفریضة أو موضوع المنکر سقط الوجوب و إن کان بفعل المکلف، كما لو أراق الماء المنحصر الذي يجب حفظه للطهارة أو لحفظ نفس محترمة.»



پاسخ از

پرسش از شما

مقام معظم رهبری علیه السلام

## بررسی نقشه دشمن در منطقه

ستار ملمیر - گروه جهادی «مقاومت»

معظم رهبری > ارائه می کنیم.

**سؤال: برای صحبت در مورد نفوذ ابتدا باید حد و مرز دشمن ی دشمن تبیین شود. در بین کارشناسان و فعالان سیاسی داخل کشور، گروه ی دشمن ی ها را پایان یافته قلمداد می کنند و معتقد به مفهوم استکبار و استکبارستیزی نیستند. نظر حضرت عالی در این باب چیست؟**

«استکبار یعنی چه؟

استکبار یک تعبیر قرآنی است؛ در قرآن

۱. ذکر دو نکته در اینجا ضروری است:  
الف) فرمایشات مقام معظم رهبری برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی دفتر ایشان به نشانی [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir) است و عبارات و جملاتی که بر آن افزوده شده، با علامت [ ] نشانه گذاری شده است.  
ب) در ذکر مأخذ سخنان مقام معظم رهبری > به تاریخ سخنرانی اکتفا شده و علاقمندان می توانند با مراجعه به سایت مذکور، محل سخنرانی و حاضرین در آن را ملاحظه نمایند.

## اشاره

امروزه پیرامون موضوعات گوناگون، سؤالات و شبهاتی برای مردم پیش می آید که بایستی برای آنها جوابی صحیح و دقیق ارائه شود تا اذهان عمومی دچار کج رویها نشوند. یکی از بهترین وجوه پاسخ دهی، پاسخ از لسان بزرگان دین، علما و مراجع دینی است که علاوه بر اتقان و صحت، در پذیرش آن از سوی مخاطب، تأثیر به سزایی دارد.

در شماره های گذشته (۱۹۱، ۱۹۲ و ۱۹۵) پاسخ برخی از سؤالات مطرح شده پیرامون مشکلات معیشتی، مذاکرات هسته ای، نقشه های دشمن و ... را از زبان مقام معظم رهبری > ارائه نمودیم؛ اکنون در ادامه این مباحث به مسئله «نفوذ» می پردازیم و پاسخ برخی از سؤالات را از زبان مقام

کلمة استکبار به کار رفته است؛ آدم مستکبر، دولت مستکبر، گروه مستکبر؛ یعنی آن کسانی و آن دولتی که قصد دخالت در امور انسانها و ملّتها ی دیگر را دارد؛ در همه کارهای آنها مداخله می کند برای حفظ منافع خود. خود را آزاد می داند. حقّ تحمیل بر ملّتها را برای خود قائل است. حقّ دخالت در امور کشورها را برای خود قائل است. پاسخگو هم به هیچکس نیست. این معنای مستکبر است. نقطه مقابل این جبهه ظالم و ستمگر، گروهی هستند که با استکبار مبارزه می کنند. مبارزه با استکبار یعنی چه؟ یعنی در درجه اول زیر بار این زورگویی نرفتن. معنای استکبارستیزی یک چیز پ یچ و خم دار پیچیده ای نیست. استکبارستیزی؛ یعنی یک ملّت ی زیر بار مداخله جویی و تحمیل قدرت استکبارگر یا انسان مستکبر یا دولت مستکبر نرود. این معنای استکبارستیزی است.»<sup>۱</sup>

«حالا بعضی ها روی کلمة دشمن حسّاسیت

دارند، به ما اعتراض می کنند که چرا مد ام می گوئید: دشمن، دشمن، در حالی که شما قرآن [را] ملاحظه کنید، می بینید اول تا آخر قرآن چقدر تکرار شده عنوان «شیطان»، عنوان «ابلیس». مکرّر گفته شده، مکرّر تکرار شده. از دشمنی که نباید غفلت کرد. دشمن دانستن دشمنی که عیب نیست.»<sup>۲</sup>

«دشمن را نباید فراموش کرد. از دشمنی که نباید غافل شد. امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه فرمود: «وَمَنْ رَأَى لَمْ يَكَمْ عَنْهُ»؛ اگر شما در جبهه نبرد خوابتان برد، معنایش این نیست که سرباز خط مقابل هم خوابش برده؛ نه. او بیدار است، منتظر است شما خوابتان ببرد تا بر سر شما بتازد. در میدان نبرد، کارزار همیشه نظامی نیست. گاهی سیاسی است، گاهی هم فرهنگی است. دشمنی سعی می کند رخنه ایجاد کند. چشمها را با دید باز نگهداریم. نقطه رخنه را ببینیم و مراقب باشیم این رخنه توسعه پیدا نکند. باید جلوی رخنه های فرهنگی و

سیاسی را بگیریم.»<sup>۱</sup>  
**سؤال : در سالها ی  
 اخیر ش اهدیم که  
 سردمداران کشورها یی  
 نظیر آمریکا، با نوع ی  
 تغییر ادبیات درباره  
 کشورمان صحبت م ی کنند  
 و این طور وانمود م ی  
 کنن د که درصدد  
 برانداز ی نیستند و  
 شاید هم ین طرز بیان  
 باعث شده مبنا ی  
 محاسبات ی عده ای  
 تغیرکنند، تحلیل  
 حضرتعالی از این تغیر  
 رویکرد چیست؟**

«همه این را امروز  
 فهمیده اند و دانسته اند  
 که مواجهه استکبار با  
 نظام جمهور ی اسلام ی،  
 دیگر از نوع مواجهه  
 دهه اول انقلاب نیست .  
 در آن مواجهه،  
 زورآزمایی کردند؛ شکست  
 خوردند . مواجهه سخت ی  
 بود؛ ایجاد جنگ بود،  
 کودتا بود . در اول  
 انقلاب کودتا راه  
 انداختند، شکست  
 خوردند . شورشهای قوم ی  
 راه انداختند، سرکوب  
 شدند و شکست خوردند .  
 جنگ تحمیلی را به راه  
 انداختند که هشت سال  
 به طول انجام ید، شکست  
 خوردند، پس دنبال این  
 راه ها نخواهند رفت ؛  
 یعنی احتمالش ضع یف

است. البته باید همیشه  
 هش یاری نسبت به هم  
 جوانب باشد؛ اما این،  
 اولویت استکبار در  
 مواجهه با نظام اسلام ی  
 نیست.»<sup>۲</sup>

«امروز س یاست  
 استکبار ی، استعمار  
 فرانو است؛ یعنی از  
 استعمار نو ینی که در  
 ده ها سال قرن گذشته  
 وجود داشت، یک قدم  
 بالاتر . استعمار فرانو  
 یعنی چه؟ یعنی دستگاه  
 استکباری کاری کند که  
 عناصری از ملتی که این  
 مستکبر م ی خواهد آن را  
 قبضه و تصرف کند، بدون  
 اینکه بدانند، به او  
 کمک کنند . دشمن، ایمان  
 شما را سدّ مستحکم خود  
 م ی بیند و دلش م ی  
 خواهد این سدّ برداشته  
 شود . حالا عناصر ی از  
 میان خود ما بیایند و  
 بنا کنند این دیوار را  
 تراش یدن یا سوراخ  
 کردن . اینها گرچه خودی  
 هستند؛ اما دارند برای  
 دشمن کار م ی کنند .  
 دشمن هم رو ی اینها  
 سرمایه گذاری م ی کند .  
 دیدید که آمریکاییها  
 حتّی در کنگره شان تصویب  
 کردند که به عناصری در  
 داخل کشور ما پول  
 بدهند تا برای آنها  
 کار کنند . اینطور علنی  
 و صریح! این استعمار

فرانو است . این، مثل این است که دونه ای نتواند بر رقیبش فائق بیاید، کاری کند که رقیب، خودزنی کند. مثلاً وادارش کند معتاد شود. وقتی طرف معتاد شد، دیگر حال دویدن ندارد؛ به خودی خود به نفع رقیبش کار کرده است. بنابراین، وقتی حال دویدن نداشت، رقیبش برنده می شود. در استعمار فرانو این کار را می کنند.»

«همه هم بدانند که هدف دشمنان ما با ریختها می مختلف و قیافه گیریهای مختلف می که از خودشان نشان می دهند - گاهی می اخم می کنند، گاهی لبخند می زنند، گاهی اوقات وعده می دهند، گاهی تهدید می کنند - تسلط بر کشور است. دشمن می خواهد برگردد به دوران سلطه بی قید و شرط خود بر این کشور؛ چون اسلام با این برگشت به شدت مخالفت است و نیروی مقاوم در مقابل این توطئه دشمن، اسلام است. با اسلام مخالفند.

مخالفت دشمن با اسلام به خاطر این است که می دانند معارف اسلام می، احکام اسلام می، در مقابل

آنها سد مستحکمی درست کرده است. با ملت ما مخالفند؛ چون ملت در مقابل آنها مثل کوه می ایستاده است. با هر کسی در میان ملت که در مقابل دشمن ایستادگی بیش تری داشته باشد، بیش تر مخالفند. با عناصر مؤمن بیش تر مخالفند. با سازمانها و نهادهای انقلابی بیش تر مخالفند. با عناصر حزب الله می بیش تر مخالفند؛ چون می دانند اینها سد های محکم و مستحکم در مقابل نفوذ دشمنان هستند. دنبال سلطه گری است و همه تلاش دشمن برای این است که جلو می حرکت اسلام می نظام جمهور می اسلام می را که می پیشرفت و ترقی می و اوج این ملت است، بگیرد.»

**سؤال: به نظر می رسد یکی از حربها می دشمنان برای تحت فشار قرار دادن ایران، نفوذ در کشورها می همسو با ایران در منطقه است. این مسئله را چگونه ارزیابی می فرمایید؟**

«در منطقه هم آنها می خواهند نفوذ ایجاد کنند؛ حضور برای خودشان دست و پا کنند و اهداف خودشان را در منطقه دنبال کنند. ما

به حول و قوّة الهی تا آنجا یی که بتوان یم، نخواه یم گذاشت این ائتّاق بیفتد. سیاستهای ما در منطقه، نقطه مقابل س یاستهای آمریکاست. ما تمام یت ارض ی کشورها ی منطقه برایمان بس یار مهم [است]؛ تمام یت ارض ی عراق و تمام یت ارض ی سوریه، برای ما کاملاً مهم [است]. آنها دنبال تجزیه اند. بنده از قبل گفتم که آمر یکاییها دنبال تجزیه عراقند. بعض یها تعجّب کردند. اخیراً خود آمریکاییها تصریح کردند که دنبال تجزیه عراقند. م ی خواهند عراق را تجزیه کنند. اگر بتوانند، م ی خواهند سوریه را تجزیه کنند. م ی خواهند کشورها ی کوچک کوچک و تحت فرمان به وجود بیاورند. به حول قوّة الهی این ائتّاق نخواهد افتاد. ما از مقاومت در منطقه دفاع م ی کنیم؛ از مقاومت فلس طین - که یکی از برجسته ترین فصول تاریخ امت اسلام ی، در طول این سالها مقاومت فلسط ین است - دفاع م ی کنیم. هر کس ی با اسرائیل مبارزه کند و رژ یم صهیونیستی را بکوبد و مقاومت را تأیید کند، ما از او حمایت م ی

کنیم. انواع حمایتهای که برای ما ممکن باشد؛ همه جور حمایتی که برای ما ممکن است، از هر کس ی که با رژ یم صهیونیستی مقابله کند، خواه یم کرد. از مقاومت حمایت م ی کنیم. از تمام یت ارض ی کشورها حمایت م ی کنیم. از همه کسان ی که در مقابله با سیاستهای تفرقه افکنانه آمریکا ایستادگی م ی کنند، حمایت م ی کنیم. با همه کسان ی که این تفرقه افکنی را به وجود م ی آورند، طرف یم و مقابلیم.»

**سؤال: با تمام این تفاسیر، باز هم به نظر م ی رسد عده ای در داخل به بهانه برداشتن سایه جنگ از سر کشور و تقویت ثبات و امنیت در منطقه، به دنبال کاهش تنشها با آمریکا و ایجاد تعامل با آنها هستند. آیا این فرضیه م ی تواند راهگشای مسائل منطقه ای و در راستای منافع ملی ما باشد؟**

«نقاط ضعف دشمن را - نقاط ضعف معرفت ی و عمل ی دشمن را - باید شناسایی کرد و اینها را به رخ انسانهایی که احتیاج دارند این مطلب به رخ آنها کش یده بشود، کشاند. دشمنان انقلاب اسلام ی همان

کسان ی هستند که ده پانزده سال قبل وارد منطقه شدند . شعارشان ایچ اد امنیّت بود . امروز شما نگاه کن ید کجای این منطقه امنیّت دارد؟ ناامن ی سراسر این منطقه را گرفته ؛ غرب آس یا و شمال آفریقا . وقت ی به افغانستان حمله کردند، شعارشان مبارزه با تروریسم ب ود [ امّا ] امروز ترور یسم هم ة منطقه را فرا گرفته . آن هم چه ترور یسمی ! تروریسم وحشی و خشن؛ تروریسمی که آدمها یش انسانها را - دشمنان خودشان را - زنده زنده در آتش جلوی چشم همه م ی سوزانند . از امکانات گوناگون فنّ ی هم استفاده م ی کنند برای اینکه این منظره را درست به چشم و باور هم ة مردم دن یا منتقل کنند و منعکس کنند . تروریسم اینجوری ! عناصر تکف یری امروز اینجور هستند؛ بچه را در مقابل مادرش م ی کُشنند، پدر و مادر را در مقابل فرزندانشان سرم ی بُرند . اینها آمده بودند تروریسم را در منطقه با این شعار و با این ادّعا - نم ی گوی م خواست واقع ی شان این بود؛ شعارشان این

بود - از منطقه برچینند [؛ امّا] امروز کجای منطقه ترور یسم نیست؟ آمده بودند به ادّعی خودشان دموکراسی ایجاد کنند؛ امروز مرتجع ترین و مستبدترین و دیکتاتورترین رژیمهای این منطقه به کمک آمریکا و متحدین آمریکا دارند سر پا ی خودشان م ی ایستند و به جنایات خودشان ادامه م ی دهند. واقعاً یکی از مشکلات اساس ی آمریکا این است. این مشکل به پُر و پای سیاستمداران آمریکا هم پ یچیده؛ حساب ی درگیرند . از رژیمهایی حمایت م ی کنند که در طول سالهای متماد ی شعار ضدّ دیکتاتوری و شعار حقوق بشری آنها با وجود این رژیمها نقض م ی شود . این الان در ب ین روشنفکران و نخبگان سیاسی و فکری آمریکا حساب ی مس ئله ایجاد کرده؛ نم ی توانند جواب بدهند . این دشمن یک چن ین موجود ی است . دشمنی که در مقابل ما است . آن مسئل ة حقوق بشرش . آن مسئل ة دموکراسی اش. آن مسئل ة تروریسمش . آن مسئل ة ایجاد امنیّتش . آن مسئل ة صلح . م ی گفتند ما م ی جنگیم برای صلح؛



کو صلح؟ همۀ منطقه را آل وده به جنگ کردند . کجای این منطقه الان جنگ نیست؟ دشمن این است . آنکه انقلاب در مقابل او ایستاده ، آنکه شما در مقابلش سینه سپر کرده اید، این است؛ یک چنین موجودی با این همه تناقض، با این همه خلل معرفتی و عملی . این است آن دشمن.»<sup>۱</sup>

«بعضیها اصرار دارند این شیطان بزرگ را با این خصوصیات - که از ابلیس بدتر است - بزک کنند و به شکل فرشته وانمود کنند .<sup>۲</sup> [؛ لکن مراقب باش ید] یکی از چیزهایی که قطعاً منافی با پیشرفت است، اختلاف و تفرقه است؛ تفرقه میان آحاد ملت . تفرقه میان مسئولین . تفرقه میان بخشهای گوناگون نظام . تفرقه میان نظام و مردم . این انسجام و یکپارچگی ای که انقلاب به ما داد، باید مثل یک ناموس مقدس حفظ شود ؛ از آن پاسداری شود.»<sup>۳</sup>

«آنها هی دنبال این اند که یک کاری پیدا کنند . یکی از کارهای مهم آنها این است که

با روشهای موزیانه و موریانه وار، ب بین ما اختلاف بپندازند . این جزو کارهای رایج اینهاست . این کار را از قدیم انجام میدادند . البته متبحر و کارشناس کامل این کار، انگلیسیهای خبیث اند . آنها در زمینه ایجاد اختلاف، از همه

کارشناس آمریکاییها پیش آنها شاگردی می کنند؛ از آنه ایاد می گیرند ! ایجاد اختلاف از راه های نفوذ، مثل موشهای دزد، مثل موریانه، وارد شدن و نفوذ کردن ، اینها جزو کارهای متعارف آنهاست . ما باید حواسمان جمع باشد . باید اختلافات به حداقل برسد.»<sup>۴</sup>

**سؤال : برخی عقیده دارند که هرگونه مذاکره با امریکا فرجام نامطلوبی برای ما خواهد داشت و طبق فرمایش حضرتعالی که در یکی از دیدارها فرمودید که به مذاکره با امریکا خوشبین نیستید، معتقدند این مذاکرات و نتایج تبعی آن منجر به نفوذ در داخل خواهد شد ؛ اما جریاناتی نیز بر این باورند که ه منافع**

۱ . ۱۳۹۴ / ۶ / ۲۵ .  
۲ . ۱۳۹۴ / ۶ / ۱۸ .  
۳ . ۱۳۸۹ / ۱۱ / ۱۹ .

۴ . ۱۳۹۱ / ۸ / ۱۰ .

مذاکره و تعامل با  
کشورهای جهان برای ما  
بیش از زیانها  
احتمالی آن خواهد بود.  
حضرتعالی این مسئله را  
چگونه ارز یابی م ی  
فرمایید؟

«ما با مذاکره با  
همان معنا ی امروز ی  
مخالفت ی نداریم. ما  
الان با همه دنیا داریم  
مذاکره می کنیم. ما با  
دولتها ی اروپا یی  
مذاکره می کنیم، با  
دولتها ی آمریکای لاتین  
[مذاکره می کنیم]؛ همه  
اینها مذاکره است. ما  
با مذاکره مسئله ای  
نداریم. معنا ی اینکه  
م ی گوئیم با آمریکا  
مذاکره نمی کنیم، این  
نیست که با اصل مذاکره  
مخالفیم؛ نه، با  
مذاکره با آمریکای  
مخالفیم. این یک علتی  
دارد. این را انسان  
هوشمند باید بفهمد که  
چرا؟ و الا با دیگران  
هم که مذاکره می کنیم،  
آنچنان دوستان یقه چاک  
ما که نیستند. بعضی از  
آنها دشمن اند، بعضی  
بی تفاوت اند، با آنها  
مذاکره می کنیم، مشکلی  
هم نداریم؛ اما مذاکره  
آمریکا با جمهور ی  
اسلام ی ایران؛ یعنی  
نفوذ. تعریفی که آنها  
برای مذاکره کردند،  
این است و آنها م ی  
خواهند راه را برای

تحمیل باز کنند. امروز  
غول عظ یم تبلیغاتی  
دنیا در مشت آمریکاست.  
امروز جریان صهیونیستی  
به شدت دشمن بشریت و  
دشمن فضا یلت، با  
آمریکا، هر دو در یک  
لباس اند. دستشان از  
یک آستین می آید بیرون  
و با هم هستند. مذاکره  
با اینها؛ یعنی راه را  
باز کردن برای اینکه  
بتوانند هم در زمینه  
اقتصادی، هم در زمینه  
فرهنگ ی، هم در  
زمینه های سیاسی و  
امنیتی کشور نفوذ  
کنند.»

«دنبال چیزی به نام  
مذاکره با ایران اند  
[؛ اما] مذاکره بهانه  
است؛ مذاکره وس یله  
برای نفوذ است. مذاکره  
وس یله برای تحمیل  
خواستهاست. ما فقط در  
قضیه هسته ای به دلایل  
مشخصی که مکرر هم این  
دلایل را ذکر کرده ایم،  
موافقت کردیم بروند  
مذاکره کنند؛ خوب  
مذاکره کردند. بحمدالله  
مذاکره کنندگان ما هم  
در این عرصه خوب ظاهر  
شدند؛ اما در عرصه های  
دیگر ما اجازه مذاکره  
ندادیم و با آمریکا  
مذاکره نمی کنیم. با  
همه دنیا ما مذاکره می  
کنیم [؛ اما] با آمریکا  
نمی کنیم. ما اهل

مذاکره ایم، اهل تفاهم می، هم مذاکرات در سطح دولتها، هم مذاکرات در سطح اقوام، هم مذاکرات در سطح ادیان. ما اهل مذاکره ایم و با همه مذاکره می کنیم، جز با آمریکا و البته رژیم صهیونیستی به جای خود محفوظ که اصل وجود رژیم صهیونیستی، وجود نامشروع و دولت جعلی است.»

«در هم بین مذاکرات مربوط به مسائل انرژی هسته ای، هرجا فرصت پیدا کردند و میدان به آنها داده شد، که البته طرفهای ایرانی بحمدالله حواسشان جمع بود؛ اما یک جاهایی بالاخره آنها فرصتها را پیدا کردند، یک نفوذی کردند، برای منافع ملی انجام دادند. آنچه ممنوع است، این است. مذاکره با آمریکا ممنوع است، به خاطر ضررهای بی شماری که دارد و منفعتی که اصلاً ندارد. این فرقی می کند با مذاکره با فلان دولت است که نه چنان امکاناتی دارد، نه چنان انگیزه ای دارد. اینها با همدیگر متفاوت است [؛ اما برخی] این را نمی

فهمند.»<sup>۲</sup>

### سؤال: به طور کلی

گستره جنگ نرم دشمن را چگونه ارزیابی می کنید؟

«ما مواجهیم با یک حمله همه جانبه فرهنگی و اعتقادی و سیاسی اعلام نشده؛ یعنی شما حالا که من دارم می گویم، قاعدتاً از من قبول می کنید؛ لکن اطلاع ندارید از آنچه دارد اتفاق می افتد. بنده اطلاع دارم از آنچه دارد اتفاق

می افتد. من دارم می بینم چه دارد اتفاق می افتد. لشکر فرهنگی دشمن و لشکر سیاسی دشمن با همه ابزارهایی که برایشان ممکن بوده، حمله کرده اند به ما برای سست کردن

اعتقادات دینی ما، سست کردن اعتقادات سیاسی ما، تقویت نارضاییهای در داخل کشور، جذب جوانها، به خصوص جوانهای فعال و اثرگذار در سطوح مختلف برای مقاصد خودشان. دارند کار می کنند. خوب، در مقابل اینها کارهایی دارد انجام می گیرد؛ بچه های

حزب الله، مردمان مؤمن، مسیولان باتعهد، کارهای خوبی دارند انجام می دهند؛ لکن بیش از اینها باید در

گزارش و مصاحبه - پرسش از شما، پاسخ از مقام معظم رهبر (ع)

کشور کار بشود.»<sup>۱</sup>  
 «امروز نفوذ دشمن یکی از تهدیدهای بزرگ است برای این کشور؛ دنبال نفوذند. نفوذ؛ یعنی چه؟ نفوذ اقتصادی ممکن است، که البته کم‌اهمیت‌ترین آن، نفوذ اقتصادی است؛ و ممکن است که جزو کم‌اهمیت‌ترین [هم] نفوذ امنیتی باشد، نفوذ امنیتی چیز کوچکی نیست؛ اما در مقابل نفوذ فکری و فرهنگی و سیاسی، کم‌اهمیت است. نفوذ امنیتی عوامل خودش را دارد، مسئولین گوناگون - از جمله خود سپاه - جلوی نفوذ امنیتی دشمن را با کمال قدرت ان شاءالله می‌گیرند. در زمینه‌های اقتصادی، چشم‌های بینایی مسئولین اقتصاد بایستی باز باشد و مواظب باشند که [دشمنان] نفوذ اقتصادی پیدا نکنند؛ چون نفوذ دشمن پایه اقتصاد محکم را متزلزل می‌کند. آنجاها بی‌که نفوذ اقتصاد می‌کردند، آنجاها بی‌که توانستند خودشان را بر اقتصاد کشورها و ملتها مثل یک بختکی سوار بکنند، پدر آن کشورها درآمد. اینجا ده پانزده سال قبل از این، رئیس‌ی‌کی

از هم‌ین کشورها بی‌که جزو کشورها ی پیشرفته منطقه ما بود، در سفری که به تهران داشت و پیش ما آمد، به من گفت: آقا! ما به خاطر نفوذ اقتصادی در ظرف یک شب تبدیل شدیم به فقیر، به گدا. راست می‌گفت. فلان سرما یه دار، به خاطر فلان خصوصیت اراده می‌کند این کشور را به زانو دربیورد؛ سرمایه خودش را می‌کشد بیرون، یا تصرفات می‌کند که اقتصاد آن کشور به زانو دربیاید. این هم البته خیلی مهم است؛ اما در قبال اقتصاد فرهنگی، اقتصاد سیاسی، نفوذ سیاسی و نفوذ فرهنگی اهمیتش کم تر است و از همه مهم‌تر، نفوذ سیاسی و نفوذ فرهنگ ی است... نفوذ سیاسی هم این است که در مراکز تصمیم‌گیری و اگر نشد، تصمیم‌سازی، نفوذ بکنند. وقت ی دستگاه های سیاسی و دستگاه های مدیریتی یک کشور تحت تأثیر دشمنان مستکبر قرار گرفت، آن وقت هم تصمیم‌گیریها در این کشور بر طبق خواست و میل و اراده مستکبرین انجام خواهد گرفت؛ یعنی مجبور می‌شوند. وقت ی یک کشوری تحت نفوذ سیاسی قرار گرفت، حرکت آن کشور،

جهت گیری آن کشور در دستگاه های مدیریتی بر طبق اراده آنهاست . آنها هم هم بین را می خواهند. آنها دوست نمی دارند که یک نفر از خودشان را بر یک کشوری مسلط بکنند؛ مثل آن چیزی که در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ در هند این کار را کردند؛ از خودشان آنجا مأمور داشتند؛ یک نفر از انگلیس رئیس هند بود. امروز این امکان پذیر نیست. برای آنها بهتر این است که از خود آن ملت کسان می در رأس آن کشور باشند که مثل آنها فکر کنند، مثل آنها اراده کنند، مثل آنها و بر طبق مصالح آنها تصمیم بگیرند . این نفوذ سیاسی است . [هدف این است که در مراکز تصمیم گیری نفوذ کنند، اگر نتوانستند ، در مراکز تصمیم سازی [نفوذ کنند ]؛ زیرا جاها می هست که تصمیم سازی می کند . اینها کارهایی است که دشمن انجام می دهد.»<sup>۱</sup>

«تمرکز دشمنان بر روی فرهنگ بیش تر از همه جاست ؛ چرا؟ به خاطر همین تأثیر زیادی که فرهنگ دارد . هدف و آماج تحرک دشمنان در

زمینه فرهنگ، عبارت است از رخنه در ایمان مردم و باورها می مردم . مسئولان فرهنگ می باید مراقب رخنه فرهنگ می باشند . رخنه های فرهنگی بس یار خطرناک است . باید حساس باشند . باید هش یار باشند . نمی خواهیم بگوئیم همه آس یبهای فرهنگ می کار بیگانگان است؛ نه . خود ما هم مقصر می؛ مسئولان مختلف، مسئولان فرهنگی، مسئولان غیر فرهنگی، کم کاریها، غلط کاریها، اینها تأثیر داشته . ما همه را به گردن دشمن نمی اندازیم؛ اما حضور دشمن را هم در زمینه مسائل فرهنگ می نمی توانیم فراموش کنیم . امروز ، و از روزهای اول انقلاب، دستگاه های تبلیغاتی، هم توشه و توان خود را گذاشته اند برای اینکه مردم را نسبت به پایه های این انقلاب بی اعتقاد کنند . این کار فرهنگ می است؟ ایمان مردم را مورد تهاجم قرار دادند، باورهای قلبی مردم را مورد تهاجم قرار می دهند؛ این را نمی شود انسان ندیده بگیرد.»

**سؤال : برخی در داخل معتقدند برای حفظ**

استقلال و جلوگیری از نفوذ در زمینها ی مختلف، باید روابط با بیگانگان را به حداقل میزان ممکن کاهش داد . به نظر حضرتعالی آیا برای در امان ماندن از توطئه نفوذ و حفظ استقلال باید از سایر کشورها رویگردان شد؟

«استقلال به معنای قهر کردن با کشورها نیست؛ به معنای ایجاد کردن سدّی در مقابل نفوذ کشورهاست که نتوانند منافع آن کشور را، منافع [آن] ملت را تحتالشعاع منافع خودشان قرار بدهند؛ این معنی استقلال است و این مهم‌ترین هدف برای یک کشور است.»

«آن چیزی هم که می‌تواند استقلال را تأمین بکند، برای انقلاب اسلامی ما، تکیه صریح و شفاف بر مبان انقلاب است؛ اصول انقلاب، مبان انقلاب، ارزشهای انقلاب، به شکل صریح و شفاف مورد تکیه باید قرار بگیرد. همچنان که امام بزرگوار (این‌جور بود؛ امام از اول شروع نهضت، هم‌ه‌ حرف خود را صریح، بدون ابهام بیان کرد . از اول امام رژیم طاغوتی موروثی

استبدادی سلطنتی را نفی کرد، ملاحظه [کاری] نکرد . از اول معلوم بود که امام دنبال یک نظام و یک تشکیلات مردمی است . سلطنت موروثی، مردود؛ نظام استبدادی، مردود؛ نظام فردی و متکی به اراده فرد، مردود . اینها را امام صریح بیان کرد؛ پرده‌پوشی نکرد . امام به صراحت بیان کرد که نظام اسلامی - نظامی بر مبنای اندیشه اسلام و ارزشهای اسلامی - باید سرکار بیاید؛ پرده‌پوشی نکرد . امام در قضیه مقابل‌ه‌ شبک‌ه‌ صهیونیستی خطرناکی که بردن یا می‌خواهد حکومت بکند، هیچ ملاحظه‌ای نکردند . حرفی را پوشیده نگذاشتند . صراحتاً در مقابل صهیونیسم موضع گرفت [ن د]. امام در مقابل رژیم صهیونیستی که یک رژیم جعلی و غاصب است، که بر منطقه فلسطین مظلوم حکومت می‌کند، صریحاً موضع گرفت؛ هیچ ملاحظه و پرده‌پوشی نکرد . ببینید! اینها اصول و پایه‌هاست . امام در اینکه ما با نظام سلطه مخالفیم، هیچ پرده‌پوشی نکرد . نظام سلطه؛ یعنی آن نظام بین‌المللی‌ای که متکی

است به تقسیم دنیا به سلطه گر و سلطه پذیر؛ امام قاطعاً این را رد کرد. آن نظام سلطه هم در شکل کامل خود تجسم و تجسد پیدا می کند در رژیم و دولت کنونی ایالات متحده آمریکا؛ لذا امام صریحاً در مقابل آمریکا موضع گرفت.

موضع گیری ما در مقابل امریکا به مناسبت این نیست که اینها یک ملت باشند که ما با این ملت مخالف باشیم یا خصوصیات نژادی تأثیری داشته باشد. مسئله اینها نیست؛ مسئله این است که من و شما و رفتار دولت ایالات متحده آمریکا، مداخله گری و سلطه گری است. امام در مقابل این، موضع صریح و شفاف گرفت. برای همین است که شما می بینید انقلاب بعد از گذشت ۳۵ سال بر اصول و مبانی و بر ریل حقیقی خود استوار و پابرجا است. انقلاب عوض نشد، حرف خود را عوض نکرد، راه خود را عوض نکرد، هدفهای خود را عوض نکرد؛ خیلی مهم است.»<sup>۱</sup>

**سؤال : آیا روزی خواهد رسید که دشمنان**

**دست از این توطئه ها و سنگ اندازی ها در مسیر استقلال ما بردارند؟**

«سیاستهای استکبار، سیاستهای آمریکا، سیاستهای شبکه صهیونیستی عالم که آماج اولش برای دشمنی، به دلاوی ل روشن، جمهوری اسلامی است، نمی توانند جمهوری اسلامی را از پا در بیاورند. نه فقط نمی توانند از پا در بیاورند [بلکه]؛ [کنند. ما می توانیم با سرعت حرکت خودمان را پیش ببریم؛ البته منتظر توطئه دشمن هستیم. این توطئه ها ادامه پیدا خواهد کرد، تا یک مقطع؛ آن مقطع عبارت است از اقتدار همه جانبه کشور که این، کار شما دانشجویان، کار شما نسل جوان است. آن وقتی که توانستید کشور را به اقتدار علمی و به اقتدار اقتصادی برسانید و آن وقتی که توانستید عزت علمی را برای کشور فراهم کنید، آن روز البته توطئه ها کم خواهد شد؛ ما یوس خواهند شد. تا وقتی به آن نقطه نرسیده ایم، منتظر توطئه ها باید بود و آماده مقابله با این توطئه ها باید بود

و إن شاء الله هر روزی که بگذرد، شما قوی تر خواهید بود، دشمن شما ضعیف تر خواهد شد و آن روزی که پیروزی نهایی نصیب ملت بشود، إن شاء الله روز دوری نخواهد بود.»

**سؤال: در چه دوره ای از انقلاب قرار است این مبارزه با استکبار به پایان برسد و نتایج نهایی این ایستادگی و سرخم نکردن در برابر استکبار چه خواهد بود؟**

«نقطه بعدی، استکبارستیزی است. عدم تسلیم در مقابل فشارها. در این زمینه هم ایستادیم. این کار سخت بود؛ اما جمهوریت اسلامی توانست این کار سخت را با موفقیت انجام دهد. خلیفه بودند، از همان اوایل انقلاب، می گفتند: آقا حالا که انقلاب پیروز شد، دیگر بس است؛ برویم با آمریکاییها مسائل را تمام کنیم! این معنایش این بود که شعار ظلم ستیزی انقلاب تخطئه شود. این را تشویق می کردند. در طول زمان [انقلاب]، بودند کسانی که دنبال این بودند؛ یعنی برویم با آمریکا همراه شویم. آن کسی که دشمن اصلی

ماست، برویم زیر بال او؛ به دامن او پناه ببریم. معنای این حرف، فروختن قضیه فلسطین است. معنای این حرف، اغماض کردن از جنایات آمریکا در عراق و افغانستان و امثال اینهاست. معنای این حرف، چشم بستن بر روی این همه ظلم است که آمریکا در جهان بر ملتها دارد انجام می دهد. معنای این حرف؛ یعنی به این مسائل اعتراض نکنیم. خوب، عادی کردن روابط معنایش این است که دیگر ملت ایران و مسئولین ایران نتوانند صریح اعتراض کنند و حرفشان را بزنند. و یک مرحله آن طرف تر، تدریجاً مجبور بشوند حرف آنها را قبول کنند. خوب، این ثبات و استقامت، پر زحمت بود؛ اما بابرکت بود، رحمت الهی را هم جلب کرد، توجه ملتها را هم جلب کرد. ایستادگی شما ملت ایران ظرف این سی و چند سال بر روی شعارهای اصلی انقلاب، این برکت بزرگ را داشته است که امروز دنیای اسلام به چشم عظمت [به ما] نگاه می



کند.»<sup>۱</sup>

«اگر نصرت خدا بکنیم؛ نصرت خدا با فکر کردن، اندوختن اندیشه های ناب، مطرح کردن درست آن در عالم، پای آن ایستادن، تدبیر برای پیشبرد آن به کار بردن، در مقابل خطرات آن سینه سپر کردن» «لینصرن الله»؛ خدا می متعال حتماً و قطعاً نصرت خواهد کرد. معنای «لینصرن» این است؛ یعنی خدا حتماً و قطعاً نصرت می کند. [وَمَنْ أَصْدَقُ مَنِ اللَّهِ قِيلاً]؛ «از خدا راستگوتر کیست؟» ملت ایران اینها را در عمل تجربه هم کرده است. اگر شما ملت عزیز ما، شما جوانهای خوشرویه و پرتوان و عازم، در این راهی که دارید می روید، ایستادگی کنید، شک نکنید که در زمان خود، در زمان متناسب، تمام آمال و آرزوها و داعیه ها و شعارهای ملت ایران، نه فقط نسبت به خود این کشور؛ بلکه نسبت به دنیای اسلام و امت اسلامی و جامعه بشری تحقق پیدا خواهد کرد. هر کاری دوره ای دارد، زمانی دارد؛ در زمان متناسب خود، این آرزوها تحقق پیدا

خواهد کرد. ملت ایران به آن نقطه ای که مورد نظر اوست، به دنبال آن حرکت کرده است، اهتمام ورزیده است، خواهد رسد. راهش مقاومت کردن است. آن وقت چه اتفاقی می افتد؟ مسیر تاریخ دنیا تغییر پیدا خواهد کرد. مسیر تاریخ عوض خواهد شد. امروز مسیر تاریخ، مسیر ظلم است؛ مسیر سلطه گری و سلطه پذیری است. یک عده در دنیا سلطه گرند، یک عده در دنیا سلطه پذیرند. اگر حرف شما ملت ایران پیش رفت، اگر شما توانستید پیروز شوید، به آن نقطه موعود برسید، آن وقت مسیر تاریخ عوض خواهد شد؛ زمینه ی ظهور ولی امر و ولی عصر (ارواحنا له الفداء) آماده خواهد شد؛ دنیا وارد یک مرحله جدیدی خواهد شد. این بسته به عزم امروز من و شماست. این بسته به معرفت امروز من و شماست.»<sup>۲</sup>

**سؤال: نظر به اینکه یکی از نقاط عطف در مناسبات سیاسی کشور، انتخابات است و امکان وجود دارد که افرادی به سمتهای حساس راه پیدا کنند که طبق**

فرموده شما «مثل دشمن  
فکر می کنند» چه توصیه  
ای برای مردمی که در  
سال جاری باید در دو  
انتخابات پراهمیت مجلس  
شورای اسلامی و مجلس  
خبرگان رهبری شرکت  
کنند، دارید؟ آیا می  
توان روزنه های نفوذ را  
در همین انتخابات بست؟  
«نماینده صالح آن  
کسی است که پایبندی او  
به اسلام باشد. پایبندی  
او به عدالت باشد.  
پایبندی او به منافع  
ملی باشد. مرز او با  
دشمن، مرز مشخصی باشد.  
اگر این نشد، آن  
نماینده، نماینده خوبی  
نخواهد بود. نماینده  
ملت در واقع نخواهد  
بود. خوشبختانه در  
کشور ما مجموعه های  
سیاسی ای که هستند،  
نسبت به مبانی اسلام و  
انقلاب تقریباً همه، به  
جز یک اقلیت کوچکی،  
متفق القولند؛ منتها  
مرزها را باید روشن  
کرد. بعضی، از دشمن  
رودر بایستی دارند.  
بعضی، ملاحظه دشمن را  
می کنند. ملاحظه ملت را  
باید کرد. ملاحظه خدا  
را باید کرد، نه ملاحظه  
دشمن را. دشمن، دشمن  
است؛ هرچه ملاحظه کنی،  
هرچه عقب بنشی، او  
جلو می آید. اگر خاکریز  
شما در مقابل دشمن

خاکریز مستحکمی نباشد،  
او نفوذ می کند.  
دشمنان این را می  
خواهند. یکی از شاخصها  
همین است. مردم در هر  
جای کشور هستند، به  
این شاخص توجه کنند.  
آن کسانی که مرزشان با  
دشمن و دست نشانده  
دشمن مرز کمرنگی است،  
اینها برای ورود به  
مجلس اصلاح نایستند.  
کسانی باید باشند که  
مرز روشن می با دشمن  
داشته باشند.»



# رهبر دین و خبرها

- \* دلارهای نفتی عربستان و برهمزدن تمام قوانین جهان
- \* مسئولان همه تلاش خود را برای رعایت حق الناس به کار گیرند
- \* آغاز فتنه از هوای نفس
- \* نگران راه امام یا بیت امام؟
- \* این انقلاب به امام زمان تحویل داده خواهد شد و این قطعی است
- \* گردهمایی معاونین تبلیغ استانها
- \* آل سعود آلت دست آمریکا
- \* ابتکار جوانان آلمانی برای انتشار نامه دوم رهبر انقلاب به جوانان غربی
- \* افزایش برنامه‌های قومیتی علیه ایران در شبکه‌های سعودی
- \* استعفای ۱۸۰۰ عضو کلیسای مورمون
- \* تشرّف یک متخصص آلمانی به اسلام
- \* جنجال مسلمان شدن دختر مسیحی
- \* نامه دختر شیخ نمر به پدر شهیدش
- \* محجبه شدن دختران دانشجو در حمایت از استاد
- \* سخنان شخصیت‌های لبنانی درباره پیام مقام معظم رهبری علیه السلام
- \* قرآن زندگی‌ام را تغییر داد
- \* نزدیکی شیعه و سنی بیش‌تر از نزدیکی وهابی و سنی است
- \* فتوای الأزهر در مورد نقاب زدن بانوان
- \* واکنش منسجم پیروان ادیان آمریکا به اظهارات کشیش افراطی
- \* دیدار رئیس فدراسیون تکواندو با معاون تبلیغ حوزه‌های علمیه
- \* نخستین گروه از داوطلبان سنی ضد داعش تشکیل شد



## برهمزدن تمام قوانین جهان

حضرت آیت الله مکارم شیرازی از مراجع تقلید پیرامون وضعیت فعلی جهان و منطقه گفت :

دنیایی که ما در آن زندگی می کنیم از جهاتی پیشرفته و از جهاتی بسیار عقب مانده است؛ از نظر صنایع ، فوق العاده پیشرفته، ولی از نظر مسائل اخلاقی و حقوق بشر از عقب مانده ترین دوران هاست. به عنوان مثال عربستان سعودی را در نظر می گیریم.

ایشان عربستان سعودی را به عنوان یک نمونه از این عقب ماندگی معرفی کرده و افزود :

عربستان سعودی حکومت قبيله ای مانند ۵۰۰ سال قبل دارد که شاهزاده ها تمام منصبها را دست به دست می گردانند و انتخاباتی در کار نیست، بلکه تمام منابع

در دست همان شاهزاده ها است و ثروتهای کلانی در خارج ذخیره کرده اند.

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی خاطرنشان کرد : آیا دنیایی که تمام مسائل آن به خاطر دلارهای نفتی باشد، از عقب مانده ترین ها نیست؟ دولتی که هیچ قانونی را به رسمیت نمی شناسد و فقط به خاطر پولهای کثیف، کسی کاری به او نداشته باشد، آیا چنین دورانی از عقب مانده ترین دورانها نیست، هرچند به ظاهر صنعتی و پیشرفته باشد؟

ایشان در پایان تأکید کردند : ما در چنین شرایطی باید بیش از پیش قوی و متحد و بیدار باشیم و فریب مراکز و مجامع و قانونهای کاغذی و تشریفاتی را نخوریم؛

امیدواریم خدای متعال ما را از شرّ همه اشرار در این زمان محفوظ بدارد.<sup>۱</sup>

### مسئولان همه تلاش خود را برای رعایت حق الناس به کار گیرند

حضرت آیت الله نوری همدانی از مراجع تقلید با بیان اینکه باید همه آحاد جامعه شکرگذار نعمت ولایت و نظام اسلامی باشند، گفت: قانون اساسی جمهوری اسلامی از عترت و سنت گرفته شده، این چنین نظام و قانونی در دنیا بی نظیر و در امتداد فرهنگ پیامبران خدا و ائمه است.

ایشان با اشاره به اینکه انقلاب اسلامی ریشه در دین، عقیده و ایمان دارد و حکومت‌های دیگر، دارای چنین خصوصیتی نمی باشند، اظهار داشت: انقلاب اسلامی، نظامی دینی است و ریشه آن در قلب و فطرت مردم قرار دارد و ارکان این انقلاب هم از اصول، مذهب و دین می باشد.

آیت الله نوری همدانی در رابطه با انتخابات و حضور مردم افزود: رأی مردم نوعی امانت است و مسئولین وظیفه

دارند برای اقتدار این نظام و برگزار شدن انتخابات با شکوه، همه تلاش خود را بکار بگیرند و موجب سرافرازی نظام اسلامی شوند.

ایشان همچنین بابیان اینکه شرکت در انتخابات وظیفه آحاد مردم و رأی آنان جزء مسائل حق الناس است، گفت: باید حق الناس در انتخابات رعایت شود؛ شورای نگهبان مسئولیت سنگینی در برابر امانت مردم دارد و این امانت را نمی شود به دست هر شخصی سپرد.<sup>۲</sup>

### آغاز فتنه از هوای نفس

آیت الله محمدتقی مصباح یزدی، پیرامون موضوع «فتنه» خاطرنشان کرد: یکی از مسائل مهمی که باید به آن توجه کرد و درباره آن اندیشید، این است که در مسیر زندگی راه صحیحی را انتخاب کرده، پیموده و به مقصد برسانیم و مواظب باشیم در چاله های فتنه ها و انحرافات قرار نگیریم. ایشان با اشاره به

خطبه ۵۰ نهج البلاغه به علت پیدا شدن فتنه در میان مردم اشاره کرد و گفت: آغاز فتنه ها از

۲. خبرگزاری حوزه، کد خبر: ۳۶۸۹۹۵.

۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله مکارم شیرازی، کد خبر: ۶۴۱۱.

هوای نفس شروع می شود؛ افراد ، دلخواه هایی دارند و اینها غلبه و هیجان پیدا می کند و عواملی اینها را تقویت کرده و به جایی می رسد که در مقابل اینها تسلیم می شوند؛ اینطور نیست ندانند فلان کار غلط است و عواقب بدی دارد، بلکه در ابتدا خود را به تغافل زده و مسامحه می کنند و می گویند که به موقع توبه خواهیم کرد.<sup>۱</sup>

**نگران راه امام یا بیت امام؟**

حجت الاسلام و المسلمین نبوی معاون تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه های علمیه نسبت به اظهارات رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد شورای نگهبان واکنش نشان داد و در پاسخ به سخنان آقای هاشمی رفسنجانی گفت : باید به ایشان گفت جناب عالی را چه کسی تأیید کرده است؟ اگر رئیس تشخیص مصلحت نظام هستی، به واسطه تأیید مقام معظم رهبری > است. آنها را هم معظم له تأیید کرده . از سوی دیگر جایگاه شورای نگهبان در قانون اساسی با جایگاه جناب عالی

تفاوت جدی دارد. معاون تبلیغ حوزه های علمیه در ادامه افزود : ایشان خود را نگران بیت حضرت امام ! نشان می دهد ؛ ولی معلوم است ناراحتی اش به دلیل دیگری است. به نظر من اینها توطئه هایی برای بیت امام و نام امام داشته ، جوانی را آورده اند که هیچ سابقه اجرایی جدی در کشور ندارد . می خواهند هر طور که دوست داشتند مدیریتشان کنند.

مسئول مرکز تخصصی تبلیغ حوزه خاطر نشان کرد : جناب آقای رفسنجانی! شما نگران بیت امام هستید؛ اما نگران دستورات امام نیستید؟ حضرت امام این همه بر ولایت فقیه تأکید کرده اند، ولایت فقیه را می شکنید، بعد نگران آن نیستید؟ کیست که با امام کم ترین آشنائی داشته باشد و نداند امام تا چه حد بر ولایت فقیه تأکید کرده اند . تو نم ی دانی مقام معظم رهبری با این حرفهایی که در تضعیف شورای نگهبان مژنی، صد در صد مخالف است؟ مشروح سخنان و گفته های معاون تبلیغ حوزه در پایگاه اطلاع رسانی

۱. خیرگزاری رجا، کد خبر : ۲۴۰۳۳۴

## گردهمایی معاونین تبلیغ استانها

دومین گردهمایی  
معاونین تبلیغ و  
آموزشهای کاربردی  
استانهای کشور در سال  
جاری، در معاونت تبلیغ  
حوزه های علمیه برگزار  
شد.

این گردهمایی هر شش  
ماه یکبار برگ زار می  
شود. هم ایش اخیر با  
هدف بررسی مشکلات و  
موانع معاونین تبلیغ  
در انجام مأموریت،  
توجیه برنامه ها و  
طرحهای مصوب ستاد  
معاونت تبلیغ، بررسی  
عملکرد معاونین در  
استانها و ابلاغ  
دستورالعملها و طرحهای  
جدید انجام شد.

در این گردهمایی  
ابتدا حجت الاسلام و  
المسلمین ن بوی، معاون  
تبلیغ و آموزشهای  
کاربردی حوزه های  
علمیه با بیان اهمیت  
شرایط پیش آمده برای  
تبلیغ، آن را یک فرصت  
دانست، که باید غنیمت  
شمرده شود و در تبیین  
آن بیان داشت: در زمان  
طاغوت آرزو داشتیم ما  
را به آموزش و پرورش  
راه بدهند که حتی در  
یک کلاس برای بچه ها  
حرف بزنیم و کلاس  
برگزار کنیم. اگر هم  
اجازه می دادند، یک  
وقت سوخته و بسیار

معاونت تبلیغ و  
آموزشهای کاربردی حوزه  
های علمیه و  
خبرگزاریهای رسمی،  
موجود است.<sup>۱</sup>

## این انقلاب به امام زمان تحویل داده خواهد شد و این قطعی است

آیت الله محی الدین  
حائری شیرازی > طی  
سخنانی با بیان اینکه  
سمت و سوی انقلاب مشخص  
است، اما اینکه در  
آینده چه اتفاقاتی می  
افتد، هیچ قابل پیش  
بینی نیست، اظهار داشت:  
آنچه برای ما روشن است  
این است که این انقلاب  
به دست امام زمان (ع)  
تحویل داده خواهد شد و  
این قطعی است و ما آرزو  
داریم که این رهبری،  
انقلاب را به دست امام  
زمان (ع) بدهند.

ایشان با تأکید بر  
اینکه هر کسی وظیفه  
دارد به عرصه بیاید و  
وظیفه خودش را انجام  
دهد، خاطر نشان کرد:  
هرچه اتفاق بیفتد،  
نتیجه اش این نیست که  
آمریکا به جایی برسد و  
هیچ وقت چنین خیالی  
نکنید؛ آمریکا هیچ چیز  
به دست نخواهد آورد.<sup>۲</sup>

۱. پایگاه اطلاع رسانی معاونت  
تبلیغ و آموزشهای کاربردی  
حوزه های علمیه به آدرس  
www.mobalegan.ir  
۲. خبرگزاری تسنیم، کد خبر  
۹۷۲۲۶۱.

اندک بود که البته ما برای آن هم بسیار خوشحال می شدیم. در حوزه مطبوعات در تمام حوزه فقط یک نشریه مکتب اسلام وجود داشت که آن یک مجله، چه مقدار می توانست نیاز جامعه را تأمین کند؟ ولی الآن به برکت نظام جمهوری اسلامی فرصت های زیادی در اختیار ماست معاون تبلیغ حوزه های علمیه با اشاره به روایات امیرالمؤمنین علی (ع) که فرموده است: «إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غَمَّةٌ» تصریح کرد: معلوم نیست هم غمها در دنیا باشد؛ بخش عمدتاً این غمها در قیامت است و به همین خاطر یکی از اسامی قیامت، یوم الحسرة است؛ روزی که حتی خوبها هم غم می خورند. آنان که استفادۀ فرصتها نکرده بودند به شدت حسرت خواهند خورد. ایشان خطاب به معاونین تبلیغ استانها افزودند: شماها فرصتی فوق العاده برای دعوت به حق دارید. زمانی که برای سرکشی به مبلغان گرامی می روید، زمانی که آنها را به کاری توصیه می کنید، همۀ آنها مصداق دعوت به حق است و این فرصت ها امروز در اختیار ماست

معاون تبلیغ حوزه های علمیه، معاونین استانی را به دقت در عمل و ارائۀ گزارش های دقیق و رعایت مسائل مالی توصیه کرده و نسبت به موضوعات زیر تأکید کردند:

- اجراء کامل و دقیق طرح تمسک؛

- احیاء مساجد غیر فعال یا نیمه فعال؛

- اجراء طرح پیوندهای آسمانی؛

- فعال کردن هسته های امر به معروف و نهی از منکر؛

- اجراء طرح تربیتی مدارس امین؛

- آموزش برای مبلغان امین جهت ارتباط گیری با دانش آموزان، اولیاء مدرسه و اولیاء دانش آموزان؛

- ساماندهی گروه های تبلیغی؛

- راه اندازی امور فرهنگی در مدارس علمیه استانها.

### آل سعود آلت دست آمریکا

مولوی عبدالرحیم ریگیان پور امام جمعه اهل سنت میرجاوه با اشاره به جنایت دولت عربستان در اعدام شیخ نمر، اظهار داشت: جامعه اهل سنت ایران این جنایت آل سعود را

۱. پایگاه اطلاع رسانی معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه های علمیه به آدرس: www.mobalegan.ir



محکوم می کند و خواستار واکنش جدی سازمان ملل و سازمان حقوق بشر به این اقدام ددمنشانه دولت عربستان است.

وی افزود: بدون شک پشت پرده این جریانات، آمریکا و اسرائیل هستند که از هیچ تلاشی برای ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی فرو گذار نمی کنند و آل سعود، آلت دست آمریکا و رژیم صهیونیستی است.

ایشان در ادامه خاطر نشان کرد: تنها جرم این عالم بزرگ، دفاع از حق و آزادی بود! دولت عربستان حق طلبی این عالم بزرگ را برنتابید و با این اقدام وحشیانه، باعث تنفر بیش تر دنیای اسلام از رژیم آل سعود شد.

ریگان پور با بیان اینکه این جنایت با چراغ سبز آمریکا و اسرائیل انجام شد، تأکید کرد: این جنایات احساسات مسلمانان را جریحه دار کرد، خون پاک شیخ نمر باعث بیداری بیش تر مسلمانان می شود و جهان اسلام در مقابل این جنایت ساکت نخواهد

## نشست<sup>۱</sup> ابتکار جوانان آلمانی برای انتشار نامه دوم رهبر انقلاب به جوانان غربی

شیعیان شهر  
«دلمنهورست»<sup>۲</sup> در شمال آلمان برای تبلیغ و انتشار نامه دوم مقام معظم رهبری<sup>۳</sup> به جوانان غربی دست به ابتکار جدیدی زدند.

آنها یک بیلبورد تبلیغاتی را در جاده اصلی این شهر اجاره کردند و در آن تصویر بزرگی از رهبر معظم انقلاب به همراه ترجمه آلمانی عبارتی از نامه دوم ایشان به جوانان غربی را نصب کردند. عبارتی که رهبر انقلاب نوشته بودند که «رنج هر انسانی در هر نقطه از جهان، به خودی خود برای هم نوعان اندوه بار است.» در قسمت پایین این تصویر هم آدرس وب سایتی درج شده بود که متن کامل ترجمه آلمانی نامه مقام معظم رهبری<sup>۳</sup> به جوانان غربی در آن قرار داشت.

### افزایش برنامه های قومیّتی علیه ایران در شبکه های سعودی

شبکه خبری  
«الاکباریه» عربستان،

۱. شبکه اطلاع رسانی دانا، گروه سیستان و بلوچستان، کد خبر: ۶۰۲۹۶۴.

۲. Delmenhorst.

۳. مشرق نیوز، کد خبر: ۵۱۶۳۶۸.

وابسته به دولت این کشور در کنار دیگر رسانه های وابسته به عربستان، تلاش می کند از گروه هایی که خواهان تجزیه ایران هستند حمایت کند. پس از برنامه های اخیر شبکه العربیه که تریبون تجزیه طلبان و منافقین شده است، شبکه الاخباریه برنامه ای تحت عنوان «همسایه» را روی آنتن برد که در آن ادعا کرد ایران در سال ۱۹۲۵ با گمراه کردن «شیخ خزعل» رئیس قبیله بنی کعب و از حاکمان خوزستان، این استان را اشغال کرده است!

بر اساس این خبر این برنامه بر آنچه آن را «رنج و ستمی که بر مردم خوزستان روا شده» می نامد، متمرکز شده تا به اصطلاح خود را مدافع حقوق مردم عرب ایران نشان دهد؛ حال آنکه این اقدام نوعی نژادپرستی است و در آن تلاش می شود اعراب ایران علیه نظام ایران تحریک شوند.

طی چند ماه گذشته موج برنامه های ضد ایرانی شبکه های عربی از جمله العربیه که وابسته به عربستان است، افزایش پیدا کرده و تلاش می کنند در

برنامه های خود از عناصر تجزیه طلب و وابسته به منافقان استفاده کنند.<sup>۱</sup>

### استعفای ۱۸۰۰ عضو کلیسای مورمون

صد ها کشیش و مؤمن کلیسای مورمون در نامه ای به کلیسای خود در اعتراض به سیاست های ضد همجنس گرایی این کلیسا، از مقام روحانی ت (روحانی مسیحی) استعفا دادند. کلیسای مورمون فرقه مسیحی هستند که خود را پیروان راستین عیسی مسیح می دانند و به آخرالزمان نیز اعتقاد دارند.

کلیسای مورمون در آمریکا به تنهایی ۱۸۰۰ عضو خود را از دست داد. تعداد زیادی از مؤمنان مورمون [روحانیون مسیحی] در اعتراض به سیاست های ضد همجنس بازی این کلیسا، تصمیم گرفتند دیگر برای آن کار نکنند. دلیل اصلی این استعفای دسته جمعی قانون جدید این کلیسا در مورد عدم امکان غسل تعمید برای کودکانی است که توسط والدین همجنس باز به فرزندی پذیرفته شده اند. کلیسای مورمون در این قانون جدید سن

۱. خبرگزاری فارس، کد خبر: ۱۳۹۴۱۰۲۶۰۰۱۲۸۲

غسل تعمید این فرزندان را ۱۸ سالگی تعیین کرده است.

کلیسای مورمون سیاست‌های سختگیرانه‌ای علیه همجنس‌بازان دارد و از کودکان و نوجوانانی که می‌خواهند عضو این کلیسا شوند خواسته والدین همجنس‌گرای خود را ترک کنند.<sup>۱</sup>

### تشرّف یک متخصص آلمانی به اسلام

آقای «ینس فراشر»، متخصص آلمانی که تحت تأثیر شخصیت بی‌نظیر پیامبر اکرم (ص) قرار گرفته است، با حضور در مجمع جهانی اهل بیت (ع)، تشرّف خود را رسماً به دین اسلام اعلام کرد. وی با اشاره به تضعیف نهاد خانواده در غرب، جایگاه این نهاد مقدس در اسلام را ستود.

آقای ینس فراشر درباره انگیزه گرایش خود به اسلام گفت: ما امروز در اروپا، در شرایط حساسی هستیم. رسانه‌های غربی و برخی قدرتها، مردم را از اسلام و مسلمانان می‌ترسانند و تاحدودی هم موفق شده‌اند که ترس و نفرت از اسلام و مسلمانان را در دل

برخی افراد ساده لوح جای دهند، ولی ما معتقدیم این کار خوب نیست و باید به فکر همه بشریت و صلح و دوستی ملتها باشیم. من مدتی است که با مسلمانان مقیم کشورم آشنا شده و از آنها چیزهای زیادی آموخته‌ام. من متوجه شدم که اسلام به نهاد خانواده، اهمیت زیادی می‌دهد و آن را از همه جهت تقویت می‌کند.

ایشان در پایان با اشاره به شخصیت منحصر به فرد پیامبر اعظم (ص) افزود: من تحت تأثیر آن حضرت و اخلاق والای ایشان قرار گرفتم. امیدوارم بتوانم مطالعات بیش‌تری درباره اسلام داشته باشم و آن را عمیق‌تر بشناسم.<sup>۲</sup>

### جنجال مسلمان شدن دختر

#### مسیحی

مسلمان شدن دختر مسیحی نروژی و پنهان کردن طولانی مدت آن، از ترس واکنش و برخورد جامعه، به بحث روز رسانه‌های خبری این کشور تبدیل شده است.

«مارتا یونسون» دختر ۲۱ ساله نروژی، یکسال و نیم پیش به دین اسلام

۱. خبرگزاری شفقنا، کد خبر: ۵۷۷۴۳.

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه (حوزه نت)، کد خبر: ۶۵۸۲.

گروید، اما این تصمیم خود را طی این مدت عمومی نکرده بود. وی به تازگی تصمیم گرفته است که مسلمان شدن خود را به مردم اعلام کند که این امر واکنشهای مختلفی را در پی داشته است. مارتا که نام خود را به مریم تغییر داده است، در صفحه شخصی خود نوشت: من به دینم افتخار می‌کنم.

وی در این باره گفت: با جوانی مسلمان آشنا شدم و او در مورد اسلام و تعالیم و الایش برای من سخن گفت؛ من به تحقیق در مورد شنیده‌ها و تعالیم این دین پرداخته و در نهایت تصمیم گرفتم که مسلمان شوم. مطبوعات نیروژ ضمن انتشار این خبر، کار وی را شجاعانه توصیف کردند؛ زیرا اعلام تغییر دین توسط یک دختر در جامعه تندرو مسیحی نیروژ کار بسیار سختی است.

هرچند این روزها به دلیل حملات داعش به فرانسه و جنایات گروهکهای تروریستی - تکفیری مورد حمایت غرب در سوریه و عراق، موج اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی در کشورهای اروپایی گسترش یافته است؛ اما شاهدیم که

بسیاری از جوانان غربی با کنار گذاشتن پیش‌فرضهای ذهنی خود و آشنایی با معارف دین اسلام به سمت این دین مبین‌گرایش پیدا می‌کنند.<sup>۱</sup>

### نامه دختر شیخ نمر به پدر شهیدش

دختر شهید آیت‌الله نمر در نامه خود با بهره‌گیری از چند آیه قرآن کریم خطاب به پدرش می‌نویسد:

پدرم! تار و پود عمامه ات مایه عزت و کرامت بود... ای افتخار شهیدان! گامهای تو برای آزادی در راه خدا بود و در این مسیر از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده ای نهراسیدی و ظلم ظالمان فقط بر عشق تو به خداوند افزود؛ توحید تو صادقانه و خالصانه بود و خداوند متعال تو را در جایگاه علمای عظیم‌الشان قرار داد و شهادت را همچون ائمه و انبیا به تو عنایت کرد.

پس او را سپاس می‌گویم و بازگشت همه به سوی اوست. بر ما واجب است که پس از تو، از تار و پود رویکرد تو برای خود عبایی از ارزشهای آسمانی بدوزیم

۱. خبرگزاری فارس، کد خبر: ۰۱۳۹۴۱۰۲۷۰۰۱۲۶۹

و آن را به تن کنیم تا مسیر پاکی و طهارت را در پیش گیریم، بر ما واجب است که همانند تو همواره خدا را به یاد آوریم، زیرا با همراهی خداوند دیگر ترس و هراسی از گفتن سخن حق باقی نمی ماند، خدایا، برای همیشه زبان به شکر تو می گشاییم و به خاطر نعمتهای فراوان، تو را سپاس می گوئیم، دعای ما نماز شکری خواهد بود که در هر زمان و هر مکان ادا خواهیم کرد. خداوندا این قربانی را از ما بپذیر، خدایا اگر این امر سبب رضایت تو از ما می شود، پس تا می توانی از ما بگیر تا اینکه از ما راضی و خشنود گردی.<sup>۱</sup>

### محجبه شدن دختران دانشجو در حمایت از استاد

ده ها تن از دانشجویان دانشکده ویتون در ایالت شیکاگوی آمریکا، به تبعیت از استاد دانشگاه خود، برای اعلام همبستگی با مسلمانان، اقدام به پوشیدن حجاب کردند. این دانشجویان در سفر هوایی هنگام برگشت به خانه هایشان برای تعطیلات کریسمس، اقدام به

پوشیدن حجاب کردند. لاریکا هاکنیز استاد مسیحی دانشکده ویتون، در اقدامی شجاعانه اعلام نموده بود که قصد دارد برای همبستگی با همسایگان مسلمان خود در تعطیلات کریسمس حجاب به سر کند. او همچنین با اعلام مشابهت میان ادیان مسیحی و اسلام با همدیگر، گفته بود که این ادیان، اصول پایه ای یکسانی داشته و خدای یکسانی را می پرستند. او از دانشجویانش نیز خواسته بود در این حرکت او را همراهی کنند. این اقدام او موجب شد تا مسئولین دانشکده ویتون دست به تعلیق این پروفیسور دانشگاه بزنند. برکناری استاد هاکنیز باعث خشم بسیاری از دانشجویان شده و عده ای از دانشجویان، اساتید و کارمندان دانشکده ویتون نیز در حمایت از هاکنیز در خارج از دفتر فیلیپ ریکن، مدیر این دانشگاه تحصن کردند. آنها با این اقدام، خواستار بازگشت استاد هاکنیز و عذرخواهی کمیته برکناری شدند. هاکنیز در مصاحبه ای اعلام کرد: من در گفته هایم تنها زمینه های مشترک

۱. پایگاه خبری شبکه العالم ، کد خبر: ۱۷۷۹۸۵۰.

میان ادیان ابراهیمی توحیدی را عنوان کردم که بسیاری از علمای الهیات سده های پیش بدان اشاره کرده بودند. هاکنیز پیش از تصمیمش برای پوشیدن حجاب از مسئولین مرکز روابط اسلامی آمریکای در شیکاگو کسب اجازه کرده بود تا مطمئن شود این اقدام او توهینی برای مسلمانان به حساب نمی آید و آنها نیز از این اقدام او استقبال کرده بودند.<sup>۱</sup>

### سخنان شخصیت‌های لبنانی درباره پیام مقام معظم رهبری>

«شیخ ماهر مزهر» مسئول روابط بین الملل مجمع علمای مسلمان لبنان گفت: پیام رهبر انقلاب اسلامی ایران همچون پیامهای امام خمینی( حای حمایت مجدد جمهوری اسلامی از مشروعتی مقاومت است. ایشان در ادامه

افزود: دین اسلام هیچ ارتباطی با تروریست هایی که با رفتارهای غیرانسانی خود، وجهه این دین الهی را تخریب می کنند، ندارد.

«عبدالهادی محفوظ» رئیس شورای ملی رسانه

لبنان نیز اظهار داشت: پیام رهبر بزرگی همچون سید علی خامنه ای به جوانان غرب، اقدامی بجا بود، زیرا سیاستهای اسرائیل باعث شده است که مقاومت و تروریسم برای برخی افراد (در کشورهای غربی) قابل تفکیک و تشخیص از همدیگر نباشد.

«غالب قنديل» عضو شورای ملی رسانه لبنان نیز تأکید کرد: فراخواندن امام خامنه ای به تفکیک و تشخیص بین مقاومت و تروریسم، فراخواندن به ارزشها، آزادی و عزت انسانی است.

ایشان خاطر نشان کرد: گروه های مقاومت از ارزشها، آزادی و عزت انسانی دفاع می کنند، ولی گروه های تروریستی و تکفیری با حملات وحشیانه خود عزت انسانی را پایمال کرده اند.<sup>۲</sup>

### قرآن زندگی ام را تغییر داد

مادر دختری که پیش از این در جمهوری مقدونیه به اسلام گرویده بود و این تصمیم را در شبکه های اجتماعی به اشتراک گذاشته بود،

۲. پایگاه خبری باشگاه خبرنگاران جوان، کد خبر: ۵۴۱۳۳۵۳.

۱. خبرگزاری حوزه، کد خبر: ۳۶۴۵۲۴.

اعلام کرد که به این تصمیم دخترش افتخار می کند. ونسا، مادر کاترینا زائوا در صفحه فیس بوک خود نوشت: از تصمیمات دخترش حمایت کرده و به او افتخار می کند.

کاترینا هم که در خانواده مسیحی ارتودوکس در مقدونیه به دنیا آمده است، در صفحه شخصی خود در اینترنت درباره دلیل گرایش خود به اسلام چنین نوشت: من همیشه به دنبال یافتن راهی برای تسکین روحم بودم، اما نمی دانستم به دنبال چه بگردم و ناتوان بودم تا اینکه خداوند بلند مرتبه مردی مسلمان را به سویم فرستاد و از طریق او حقیقت را فهمیدم. من او را در اسکوپیا ملاقات کردم. او کتاب قرآن را به من هدیه کرد.

مطالعه قرآن هم چیز را برای من عوض کرد. سالها جستجوی من بالاخره به نتیجه رسیده بود. من با اسلام آشنا شدم و حقیقت زندگی و جوهر حیات را یافتم. آموختم که عاشق حجاب بوده و به این ترتیب احساس پاکی به من دست داد. هر زمان که صدای لرزان خود را می شنوم،

گریه شوق چشمانم را پر کرده و می خواهم هرگز این احساس را از دست ندهم.

### فتوای الأزهر در مورد نقاب زدن بانوان

کمیته شرعی وابسته به دانشگاه الأزهر مصر ضمن بررسی فقهی پوشیدن نقاب برای خانمها به این نتیجه رسید که پوشاندن صورت از نامحرم برای خانمها یک سنّت اسلامی است که بر زنان واجب نیست و البته منعی هم از آن وجود ندارد، بلکه اقدامی پسندیده است و اگر فتنه ای در میان باشد، این کار ارجحیت نیز خواهد داشت و برای دفع مفسده و گناه واجب خواهد بود.

در گزارش این کمیته آمده است: این روزها حرف و حدیث درباره پوشیدن نقاب توسط خانمها زیاد شده و اختلافاتی نیز در این رابطه به وجود آمده و گروهی قائل به وجوب هستند و گروهی نیز آن را بدعت و یک عادت جاهلی و نشانه عقب ماندگی زنان می دانند و از این رو ما بر آن شدیم به بررسی فقهی این مسأله بپردازیم و نظر الأزهر را در این رابطه

اعلام کنیم.<sup>۱</sup>

### نزدیکی شیعه و سنّی بی‌شتر از نزدیکی وهابی و سنّی است

دکتر ورنون اسچوبل متخصص اسلام معاصر و استاد مطالعات دینی در کالج کنیون (وابسته به کلیسای اسقفی) در اوهایوی آمریکا در مقاله ای به تحلیل علت اعدام شیخ نمر و تشنّجات اخیر بین ایران و عربستان پرداخته و تأکید کرده ریشه این تنازعات، سیاسی بوده و بسیار پیچیده تر از تحلیل ساده انگارانه عده ای است که آن را اختلافی مذهبی بین شیعه و سنّی می دانند.

وی معتقد است بسیاری از مردم ریشه تنازعات فعلی بین ایران و عربستان را در تعارضات قدیمی مذهبی می دانند که گریزی از آنها نیست؛ حال آنکه این است دلال، اشکالات زیادی دارد. اول اینکه در طول تاریخ، سنّی و شیعه اکثر اوقات هم زیستی مسالمت آمیزی داشته اند. پس اختلافات اخیر به هیچ وجه «معمول» و اجتناب ناپذیر نیست. به علاوه در خصوص موقعیت فعلی باید در نظر داشت که آل سعود تفاوت بسیار زیادی با رهبران دینی اهل سنت

دارند. ذات انحصارگرایی وهابیت که قبور یاران گرامی و اعضای خانواده پیامبر اسلام را تخریب کرده است، دیدار از زیارتگاه های مذهبی را مردود می شمرد و حتی نمایش عشق و محبت به حضرت محمد را مخالف با اسلام می داند، از طرف اکثر پیروان تسنن بسیار مذموم است.

به طور معمول، هم شیعه و هم سنّی حضرت محمد و خانواده اش - به خصوص دامادش علی ابن ابی طالب که اولین امام شیعیان به حساب می آید - را عاشقانه دوست دارند و تکریم می کنند؛ بنابراین تشیع و تسنن شباهت بسیار بیش تری از وهابیت عربستان سعودی و تسنن به یکدیگر دارند.<sup>۲</sup>

### واکنش منسجم پیروان ادیان آمریکا به اظهارات کشیش افراطی

پیروان ادیان مختلف شهر بویز در ایالت آیداهو در شمال غربی آمریکا، با برگزاری تظاهرات سکوت، مخالفت خود را با سخنان ضداسلامی و ضد مهاجران ابراز کردند. این راهپیمایی در پی سخنرانی متعصبانه و ضداسلامی یک کشیش، در حضور عده ای از

۲. همان، کد خبر: ۳۶۶۳۱۲.

۱. همان، کد خبر: ۳۶۸۶۷۶.



نمایندگان ایالت  
آیداهو براه افتاد. در  
آن سخنرانی، کشیش  
مسیحی مدعی شده بود که  
حضور مسلمانان در  
آمریکا منجر به ایجاد  
نگرانی های امنیت ملی،  
اقتصادی و ایدئولوژیک  
می شود.

این در حالی بود که  
در خارج از سالن  
سخنرانی، اعضای جوامع  
مذهبی مسلمان، مسیحی و  
یهودی شهر بویز در  
تظاهرات سکوت مشارکت  
داشته و این سخنان را  
محکوم کردند. در این  
تظاهرات تعدادی از  
قانونگذاران نیز حضور  
داشتند. در راهروهای  
سخنرانی، اعضای انجمن  
اسلامی دانشگاه ایالتی  
بویز نیز نگرانی های  
خود را در رابطه با  
سخنان هادیان ابراز  
داشتند.<sup>۱</sup>

### دیدار رئیس فدراسیون تکواندو با معاون تبلیغ حوزه های علمیه

سیدمحمد پولادگر رییس  
فدراسیون تکواندو  
جمهوری اسلامی ایران با  
حجت الاسلام و المسلمین  
نبوی معاون تبلیغ حوزه  
های علمیه در موضوع  
«نگاهی به مسئله اعزام  
مبلّغ دینی و ترویج اخلاق  
در سطوح مختلف ورزش  
قهرمانی» دیدار و گفتگو  
کردند.

در این دیدار ضمن  
خوش آمدگویی معاون  
محترم تبلیغ به آقای  
پولادگر رئیس فدراسیون  
تکواندو، تعدادی از  
مدیران معاونت تبلیغ،  
ضمن ارائه گزارشی از  
فعالیتهای مبلّغان  
حوزوی و تأکید بر حضور  
مؤثر مبلّغ دینی در  
کنار تیمها و  
فدراسیون های ورزشی به  
ارزیابی تبلیغ تخصصی  
در فضای ورزش کشور  
پرداختند.

در ادامه آقای  
پولادگر ضمن تقدیر و  
تشکر از همکاری حوز  
علمیه و مدیران مجموع  
معاونت تبلیغ، با اشاره  
به ضرورت تقویت سطح  
همکاری بین حوزه علمیه  
و فدراسیونهای ورزشی،  
بر استفاده از ظرفیتهای  
موجود در معاونت تبلیغ  
تأکید کرد.

ایشان مهم ترین بحث  
را ضرورت نیاز به تبلیغ  
در مقوله ورزش قهرمانی،  
به جهت پرمخاطب بودن  
این عرصه دانستند و  
خاطر نشان کردند: در  
مسابقات حساسی مانند  
المپیک به جهت جهانی  
بودن این بازیها و پخش  
آن از تلویزیون و امکان  
الگو برداری جوانان از  
رفتار ورزشکاران در سطح  
بین الملل، این ضرورت،  
بیش از پیش احساس می  
شود.

۱. خبرگزاری حوزه، کد خبر :  
۳۶۸۹۹۱

رئیس فدراسیون  
تکواندو با تأکید بر  
اهمیت اخلاق ورزشی در  
سطح بین الملل و  
همچنین امکان بروز  
برخی ناهنجاریهای  
اخلاقی و رفتاری توسط  
ورزشکاران سطح ملی،  
اضافه کرد: جا دارد که  
توجه بیش تری به مقوله  
تبلیغ دینی و اخلاقی  
بشود.

ایشان افزودند: ما  
باید باور کنیم که کار  
فرهنگی در کنار کار  
فنی و مربیگری ورزشی  
قرار دارد، و به همان  
اندازه حائز اهمیت  
است. نه فقط بازیکنان  
و ورزشکاران تیمهای  
ورزشی، بلکه هواداران  
و تماشاگران مسابقات  
ورزشی نیز ملزم به  
رعایت اصول ادب و  
ارزشهای اخلاقی هستند.

حجت الاسلام  
و المسلمین نبوی نیز ضمن  
تقدیر و تشکر از حضور  
جناب آقای پولادگر،  
ابراز امیدواری کردند  
که این دیدارها زمین  
مناسبی برای نتایج  
مثبت در امور تبلیغی  
در عرصه ورزش باشد.

ایشان به حضور  
مبلغین در ورزشگاه  
آزادی در برخی از  
بازیهای حساس اشاره  
کردند و افزودند: اگر  
با عزمی جدی در این  
راه قدم برداریم

تجربیات بسیار موفقی  
را در این عرصه به  
دنیا عرضه خواهیم کرد.<sup>۱</sup>  
**نخستین گروه از داوطلبان  
سنی ضد داعش تشکیل شد**

نخستین یگان مسلح  
اهل سنت عراق برای  
مبارزه با تکفیریهای  
داعش در مقر هیأت  
فتوای اهل سنت عراق  
تشکیل شد.

یگان جدید بیش از سه  
هزار جنگجو دارد که  
بیش تر آنها از  
استان های الانبار،  
نینوا و صلاح الدین  
آمده اند.

قرار است نیروهای  
تازه نفس اهل سنت به  
زودی با دستور نخست  
وزیر عراق راهی  
استانهای الانبار و  
نینوا شوند.<sup>۲</sup>

۱. پایگاه اطلاع رسانی معاونت  
تبلیغ و آموزشهای کاربردی  
حوزه های علمیه به آدرس:  
www.mobalegan.ir  
۲. پایگاه اطلاع رسانی جامعه  
مدرسین حوزه علمیه قم، کد خبر:  
۱۲۸۰.

# پرسشنامه مجله مبلغان

## قابل توجه مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی

بسیاری از مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی به صورت انبوه مجله مبلغان را خریداری کرده و در اختیار مبلغان محترم تحت پوشش خود قرار می‌دهند. از آنجا که بسیاری از این مجموعه ها مایل به برگزاری آزمون از محتوای نشریه برای نیروهای خود بوده و بعضی نیز به ابتکار خود اقداماتی را انجام داده‌اند؛ بر آن شدیم تا جهت یاری رساندن به مدیران محترم، سؤالاتی را طراحی کرده و در اختیار آنان قرار دهیم.

مدیران محترم مجموعه های فرهنگی و تبلیغی می‌توانند از طریق بخشنامه از نیروهای خود بخواهند تا پاسخ سؤالات را برای آنها فرستاده و در صورت امکان برای تشویق و ارتقاء علمی مبلغان محترم، هدایایی را برای این امر در نظر گیرند. پیشنهادات خوانندگان و مدیران عزیز را برای کاربردتر شدن سؤالات، با آغوش باز می‌پذیریم.

## پرسشها

1. گروه تکفیری داعش به رهبری چه کسی تأسیس شد؟  
الف. ابوبکر البغدادی  
ب. ابومصعب الزرقاوی  
ج. ابو عمر بغدادی
2. «يا هشايم! ان لله على الناس حجتين: حجة ظاهرة و حجة باطنة.» در این روایت «حجة ظاهره» به چه معنا است؟  
الف. کتاب و سنت ب. عقل  
ج. رسولان، انبیا و ائمه
3. «عقال البعير» به چه معنا است؟  
الف. ریسمانی که با آن پاهای شتر را می بندند.  
ب. پارچه ای که دور سر می بندند.  
ج. پناهگاهی که انسان را حفظ می کند.
4. [وَ قِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ]؛ این آیه به کدام قسم از «مسئولیت» اشاره دارد؟  
الف. مسئولیت انسان در برابر انسانهای دی‌گر  
ب. مسئولیت انسان در برابر انبیاء و اولیاء)  
ج. مسئولیت انسان در برابر خداوند متعال
5. در قرآن کریم ... از جمله ویژگیهای افراد باتقوا به شمار آمده است.  
الف. احترام به پدر و مادر  
ب. بخشودن لغزشهای مردم  
ج. نماز اول وقت و احترام به پدر و مادر
6. روایت «النَّظْرَةُ بَعْدَ النَّظْرَةِ تَزْرَعُ فِي الْقَلْبِ الشَّهْوَةَ وَ كَفَىٰ بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتْنَةً»؛ از کیست؟  
الف. امام صادق (ع)  
ب. امام باقر (ع)  
ج. امام رضا (ع)  
د. امام جعفر (ع)

7. .... ارزشمندترین موهبت الهی است که خدای متعال به انسان عنایت فرموده است.  
الف. فرزند ب. عُمَر ج. جوانی

8. مفهوم آیه [زَبْنُوتِیَ لَا شَرْقِیَّةَ وَلَا غَرْبِیَّةَ. چیست؟  
الف. حضرت ابراهیم (ع) نه یهودی بود و نه نصرانی  
ب. حضرت فاطمه (س) ستاره قروزی است در میان زنان جهان  
ج. هیچکدام

9. طبق روایت امام صادق (ع) مقصود از آیه [المصباح فی زجاج] چه کسی است؟  
الف. امام حسین (ع) ب. امام حسن (ع)  
ج. فاطمه زهرا (ع)

10. بنا به روایت اهل سنت و تشیع، شهادت بانوی بزرگ اسلام، حضرت فاطمه زهرا (س) به ترتیب در .... واقع شده است.  
الف. سیزدهم جمادی الثانیه یا سوم جمادی الأولى  
ب. سیزدهم جمادی الأولى یا نهم جمادی الثانیه  
ج. بیست و سوم جمادی الأولى یا نیمه ماه رجب

11. عبارت «لَیْسَ هُوَ بِغَرِیبٍ [هُوَ] مِنَّا أَهْلَ الْبَیْتِ.» را امام صادق (ع) در مورد چه کسی بیان فرمود؟  
الف. ابّادِر ب. سلّمان ج. أبّا عُبَیْدَة

12. فضیل بن یسار در عصر کدام امام از دنیا رفت؟  
الف. امام صادق (ع) ب. امام باقر (ع)  
ج. امام کاظم (ع)

13. .... به معنای خودداری نفس از زشتی‌هاست.  
الف. غیبت ب. عفت ج. حیا

14. آیه شریفه [قُلْ إِنَّ صَلَاتِی وَ نُسُکِی وَ مَحْیَاِیَ وَ مَمَاتِی لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ] خطاب به چه کسی است؟  
الف. رسول گرامی اسلام (ص) ب. فاطمه زهرا (س)  
ج. علی (ع)

15. این سخن از کیست؟ «اخلاق فرایندی است که منجر به ایجاد عادت و طبیعت ثانوی و یا ملکاتی می شود که با اختیار و تلاش پی گیر در روح بشر به وجود می آید.»  
الف. امام خمینی(ب. شهید مطهری) ج. علامه طباطبایی)

### باسخنامه مجله مبلغان شماره ۱۹۹

|    |    |    |    |    |    |   |   |   |   |   |   |   |   |   |     |
|----|----|----|----|----|----|---|---|---|---|---|---|---|---|---|-----|
| ۱۵ | ۱۴ | ۱۳ | ۱۲ | ۱۱ | ۱۰ | ۹ | ۸ | ۷ | ۶ | ۵ | ۴ | ۳ | ۲ | ۱ |     |
|    |    |    |    |    |    |   |   |   |   |   |   |   |   |   | الف |
|    |    |    |    |    |    |   |   |   |   |   |   |   |   |   | ب   |
|    |    |    |    |    |    |   |   |   |   |   |   |   |   |   | ج   |

نام : ..... نام خانوادگی :

..... کد یا

شماره پرونده: .....

آدرس:

.....



بسمه تعالی

## پذیرش حوزه‌های علمیه سفیران هدایت سراسر کشور

با یاری خداوند متعال و در ظل توجهات حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف  
حوزه‌های علمیه سفیران هدایت جهت تربیت مبلغ از بین برادران واجد شرایط  
برای سال تحصیلی ۹۶-۹۵ ثبت‌نام می‌نماید.

### شرایط پذیرش:

۱. داشتن حداقل مدرک دیپلم (متولدین سال ۱۳۷۵):  
\* تحصیلات بالاتر از دیپلم و خدمت سربازی به حداکثر سن اضافه می‌شود.
۲. تعهد خدمت تبلیغی (پنج سال) در مناطق مورد نیاز؛
۳. برخورداری از صلاحیت‌های اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی؛
۴. اعتقاد و التزام به ولایت فقیه و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران؛
۵. تابعیت جمهوری اسلامی ایران؛
۶. برخورداری از صلاحیت جسمی و روحی؛
۷. موفقیت در آزمون ورودی و مصاحبه؛
۸. نداشتن منع قانونی از نظر نظام وظیفه.

### اولویت‌ها:

- \* حافظان حداقل یک ششم قرآن کریم و یا نهج البلاغه، خانواده‌های محترم شهدا، فرزندان جانبازان، آزادگان و داوطلبان مناطق محروم از اولویت برخوردار خواهند بود.
- \* حافظان کل قرآن کریم، آزمون کتبی ندارند و قبولی آنان بر اساس معدل کل آخرین مدرک تحصیلی و قبولی

### مزایا:

۱. اعطای مدرک سطح ۲ (کارشناسی) بعد از انجام تعهد خدمت توسط مرکز مدیریت حوزه؛
۲. امکان ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر.

**ثبت نام: از تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۰۴ تا تاریخ ۱۳۹۵/۰۱/۲۰**

۱. سایت معاونت آموزش حوزه به آدرس: [www.howzeh.org](http://www.howzeh.org)
۲. مدارس علمیه سفیران هدایت سراسر کشور

### تاریخ آزمون:

روز جمعه مورخ ۱۳۹۵/۰۱/۲۷ ساعت ۹ صبح (مکان‌های مشخص شده در دفترچه راهنما)

### اعلام نتایج:

تاریخ ۱۳۹۵/۰۲/۳۰ از طریق سایت معاونت آموزش حوزه.

جهت مشاهده دفترچه راهنمای پذیرش و دریافت اطلاعات تکمیلی، به سایت معاونت آموزش حوزه مراجعه  
نمایید و یا با مدارس علمیه سفیران هدایت سراسر کشور تماس حاصل فرمایید.

تلفن تماس: ۳۲۹۱۴۹۷۱ - ۰۲۵

مدیریت حوزه‌های علمیه

مرکز آموزش‌های تخصصی تبلیغ

## مدارس علمیه سفیران هدایت سراسر کشور

| استان               | شهر       | نام مدرسه                                    | کد مدرسه | شماره تلفن | پیش شماره | نشانی  |
|---------------------|-----------|--|----------|------------|-----------|--|
| اصفهان              | اصفهان    | امام حسین <small>علیه السلام</small>         | ۲۵۴      | ۷۳۹۲۵۷۰    | ۰۳۱       | خیابان شریف شرقی، خ سجاد جنب مسجد امام سجاد <small>علیه السلام</small>       |
| اصفهان              | خمینی شهر | جواد الاممه <small>علیه السلام</small>       | ۹۱۹      | ۳۳۶۲۱۹۲۹   | ۰۳۱       | میدان آزادی کوچه جنب بانک سپه (کوشکجاک) ک میردامادی                          |
| آذربایجان شرقی      | تبریز     | خواجه اصغر                                   | ۲۴۵      | ۵۲۵۷۲۱۷    | ۰۴۱       | خ دارایی بازار بین دوزان   |
| آذربایجان غربی      | خوی       | مرحوم آیت الله میرزا ابراهیم شهید            | ۹۳۴      | ۳۶۲۵۱۱۶۰   | ۰۴۴       | خیابان طالقانی، جنب دروازه سنگی، مدرسه علمیه سفیران هدایت                    |
| البرز               | کرج       | امام جواد <small>علیه السلام</small>         | ۲۸۳      | ۶۲۲۰۰۰۳    | ۰۲۶       | محمد شهر، بلوار امام خمینی <small>علیه السلام</small> ، جنب پمپ بنزین        |
| البرز               | طالقان    | مهدی موعود (عج)                              | ۹۱۶      | ۴۴۸۳۹۵۰    | ۰۲۶       | روستای منگلان جنب پستی فروشی مصلحی   |
| بوشهر               | بیرازجان  | امام حسن مجتبی <small>علیه السلام</small>    | ۲۶۱      | ۳۳۲۳۱۴۲۲   | ۰۷۷       | خیابان هفت تیر (علی آباد)، کوچه ۲  |
| بوشهر               | خورموغ    | المهدی (عج)                                  | ۲۵۳      | ۵۳۳۳۹۹۳    | ۰۷۷       | چهار راه حوزه علمیه  |
| تهران               | تهران     | امام رضا <small>علیه السلام</small>          | ۲۶۴      | ۷۷۰۰۲۲۶۶   | ۰۲۱       | خ دماوند، خ شهید نشوه (سازمان آب) ۱۵ متری شیرازی                             |
| تهران               | تهران     | دارالمعلمین                                  | ۱۷۳      | ۳۳۵۰۳۱۲۱   | ۰۲۱       | میدان قیام خ ری، بعد از پل ری  |
| تهران               | منیریه    | ابوطالب <small>علیه السلام</small>           | ۳۶۱      | ۵۵۷۸۳۱۳۳   | ۰۲۱       | خ قزوین، دو راهی قیان، خ عبید زاکانی، ک مسجد منیریه، پلاک ۸                  |
| چهار محال و بختیاری | شهرکرد    | صاحب الزمان (عج)                             | ۳۹۵      | ۳۲۵۷۹۶۱۰   | ۰۳۸       | شهرکرد هشتجان، بلوار شهید مطهر، خ نیاش، کوچه ادب                             |
| خراسان جنوبی        | بیرجند    | مصومیه                                       | ۳۶۲      | ۳۳۲۳۹۷۳۹   | ۰۵۶       | خ شهید مطهری، ک م پ ۷  |
| خراسان جنوبی        | قائن      | عالم آل محمد <small>علیه السلام</small>      | ۳۶۲      | ۳۳۵۳۳۴۵    | ۰۵۶       | خ امام خمینی، جنب مسجد جامع  |
| خوزستان             | امیدیه    | ابوالفضل العباس <small>علیه السلام</small>   | ۳۶۴      | ۵۲۶۳۰۱۲    | ۰۶۱       | پشت بازار مهاجرین خ زینبیه   |
| خوزستان             | اهواز     | ولی عصر (عج)                                 | ۱۴۶      | ۳۳۳۳۱۳۲۱   | ۰۶۱       | فلکه ساعت، ابتدای خ امام موسی صدر، کوچه بن بست، پلاک ۷۴                      |
| خوزستان             | اهواز     | امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small>     | ۲۶۶      | ۳۵۵۵۸۸۰۷   | ۰۶۱       | فلکه امام علی <small>علیه السلام</small> ، خ بیمارستان سینا، فرعی اول سمت چپ |
| خوزستان             | اهواز     | علی بن ابیطالب <small>علیه السلام</small>    | ۲۶۵      | ۳۳۷۹۱۱۵۸   | ۰۶۱       | کیان، خ جلایی، کوی انقلاب  |
| خوزستان             | اندیمشک   | بقیةالله (عج)                                | ۳۶۳      | ۴۲۹۱۸۰۱    | ۰۶۱       | انتهای خیابان سینا (آموزش و پرورش سابق)                                      |
| سمنان               | سمنان     | علی بن موسی الرضا <small>علیه السلام</small> | ۸۸۷      | ۳۳۳۶۶۶۲    | ۰۳۳       | خیابان ابوذر، ابوذر ۲۲   |
| سیستان              | ایرانشهر  | ولی عصر (عج)                                 | ۳۶۵      | ۷۳۲۲۰۵۲۰   | ۰۵۴       | خیابان امام خمینی <small>علیه السلام</small> ، جنب مصلی فاطمه (س)            |
| سیستان              | دلگان     | صاحب الزمان (عج)                             | ۲۶۳      | ۳۳۳۳۲۰۲۶   | ۰۵۴       | میدان امام حسین <small>علیه السلام</small> ، جنب مسجد جامع، روبروی درمانگاه  |
| سیستان              | زابل      | المهدی (عج)                                  | ۲۸۴      | ۳۳۳۳۵۳۵۴   | ۰۵۴       | خیابان امام خمینی <small>علیه السلام</small> ، جنب مصلی                      |
| سیستان              | زاهدان    | آیت الله کفعمی <small>علیه السلام</small>    | ۲۸۵      | ۳۳۳۳۷۴۵۲   | ۰۵۴       | خیابان آزادی، جنب مسجد جامع  |
| سیستان              | زک        | امام جعفر صادق <small>علیه السلام</small>    | ۲۸۶      | ۳۳۶۱۵۱۹۵   | ۰۵۴       | خیابان امام خمینی <small>علیه السلام</small> ، جنب فرماندای نیروی انتظامی    |
| فارس                | سعادت شهر | امام باقر <small>علیه السلام</small>         | ۹۳۲      | ۴۳۵۵۵۵۲    | ۰۷۱       | خیابان حسینی، ساختمان دارالقربان سابق  |
| فارس                | شیراز     | علی بن موسی الرضا <small>علیه السلام</small> | ۳۶۶      | ۳۳۳۳۳۷۵    | ۰۷۱       | بین پل امام علی <small>علیه السلام</small> و مسجد اهل تسنن خیابان ساحلی      |
| فارس                | خفر       | امام جعفر صادق <small>علیه السلام</small>    | ۲۸۱      | ۵۲۵۰۴۱۱۸   | ۰۷۱       | شهرستان جهرم، بخش خفر، خیابان حوزه علمیه                                     |
| فارس                | زرگان     | اباصالح المهدی (عج)                          | ۸۸۹      | ۳۳۶۲۰۲۵۵   | ۰۷۱       | میدان بسج، بلوار پاسداران، جنب دانشگاه پیام نور                              |
| فارس                | فسا       | صادق آل محمد <small>علیه السلام</small>      | ۲۶۲      | ۵۳۳۳۹۱۳۶   | ۰۷۱       | میدان مصلی، خیابان شهاده روحانیت   |
| فارس                | جنت شهر   | امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>      | ۳۶۷      | ۵۲۶۴۴۴۴۰   | ۰۷۱       | داراب، جنت شهر، خ ولیعصر   |
| قزوین               | قزوین     | مولاوردی خان                                 | ۱۶۷      | ۳۳۳۳۳۳۰    | ۰۲۸       | چهارراه شهید   |
| قم                  | قم        | شهید صدوقی                                   | ۱۶۶      | ۳۳۹۴۰۳۳۷   | ۰۲۵       | ۲۰ متری فجر خ دانش، مدرسه شهید صدوقی، فاز ۷                                  |
| قم                  | دستجرد    | سجاده <small>علیه السلام</small>             | ۹۳۰      | ۳۵۳۳۳۵۹۹   | ۰۲۵       | خیابان امام حسین <small>علیه السلام</small>                                  |
| کردستان             | سنندج     | خاتم الانبیاء                                | ۸۸۰      | ۳۳۱۷۴۵۲۰   | ۰۸۷       | خ شهید بروجردی، خ سلیمان خاطر دفتر سابق روبروی راهنمایی و رانندگی            |
| کردستان             | بیجار     | باقر العلوم <small>علیه السلام</small>       | ۹۲۹      | ۳۸۲۲۰۹۲۰   | ۰۸۷       | بلوار ناطق نوری، روبروی درمانگاه بهداشتی، شماره ۳ مجتمع فرهنگی نور           |
| کردستان             | اندوهجرد  | ولی عصر (عج)                                 | ۳۶۹      | ۳۳۷۶۶۰۴۴   | ۰۳۴       | اندوهجرد، خ شهید باهنر، خ ولی عصر  |
| کرمان               | بم        | خاتم الانبیاء <small>علیه السلام</small>     | ۲۵۰      | ۴۴۳۳۳۳۹۶   | ۰۳۳       | میدان مهنویت، بلوار وحدت حوزه و دانشگاه                                      |
| کرمان               | رفسنجان   | آیت الله خامنه‌ای                            | ۱۶۹      | ۳۳۳۳۵۵۹۹   | ۰۳۴       | میدان استاد شهریار، خیابان دفتر امام جمعه                                    |
| کرمان               | رودبار    | امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>      | ۳۶۸      | ۴۳۳۶۷۶۵۵   | ۰۳۳       | بلوار امام، جنب دفتر امام جمعه   |
| کرمان               | ریگان     | علی بن ابیطالب <small>علیه السلام</small>    | ۲۴۶      | ۴۳۳۶۱۳۰۰   | ۰۳۴       | بلوار ولی عصر <small>علیه السلام</small> ، خ شهید پارسا انتهایی خیابان       |
| کرمان               | عنبرآباد  | امام هادی <small>علیه السلام</small>         | ۲۵۱      | ۳۳۳۳۳۳۳۳   | ۰۳۳       | خ مطهری، جنب مصلی  |
| کرمان               | ماهان     | ابوالفضل العباس <small>علیه السلام</small>   | ۲۴۷      | ۳۳۷۸۶۱۳۳   | ۰۳۴       | قانتستان، حوزه علمیه ابوالفضل العباس   |
| کرمان               | جیرفت     | امام باقر <small>علیه السلام</small>         | ۹۱۰      | ۴۳۳۳۳۰۵۳   | ۰۳۳       | کوچه راهنمایی و رانندگی فرعی اول سمت راست دفتر سابق امام جمعه                |
| کرمان               | سیرجان    | امام صادق <small>علیه السلام</small>         | ۹۲۷      | ۴۳۳۳۳۱۷۰۹  | ۰۳۴       | خیابان انقلاب جنب مسجد صاحب الزمان   |
| کرمانشاه            | گیلانغرب  | مطلع الفجر                                   | ۲۸۷      | ۴۳۳۳۵۸۳۹   | ۰۳۳       | خ امام، جنب مسجد جامع  |
| کهگیلویه و بویراحمد | یاسوج     | علی بن موسی الرضا <small>علیه السلام</small> | ۳۷۰      | ۳۳۳۳۳۷۰۳   | ۰۷۴       | راهنمایی، خیابان باهنر ۳ پلاک ۱۹   |
| گلستان              | آزادشهر   | امام جواد <small>علیه السلام</small>         | ۱۷۴      | ۳۵۳۳۵۵۶۷   | ۰۱۷       | آزادشهر کیلومتر ۱ جاده آزادشهر به شاهرود                                     |
| گلستان              | گرگان     | بقیةالله (عج)                                | ۳۷۱      | ۳۳۳۳۳۳۳۳   | ۰۱۷       | چهار راه میدان، گلشن ۲   |
| گلستان              | تالش      | علی بن ابی طالب <small>علیه السلام</small>   | ۹۱۱      | ۴۳۳۸۸۵۵۴   | ۰۱۳       | شهرستان تالش شهر لیسار   |
| لرستان              | خرم آباد  | امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>      | ۴۰۷      | ۳۳۳۳۵۵۲۰   | ۰۶۶       | بازار، روبروی بازار طلافروشان  |
| مازندان             | ساری      | اباصالح الهمدی (عج)                          | ۳۲۸      | ۳۳۳۳۱۹۸۰۳  | ۰۱۱       | جاده خزر آباد کیلومتر ۳ مجتمع فرهنگی اباصالح (عج)                            |
| مرکزی               | شازند     | امام رضا <small>علیه السلام</small>          | ۲۴۳      | ۳۸۲۳۱۰۹۱   | ۰۸۶       | خیابان شهید بهشتی <small>علیه السلام</small> ، پلاک ۱۶                       |
| مرکزی               | ساره      | امام صادق <small>علیه السلام</small>         | ۲۴۴      | ۳۳۵۳۴۴۳    | ۰۸۶       | میدان دانشگاه، جنب دادگستری  |
| هرمزگان             | بندر لنگه | آل البیت <small>علیه السلام</small>          | ۲۵۲      | ۳۳۳۳۳۳۶۶   | ۰۷۶       | خیابان شهید دستغیب <small>علیه السلام</small>                                |
| هرمزگان             | قسم       | امام صادق <small>علیه السلام</small>         | ۲۶۰      | ۳۵۴۴۳۰۸۳   | ۰۷۶       | میدان شهید کامان   |
| همدان               | ملایر     | امام رضا <small>علیه السلام</small>          | ۹۳۴      | ۳۳۳۳۳۳۱۶   | ۰۸۱       | ملایر، کیلومتر ۷ جاده اراک   |
| همدان               | همدان     | علویون                                       | ۳۷۲      | ۴۳۳۳۳۰۲۲   | ۰۸۱       | خ زینبیه، کوچه مدرسه، حوزه علمیه آیت الله دامغانی                            |
| یزد                 | یزد       | حضرت مهدی (عج)                               | ۲۹۲      | ۳۶۳۳۳۳۳۷   | ۰۲۵       | خیابان قیام، مسجد ملا اسماعیل، جنب مسجد                                      |



## نمایندگی های فروش ماهنامه «مبلغان» در سراسر کشور

۱. تهران، اسلامشهر، شهرک واوان، فاز ۲، خیابان شهید رجایی، نبش ۵۰ شرقی، پ ۳۸، حوزه علمیه الزهراء علیها السلام.
۲. خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان شهید مطهری، مطهری ۸، پلاک ۷، حوزه علمیه سفیران هدایت.
۳. خراسان رضوی، مشهد، چهار راه خواجه ربیع، کوچه حسین باشی ۶، حوزه علمیه حضرت رقیه علیها السلام.
۴. خراسان رضوی، مشهد، چهار راه خسروی، خ شهید رجایی، دفتر تبلیغات اسلامی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۵. سیستان و بلوچستان، زاهدان، خیابان شریعتی ۲۱، حوزه علمیه مکتب نرجس علیها السلام.
۶. فارس، شیراز، خیابان لطفعلی خان زند، درب شیخ، مدرسه علمیه قوام.
۷. فارس، گله دار، جنب صندوق انصار المجاهدین، حوزه علمیه فاطمیه علیها السلام.
۸. قزوین، خیابان امام خمینی ره، نبش عبید زاکانی، حوزه علمیه التفاتیه.
۹. قم، خیابان ارم، میدان شهداء، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، بوستان کتاب.
۱۰. قم، میدان آستانه، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، درب ورودی مدرسه دارالشفاء، انتشارات مرکز مدیریت حوزه.
۱۱. کرمان، رفسنجان، خیابان شهداء کوچه مسجد جامع، حوزه علمیه حضرت زینب علیها السلام.
۱۲. گیلان، استانه اشرفیه، روبروی امام زاده سید جلال الدین، حوزه علمیه جلالیه.
۱۳. مازندران، ساری، خیابان جمهوری اسلامی، کوچه مقداد، جنب مسجد رانندگان، حوزه علمیه الزهراء علیها السلام.
۱۴. مرکزی، شازند، مدرسه علمیه سفیران هدایت.
۱۵. همدان، ملایر، خیابان سعیدی، حوزه علمیه خواهران.
۱۶. همدان، همدان، کوی رضوی، جنب مدرسه وحدت، حوزه الزهراء علیها السلام.
۱۷. یزد، اردکان، خیابان آیت الله خامنه‌ای، حوزه علمیه امام صادق علیه السلام.
۱۸. یزد، یزد، خیابان قیام، مسجد ملا اسماعیل، حوزه سفیران هدایت.
۱۹. یزد، یزد، خیابان چمران، کوی رهبر، مجتمع آموزشی سید الشهداء علیه السلام، واحد تربیتی.
۲۰. یزد، یزد، خیابان امام خمینی ره، خیابان مسجد جامع، مرکز مدیریت حوزه علمیه استان، معاونت تبلیغ حوزه.

## ماهنامه «مبلغان»، تنها نشریه تبلیغی حوزه‌های علمیه در سراسر کشور نمایندگی فروش می پذیرد

**قابل توجه مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی و حوزه‌های علمیه سراسر کشور**  
جهت ایجاد نمایندگی فروش محصولات معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه‌های علمیه،  
به ویژه ماهنامه مبلغان، با شماره ۰۲۵-۳۲۹۳۳۱۹۰ تماس گرفته و یا درخواست خود را به  
شماره ۰۲۵-۳۲۹۱۴۴۶۶ فکس نمایید.



بسمه تعالی

## قابل توجه مبلغان، فضلاء و محققان ارجمند

برای پیوستن به جمع مشترکان «مبلغان» توجه به نکات ذیل ضروری است:

۱. واریز حق اشتراک، به حساب ۱۵۶۳۵۱۳۸۲۵ بانک تجارت، شعبه ۱۵۶۳۰ (مدرسه فیضیه قم)، به نام آقایان محمد حسن حاج حسینی، جواد محمد حسینی و جواد اسماعیلی (مجله مبلغان)
- مبلغ اشتراک برای یک سال (۱۲ شماره) ۴۸/۰۰۰ تومان و برای شش ماه (۶ شماره) ۲۴/۰۰۰ تومان می‌باشد. در صورت بالا رفتن قیمت مجله، ارسال آن بر مبنای قیمت جدید خواهد بود.
۲. تکمیل برگه درخواست اشتراک (پشت همین برگه)
۳. ارسال برگه اشتراک همراه با فیش بانکی مربوط به واریز حق اشتراک.

### اشتراک، بهترین راه دسترسی به «مبلغان» است.

توجه:

۱. ارسال درخواست اشتراک، نیاز به هزینه پستی ندارد. پس از تکمیل فرم، آن را تا کرده و پس از چسپاندن، داخل صندوق پست قرار دهید.
۲. جهت اطلاع بیشتر تر با ما تماس بگیرید. تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۳۳۱۹۰

با ارائه نظرات سازنده خود، ما را جهت رشد و بالندگی مجله یاری دهید.



### نشانی فرستنده:

.....  
 .....  
 .....

تلفن: ..... کد پستی: ..... صندوق پستی: .....

اینجانب: ..... مبلغ: ..... ریال

طی فیش شماره: ..... از طریق بانک: .....

شعبه: ..... دارای کد: ..... در تاریخ: / / ۱۳ برای

دریافت مجله از شماره: ..... به تعداد هر شماره: ..... نسخه ارسال داشتم.

از این قسمت تا بزنید

نیاز به الصاق  
 تمبر ندارد

## پست جواب قبول

هزینه پستی بر اساس قرارداد ۳۷۱۸۴/۱۹ پرداخت شد.

گیرنده:

قم: صندوق پستی: ۸۶۸-۳۷۱۸۵

معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه‌های علمیه

ماهنامه مبلغان

از این قسمت تا بزنید لطفاً با چسب بچسبانید

